



پول اعتباری و طرح جایگزین

محورهای جلسه:

۱. مفهوم «سود ارتباطی» در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به چه معناست؟
۲. تعریف پول در تامین «سود ارتباطی» چه نقشی دارد؟
۳. تاثیر سایر بخش‌های اقتصاد اسلامی بر کارکرد پول چگونه است؟
۴. چالش‌های اجرای پول غیراعتباری چیست؟

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

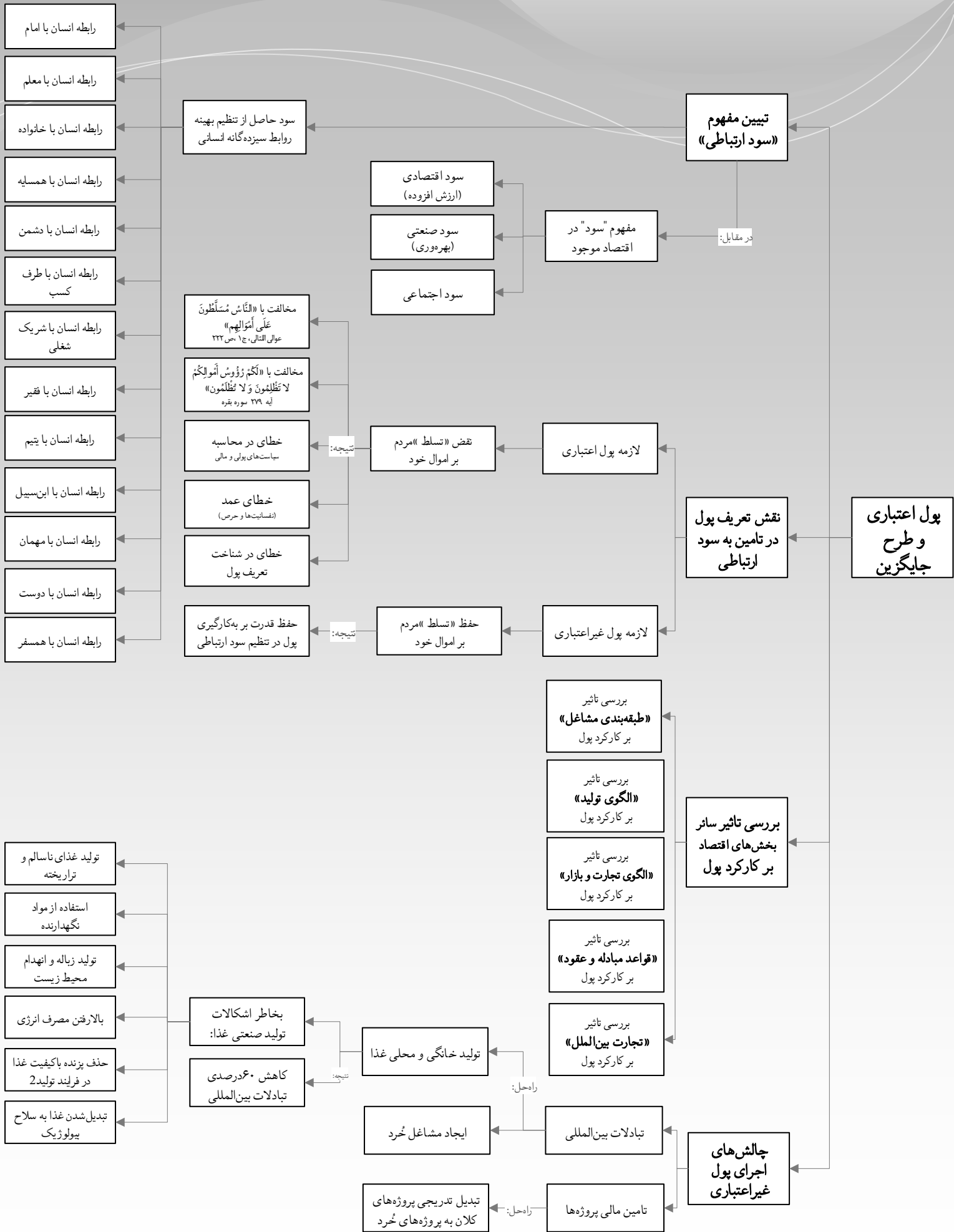
سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش‌رو (ویرایش اول) صد و چهارمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده‌شده گفتگوی حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) با موضوع «پول اعتباری و طرح جایگزین» در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب، در تاریخ سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۰، خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

پول اعتباری و طرح جایگزین



فهرست مطالب:

۱. مقدمه: ۱
- ۱/۱. تحلیل ناقص از پول و بی‌توجهی به تاثیر آن بر روابط انسانی؛ زمینه ایجاد چالش و هزینه در حوزه‌های مختلف زندگی ۱
- ۱/۲. وجود پیچیدگی‌های فراوان در مساله پول؛ علتی بر ضرورت پناه‌بردن به تحلیل فقهی از پول ۲
- ۱/۳. توجه به سرفصل‌های چهارگانه مطرح در جلسه؛ عاملی برای فهم جایگاه پول در اسلام و تاثیر آن بر تنظیم روابط انسانی ۳
۲. سرفصل اول: مفهوم "سود ارتباطی" در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی چه تعریفی دارد؟ ۶
- ۲/۱. سود اقتصادی (ارزش افزوده)، سود صنعتی (بهره‌وری) و سود اجتماعی؛ تعاریف اصلی از مفهوم "سود" در اقتصاد موجود ۶
- ۲/۱/۱. هزینه‌کردن برای جلوگیری از شورش اجتماعی و حفظ نظم موجود؛ تعریف سود اجتماعی در اقتصاد موجود ۷
- ۲/۱/۲. محوریت رذائل اخلاقی خصوصاً وصف "حرص"؛ یکی از مبانی تولید ثروت و ایجاد سود در اقتصاد موجود ۸
- ۲/۲. سود حاصل از تنظیم بهینه روابط انسانی؛ تعریف مفهوم "سود ارتباطی" ۸
- ۲/۲/۱. رسیدن به سودی اعم از سود اقتصادی، سود صنعتی و سود اجتماعی؛ فائده سود ارتباطی ۸
- ۲/۲/۱/۱. "قرض الحسنه"؛ یکی از ثمرات سود ارتباطی ۸
- ۲/۲/۱/۱/۱. حل مشکلات اقتصادی و فقر؛ سود قرض الحسنه برای قرض‌گیرنده ۸
- ۲/۲/۱/۱/۲. عدم پرداخت هزینه‌های اقتصادی برای ایجاد امنیت و شورش اجتماعی فقراء؛ سود قرض الحسنه برای قرض‌دهنده ۹
- ۲/۲/۱/۱/۳. ایجاد سود اقتصادی مبتنی بر مناسک رزق؛ سود دیگر قرض الحسنه برای قرض‌دهنده ۹
- ۲/۲/۱/۲. "زکات"؛ ثمره‌ای دیگر از سود ارتباطی ۱۰
- ۲/۲/۱/۳. "قراردادن مال را در اختیار"؛ ثمره‌ای دیگر از سود ارتباطی ۱۰
- ۲/۲/۱/۳/۱. به‌کاربردن مال در تنظیم حوزه‌های روابط انسانی (مثل نشر علم و رسیدگی به فقراء) توسط امام؛ ثمره قراردادن مال در اختیار امام ۱۰
- ۲/۲/۲. حوزه‌های سیزده‌گانه روابط انسانی؛ محل هزینه‌کرد پول و مال در اسلام ۱۱
- ۲/۲/۳. تنظیم روابط انسانی؛ غرض از تولید ثروت در اسلام ۱۳
- ۲/۲/۳/۱. لزوم توجه به عدم اختلال در روابط انسانی در راستای تولید ثروت؛ لازمه تنظیم روابط انسانی ۱۳
- ۲/۲/۴. رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شریک شغلی، رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با فقیر، رابطه انسان با یتیم، رابطه انسان با ابن‌سبیل و رابطه انسان با مهمان؛ حوزه‌های سیزده‌گانه روابط انسانی در راستای کسب سود ارتباطی ۱۳
- ۲/۲/۴/۱. ساختار مالی حمایت از امام؛ یکی از مصادیق تنظیم رابطه انسان با امام ۱۵
- ۲/۲/۴/۱/۱. انفال، خمس، خراج و طسوق؛ بخشی از مصادیق ساختار مالی حمایت از امام ۱۵
- ۲/۲/۵. لزوم ارتقاء مفهوم سود در اذهان نخبگان از سود اقتصادی به سود ارتباطی؛ لازمه ایجاد تحول و جهش در آینده اقتصادی کشور ۱۷
۳. سرفصل دوم: تعریف پول در تامین سود ارتباطی چه نقشی دارد؟ ۱۷

۳/۱. بررسی تعریف "پول" در اسلام: ۱۸

۳/۱/۱. بررسی موضوع شناسانه تعریف پول در اسلام: ۱۸

۳/۱/۱/۱. نقض "تسلط" مردم بر اموال خود؛ لازمه پذیرش تعریف پول اعتباری: ۱۸

۳/۱/۱/۱/۱. احتمال ایجاد خطای در محاسبه، خطای عمد و خطای در شناخت؛ نتیجه نقض "تسلط" مردم بر اموال خود: ۱۹

۳/۱/۱/۱/۲. مخالفت با قاعده فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود: ۱۹

۳/۱/۱/۱/۳. مخالفت با آیه «لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود: ۱۹

۳/۱/۱/۲. حفظ "تسلط" مردم بر اموال خود و منتفی شدن خطای در محاسبه؛ لازمه پذیرش تعریف پول غیراعتباری: ۲۰

۳/۱/۲. بررسی استظهاری تعریف پول در اسلام: ۲۰

۳/۱/۲/۱. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد آیه ۱۰۳ سوره مبارکه توبه: ۲۰

۳/۱/۲/۲. غیراعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد برخی از روایات: ۲۱

۳/۱/۲/۲/۱. فتوادادن به تعیین پول براساس بناء عقلاء از طرفی، و وجوب زکات بر نقدین (نه بر اسکناس) از طرفی دیگر؛ تعارض و ناهماهنگی فتوای

فقهاء در مورد مساله پول در اسلام: ۲۲

۳/۱/۳. وجود مصادیق مختلف از کاهش ارزش پول در کشورهای مختلف دنیا؛ دلیلی بر وجود اشکالات ذاتی در پول اعتباری: ۲۳

۴. سرفصل سوم: تاثیر سایر بخش‌های اقتصاد بر کارکرد پول چگونه است؟ ۲۴

۴/۱. بررسی تاثیر "طبقه‌بندی مشاغل" بر کارکرد پول؛ سطح اول از بحث: ۲۴

۴/۱/۱. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل کلان؛ در صورت پذیرش مشاغل کلان و صنعتی به عنوان اصل در طبقه‌بندی مشاغل: ۲۴

۴/۱/۲. قرارگرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل خرد؛ در صورت پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه‌بندی مشاغل: ۲۵

۴/۱/۳. پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه‌بندی مشاغل؛ پیش‌نیاز طراحی پول غیراعتباری (پول طلا) در ابزار مبادله: ۲۵

۴/۱/۲. بررسی تاثیر "الگوی تولید" بر کارکرد پول؛ سطح دوم از بحث: ۲۶

۴/۱/۲/۱. الگوی تولید متمرکز و صنعتی یا غیرمتمرکز و محلی؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری): ۲۶

۴/۱/۳. بررسی نافر "الگوی بازار و تجارت" بر کارکرد پول؛ سطح سوم از بحث: ۲۶

۴/۱/۳/۱. الگوی بازار متمرکز و یا غیرمتمرکز؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری): ۲۶

۴/۱/۴. بررسی تاثیر "قواعد مبادله و عقود" بر کارکرد پول؛ سطح چهارم از بحث: ۲۸

۴/۱/۵. بررسی تاثیر "تجارت بین‌الملل" بر کارکرد پول؛ سطح پنجم از بحث: ۲۸

۴/۱/۵/۱. عدم تقویت کفایت؛ شرط اصلی در تجارت بین‌الملل: ۲۸

۴/۱/۵/۲. کنارگذاشتن تولید صنعتی غذا بخاطر اشکالات شش‌گانه آن؛ راهکاری برای کاهش ۶۰ درصدی تبادلات در تجارت بین‌الملل: ۲۸

۴/۱/۵/۲/۱. تولید غذای ناسالم و تراریخته؛ اولین اشکال تولید صنعتی غذا: ۲۹

۴/۱/۵/۲/۲. استفاده از مواد نگهدارنده؛ دومین اشکال تولید صنعتی غذا: ۲۹

۴/۱/۵/۲/۳. تولید زیاده و انهدام محیط زیست؛ سومین اشکال تولید صنعتی غذا: ۲۹

۴/۲/۵/۱/۴. بالارفتن مصرف انرژی؛ چهارمین اشکال تولید صنعتی غذا ۳۰

۵/۲/۵/۱/۴. حذف پزنده باکیفیت غذا در فرایند تولید؛ پنجمین اشکال تولید صنعتی غذا ۳۰

۳/۵/۱/۴. کاهش تدریجی ۶۰ درصد از تبادلات مالی در صورت کنارگذاشتن تولید صنعتی غذا؛ راهکاری برای کاهش تبادلات در تجارت بین الملل ... ۳۰

۵. سرفصل چهارم: چالش‌های اجرای پول غیراعتباری چیست؟ ۳۱

۱/۵. تامین مالی پروژه‌ها؛ اولین چالش اجرایی پول غیراعتباری ۳۱

۱/۵/۱. تبدیل ۶۰ درصد از پروژه‌های کلان تولیدی به پروژه‌های خرد؛ راهکاری برای حل چالش تامین مالی پروژه‌ها ۳۲

۲/۵. تبادلات بین‌المللی؛ دومین چالش اجرایی پول غیراعتباری ۳۲

۱/۵/۲. تولید خانگی و محلی غذا و ایجاد مشاغل خرد؛ راهکاری برای حل چالش تبادلات بین‌المللی ۳۲

پیوست‌ها: ۳۴

پیوست شماره ۱: اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور ۳۴

پیوست شماره ۲: توضیح بیشتر در مورد سود ارتباطی ۳۶

پیوست شماره ۳: جایگاه ارزش افزوده در اقتصاد موجود ۳۸

پیوست شماره ۴: توصیه فراوان آیات و روایات به "قرض الحسنه" ۳۸

پیوست شماره ۵: نهی فراوان آیات و روایات از "ربا" ۴۰

پیوست شماره ۶: آیات و روایات در مورد تاثیر فراوان صدقه و انفاق در ازدیاد سود مادی ۴۲

پیوست شماره ۷: گستره عظیم "انفال" در آیات و روایات ۴۵

پیوست شماره ۸: آیات و روایات عدم جواز سلطه بر مال دیگران ۵۰

پیوست شماره ۹: روایات و فتوای فقهاء در مورد لزوم عدم تقویت کفر در تجارت بین الملل ۵۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطٰنِ الرَّجِیْمِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِیْنَ وَ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ عَلٰی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا وَ شَفِیْعِنَا فِیْ یَوْمِ الْجَزَاۗءِ اَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ سَیِّمًا بِقِیَّةِ اللّٰهِ فِی الْاَرْضِیْنَ اَرْوَاحِنَا لَا مَالَهُ الْفِدَاۗءِ وَ عَجَّلَ اللّٰهُ تَعَالٰی فَرَجَهُ الشَّرِیْفِ وَ اللَّعْنَ الدَّائِمَ عَلٰی اَعْدَاۗءِهِ اَعْدَاۗءِ اللّٰهِ مِنَ الْاَنِّ اِلٰی قِیَامِ یَوْمِ الدِّیْنِ .

همانطور که به استحضار برادران محترم رسیده است ان شاء الله بفضل تبارک و تعالی امروز یک گفتگوی اجمالی راجع به "پول در اسلام" خواهیم داشت. ان شاء الله با نشر این مباحث به دنبال این هستیم که مجموعه نخبگان دانشگاهی کشور و نامزدهای ریاست جمهوری نسبت به تنظیم سیاست‌های پولی و مالی یک مسیر جدیدی را بیامانند و توجه داشته باشند که مساله پول بر همه ابعاد زندگی تاثیر دارد.

۱. مقدمه:

۱/۱. تحلیل ناقص از پول و بی‌توجهی به تاثیر آن بر روابط انسانی؛ زمینه ایجاد چالش و هزینه در حوزه‌های مختلف زندگی
خلاصه حرف ما در این جلسه این است که مساله پول در تئوری‌های مرسوم اقتصادی به خوبی تحلیل نشده است و نسبت پول و تاثیر آن بر مساله اقتصاد و گاهی وقت‌ها بر سیاست و بخش‌های دیگر به صورت ناقص دیده شده است. تحلیل درست بر پول این است که تاثیر پول را بر روابط انسانی بررسی کنیم. لذا اگر ما مبنا را "تنظیم روابط انسانی" قرار دهیم، نگاه به پول ارتقاء پیدا می‌کند. البته این مبنا اختصاصی به مساله اقتصاد و پول ندارد. دوستان فاضل بنده استحضار دارند که در مجموعه مباحث الگوی پیشرفت اسلامی حرف اصلی ما این است که همه بخش‌ها باید کمک کند به تنظیم روابط انسانی. این مفهوم مادر است. اگر در هر بخشی شما به این سمت بروید که اختلال در روابط انسانی ایجاد کنید؛ بخشی از هزینه‌های ایجاد اختلال در روابط انسانی جبران‌ناپذیر خواهد بود مثل هزینه‌هایی که بر عمر و عاطفه و رشد انسانها وارد می‌شود. و بخشی از آنها هم باید در ردیف هزینه‌کرد بودجه‌ها از محل درآمدهای اقتصادی پرداخت شود. یعنی هزینه‌های مالی و پولی جامعه‌ای که دچار اختلال در روابط انسانی

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

می‌شود، خیلی بیشتر از جامعه‌ای است که تنظیم روابط انسانی را به شکل صحیح دارد. مثلاً در همین کشور جمهوری اسلامی شما می‌بینید که ما یک هزینه‌های بالایی را داریم برای رتق و فتق دادگاه‌ها پرداخت می‌کنیم. و این مساله دارد هزینه‌های کشور را از لحاظ مالی بالا می‌برد. حالا اگر یک کسی آمد گفت که شما "تنظیم صحیح روابط انسانی" را در دستور کار قرار دهید، در واقع دارد هزینه‌های بخش دادگاه‌های ما را کاهش می‌دهد. یا به عنوان یک مثال دیگر ما هر ساله یک پول بسیار زیادی را به بخش داخلی کشور اختصاص می‌دهیم؛ که یک بخش عمده‌ای از آن متاسفانه به تبع الگوهای غربی دارد خرج مانیتورینگ (Monitoring) می‌شود. خوب؛ این هزینه اقتصادی است دیگر! چرا دارد این اتفاق می‌افتد؟ چون ما متاسفانه امنیت محله‌ای و امنیت مبتنی بر "تعرف" را داریم از دست می‌دهیم. بنابراین همانطور که تاکید کردم اگر ما مبنا را تنظیم روابط انسانی قرار دهیم نتیجه اش این می‌شود که هزینه‌های اقتصادی و غیراقتصادی جامعه کاهش پیدا می‌کند. حالا ما می‌خواهیم پول را با این نگاه بررسی کنیم. موضوع جلسه همین است که ما معتقدیم که پول اگر -طبق تعریف موجود- اعتبار باشد، از ده‌ها جنبه به تنظیم روابط انسانی ضربه می‌زند. پس این مقدمه‌ای از کلیت بحث است تا جایگاه بحث مشخص شود.

۱/۲. وجود پیچیدگی‌های فراوان در مساله پول؛ علتی بر ضرورت پناه‌بردن به تحلیل فقهی از پول

بنده می‌شنوم که اساتید دانشگاهی خودم که می‌گویند: پول مساله پیچیده‌ای است.^۲ بنده هم با آنها همراه هستم و می‌گویم پول مساله پیچیده‌ای است؛ به همین دلیل ما می‌گوییم پول را فقه باید تحلیل کند، پول را باید بر اساس آیات و روایات تحلیل کرد. اگر پول را بر اساس تحلیل‌های رایج تحلیل کنیم ده‌ها چالش به وجود می‌آید. ما در فرهنگ شیعه یاد گرفته‌ایم که وقتی یک چیزی پیچیده می‌شود آن را به عاقل‌ترین و عالم‌ترین مردم که اهلیت (علیهم‌السلام) هستند ارجاع بدهیم. همه مسائل پیچیده همینطور هستند و نمی‌شود پول را به علت اینکه مساله پیچیده‌ای است با تئوری‌های نئوکینزی را تدریس کنیم.

من همیشه از سابق اعتراض کرده‌ام مثلاً به دوستان انقلابی‌مان در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)؛ به این دوستان عرض کرده‌ام که وقتی شما کتابهای "منکیو" (Mankiw) را در آنجا تدریس می‌کنید و تئوری‌های ایشان را به مومنان دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) درس می‌دهید؛^۳ نتیجه‌اش می‌شود همین وضعیت پولی و مالی که الان ما در کشور داریم. بله؛ من خیلی انتظار ندارم

۱. ارجاع پژوهشی؛ واژه "تعرف" در اصطلاح مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به معنای شناخت طرفینی گسترده است.

۲. ارجاع پرورشی؛ کسی نیست که به پول دست نزده باشد یا نداند پول چیست، اما پول حاوی رازهای فراوانی است. مسأله پول برای اقتصاددانان بسیار بغرنج و پیچیده است و بدون شک سال‌های متمادی اذهان آنان را به خود مشغول خواهد کرد.

اینکس. تاریخ تکوین اقتصاد سیاسی، (ترجمه ناصر گیلانی)، ج ۱، ص ۳۳۸

۳. ارجاع پردازشی؛ جهت مشاهده بخشی از واحدهای درسی دانشکده «معارف اسلامی و اقتصاد» دانشگاه امام صادق (ع) به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<https://bzn.ir/q-۴۴۰۱>

دکتر حمیدرضا ارباب، مترجم کتاب «مبانی علم اقتصاد» منکیو درباره ضرورت ترجمه این کتاب گفت: درس مبانی علم اقتصاد شاید مهمترین درسی است که دانشجویان رشته اقتصاد و سایر رشته‌های علوم انسانی با آن آشنا می‌شوند. این درس شامل اقتصاد خرد و اقتصاد کلان می‌شود که برای دانشجویان علوم انسانی از اهمیت برخوردار است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا): کتاب «مبانی علم اقتصاد» منکیو شامل مهم‌ترین مباحث اقتصاد خرد و کلان است. این کتاب اولین جلد از مجموعه چهار جلدی کتاب اصول علم اقتصاد منکیو است. سایر کتاب‌های این مجموعه چهار جلدی عبارت‌اند از اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اصول علم اقتصاد. از گریگوری منکیو قبلاً کتابی تحت عنوان «اقتصاد کلان» از سوی دانشگاه علامه طباطبائی با ترجمه دکتر شرکاء و دکتر پارسائیان در سال ۷۴ منتشر شده‌است که یکی از منابع درسی دانشجویان این رشته محسوب می‌شود.

آدرس مطلب: خبرگزاری کتاب ایران

<http://www.ibna.ir/vdczds.x.yt-ok1a2ry.html>

پول اعتباری و طرح جایگزین

از اندیشمندانی که خیلی معتقد به فرایند و مسیرهای انقلاب اسلامی نیستند، و با آنها کاری ندارم. ولی دوستان انقلابی ما در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و سایر دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها باید توجه کنند که از مطالعه و مباحثه کتاب "منکیو"، مکتب اقتصاد اسلامی بیرون نمی‌آید و اگر این مساله را در چهل سال دوم اصلاح نکنیم، وضعیت کشور طبق روال چهل سال اول ادامه پیدا خواهد کرد.

همچنین بنده مکرر و خاضعانه و از سر دلسوزی اعتراض کردم به اساتید مدرسه آیت‌الله گلپایگانی و اساتیدی که در نشست دوره‌ای اساید تدریس می‌کنند و خلاصه عرض بنده به آنها این بوده است که: ما مکاسب را باید بازتعریف کنیم به شکلی که مکاتب اقتصادی موجود به چالش کشیده شوند. وقتی هنوز عمده کتاب مکاسب ما، مکاسب محرّمه و بیع و خیارات است؛ اگرچه افاده‌ها و استفاده‌های فراوانی به وجود می‌آید ولی مهم‌ترین معضل پذیرش این فهرست و عدم تکامل این فهرست این می‌شود که ما بالاترین دروس مکاسب را در حوزه علمیه قم داریم، ولی بالاترین دخالت اسناد بین‌المللی در حوزه کسب و کار کشور را هم داریم.^۴ از اینجا مشخص است که درس و بحث مکاسب ما منجر نشده که مثلاً برای سازمان بین‌المللی کار و بانک جهانی و مجموعه‌های اقتصادی که الان در ایران به معنای واقعی کلمه معادلاتشان در حال اجراست چالش ایجاد کند. یعنی علماء محترم ما توانسته‌اند در این حوزه با این بدعت مقابله کنند و متأسفانه الان همه بانک‌های ما ربوی است،^۵ سیاست‌های پولی و مالی به نفع قشر محروم نیست، و صدها مساله دیگر به وجود آمده است. بنابراین بنده هم با دوستان موافق هستم که پول مساله پیچیده‌ای است و به دلیل پیچیدگی آن ما سعی می‌کنیم به اندازه بضاعت خودمان به صورت استظهاری و با تکیه بر آیات و روایات این مساله را تحلیل کنیم.

۱/۳. توجه به سرفصل‌های چهار گانه مطرح در جلسه؛ عاملی برای فهم جایگاه پول در اسلام و تاثیر آن بر تنظیم روابط انسانی

بنده در اینجا در قسمت اصلی گزارش این نشست می‌خواهم چهار محور را بحث کنم. فهم بنده این است که اگر کسی به این چهار محور توجه کند، مساله "پول در اسلام" برای او حل می‌شود. یعنی جایگاه مساله پول و تاثیر آن بر مساله تنظیم روابط انسانی جا خواهد افتاد. بله؛ یک وقتی شما به دنبال این هستید که اثر پول را بر ایجاد "ارزش افزوده" بحث کنید، یا مثلاً می‌گویید که من مساله پول و سیاست‌های پولی و مالی را طوری تنظیم می‌کنم که هدایت "تقدینگی" به بخش تولید اتفاق بیفتد، یا تامین پروژه‌های مهم اتفاق بیفتد. خب؛ این یک بحث دیگری است و شما مساله پول را محدود کرده‌اید به بخش اقتصاد. ما اگر بخواهیم تاثیر

۴. **ارجاع پردازشی: سازمان بین‌المللی کار** در سال ۱۹۱۹ یعنی یک سال بعد از جنگ جهانی اول ایجاد شد... این سازمان از سال ۱۹۱۹ تاکنون کوشیده است تا با تدوین مقررات و قوانینی رعایت استانداردهای کار را محقق کند. مقر سازمان بین‌المللی کار در شهر ژنو در کشور سوئیس است و این سازمان که از زیرمجموعه‌های سازمان ملل متحد به حساب می‌آید هر ساله کنفرانسی در ماه ژوئن برگزار می‌کند... **ایران یکی از پیشگامان پیوستن به سازمان بین‌المللی کار بوده** و در ادوار مختلف نقشی مهم در این سازمان ایفا کرده است... هر ساله از ایران نمایندگان گروه‌های کارگری، کارفرمایی و دولت در اجلاس جهانی کار شرکت می‌کنند و به صورت جداگانه در جلسات آن حضور یافته و به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. آدرس مطلب: خبرگزاری کار ایران (ایلنا)

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-۷۷-۱۱۷>

به گزارش ایلنا به نقل از مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، انتخابات هیات مدیره سازمان بین‌المللی کار برای دوره (۲۰۲۱-۲۰۲۴) در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۴۰۰ ماه برگزار شد و جمهوری اسلامی ایران برای چهارمین دوره متوالی و با رای کشورهای عضو این سازمان به عضویت هیات مدیره این سازمان بین‌المللی درآمد.

آدرس مطلب: خبرگزاری کار ایران (ایلنا) - ۲۵ خرداد ۱۴۰۰

<https://www.ilna.news/fa/tiny/news-۱۰۹-۲۳۲>

۵. **ارجاع پرورشی:** جهت مشاهده اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور، ک: **پیوست شماره ۱.**

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

مساله پول را در تنظیم روابط انسانی ببینیم باید یک مقدمات و گفتگوهای دیگری را بحث کنیم. الان هم در مجلس شورای اسلامی این طرح معیوب و یا بهتر است بگوییم طرح بسیار معیوب "استقلال بانک مرکزی" مطرح است و علی رغم مخالفتهایی که حوزه علمیه نسبت به این طرح داشته دوستان اصرار دارند بر اینکه این مساله را پیگیری کنند و آن را تبدیل به قانون کنند! ^۶ اصرار این دوستان ناشی از یک تحلیل است و آن تحلیل عبارت از این است که: اگر استقلال بانک مرکزی تامین نشود، با چاپ حداکثری پول که با فشار دولت‌ها اتفاق می‌افتد تعادل "عرضه" و "تقاضا" به هم می‌خورد، و مثلاً اگر در "خلق پول" و "پایه پولی" که تحول ایجاد شود، "تورم" به وجود می‌آید. ببینید! کاملاً نگاه یک نگاه اقتصادی است و مبنای آن هم این است که "تعادل عرضه و تقاضا" حفظ شود. مبنای این است که به سمت این بروند که جلوی "خلق پول" را بگیرند و نگذارند "پایه پولی" ^۷ افزایش پیدا کند. نگاه‌ها به این سمت است.

ما اساساً داریم یک نگاه جدیدی را بحث می‌کنیم و دعوت ما این است که مبنای را عوض کنید و مبنای را برگردانید به این سمت که آثار مساله پول را بر روابط انسانی ببینید. خوب؛ برای اینکه این مبنای ما در اینجا قدری تبیین شود، بنده چهار سرفصل بحثی را بحث می‌کنم: **سرفصل اول** این است که ما یک مفهومی داریم به اسم «سود ارتباطی». قبلاً هم در بعضی از نشست‌ها این مفهوم را توضیح داده‌ام. ^۸ این مفهوم را بحث می‌کنیم و سپس تاثیر آن را در تعریف پول شرح خواهیم داد. توضیح خواهیم داد که بالاخره سود و احساس سود و علاقه‌مندی به سود بردن یکی از محرک‌های همه انسانهاست و اصل این مساله که انسانها به دنبال سود هستند یک مساله پذیرفته شده‌ای است. حالا ان شاء الله توضیح خواهیم داد که در دستگاه فکری اهل بیت (علیهم‌السلام) مفهوم سود از سود اقتصادی و ارزش افزوده، تحول معنایی پیدا کرده به سود ارتباطی. و اگر شما در حوزه مبانی اقتصاد تکلیف تعریف سود را معلوم نکنید، کماکان در ده‌ها سال آینده هم تعریف "کینز" (Keynes) و "آدام اسمیت" (Adam Smith) و تابعین آنها از سود داده‌اند حکومت خواهد کرد. بنابراین ما در مقدمه بحث باید یک گفتگویی داشته باشیم ببینیم که از نظر فکر دینی آیا سود فقط محدود می‌شود در ارزش افزوده؟ یا نه ما می‌توانیم از پایگاه دستگاه پیامبران سودهای بالاتری را برای مردم پیشنهاد بدهیم؟ که ان شاء الله این را شرح خواهیم داد.

سرفصل دومی که بنده بحث می‌کنم این است که نقش پول اعتباری ^۹ و پول غیر اعتباری را در دستیابی به سود ارتباطی را می‌خواهم شرح بدهم. یعنی در سرفصل اول در واقع ما مبانی نظری اقتصاد وجود را اصلاح می‌کنیم و یک مفهوم بالاتری از سود را در اذهان

۶. **ارجاع پردازشی:** نمایندگان مجلس شورای اسلامی کلیات طرح استقلال بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران را تصویب کردند. به گزارش خبرنگار مهر، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز (۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰) مجلس با ۱۹۹ رأی موافق، ۲۵ رأی مخالف و ۳ رأی ممتنع از مجموع ۲۵۰ نماینده حاضر در جلسه علنی با کلیات طرح مسئولیت، اهداف، ساختار و وظایف بانک مرکزی موافقت کردند.

آدرس مطلب: خبرگزاری مهر - ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ - کد خبر ۵۲۱۳۱۱۵
<https://b2n.ir/18967>

۷. **ارجاع پرورشی: پایه پولی** (Monetary Standard): پایه‌ای که بر [مبنای] آن پول نشر می‌شود و اصلی است که مقدار پول را معین می‌کند. فرهنگ علوم اقتصادی (منوچهر فرهنگ)، ص ۷۴۳

۸. **ارجاع پژوهشی:** از باب نمونه: ر، ک به پیوست شماره ۲ برگرفته از جلسه دوم از دوره پژوهشی "فقه‌المکاسب".

۹. **ارجاع پرورشی:**

Fiat money: Money that is not intrinsically useful and is valued only because it is used as money.

پول اعتباری: پولی که ذاتاً قابل استفاده نیست و فقط به این دلیل که از آن به عنوان پول استفاده می‌شود ارزش دار شده است.

پایه‌ریزی می‌کنیم. در سرفصل دوم اثر پول بر این سود را شرح می‌دهیم که وقتی شما دارید راجع به تعریف پول صحبت می‌کنید ببینیم که آیا پول اعتباری و پول به معنای اعتبار می‌تواند سود ارتباطی را برای ما به وجود بیاورد؟ یا نه به ضرر ارتباطی است؟ که ان شاء الله شرح خواهم داد. و در این سرفصل دوم یک روایت مهمی را - که معمولاً در ابواب زکات ذکر می‌شود - یک مقداری شرح داده و در آن یک مقداری درایه می‌کنم. و این روایت به ما کمک می‌کند که درک ما از مفهوم پول براساس آیات روایات ارتقاء پیدا کند.

سرفصل سوم ارتباط پول با سایر بخش‌های ساختار اقتصاد اسلامی را شرح می‌دهم. شما استحضار دارید که مباحث فقهی اقتصاد اسلامی - و یا به تعبیر ما: مکاسب - فقط اختصاص به مساله پول ندارد، بلکه پنج ساختار اصلی را شامل می‌شود. از جمله بحث طبقه‌بندی مشاغل، بحث الگوی تولید، بحث الگوی بازار، بحث قواعد مبادله و بحث تجارت بین‌الملل. در واقع مخاطب این سرفصل سوم بحث دوستان تمدنی ما و مجموعه‌هایی هستند که دارند روی مساله پول کار می‌کنند. ما معتقدیم که تا مادامی که ارتباط مساله پول را با بازار و الگوی تولید تحلیل نکنیم، نمی‌توانیم درک اجرایی از مساله پول را به جامعه ارائه کنیم. اجرا می‌شود ولی نه به این معنا که یک نظریه فراگیر شود و بتواند سیاست‌های پولی و مالی را تنظیم کند. این هم یک سرفصل بسیار مهمی است که البته ما فقط می‌توانیم در این جلسه به آن اشاره کنیم. خلاصه بحث ما در این سرفصل سوم این است که اساساً تحلیل پول تحلیل از نوع سطح چهارم اقتصاد است. یعنی اگر ما پنج سطح تحلیل اقتصادی داشته باشیم؛ تحلیل پول تحلیل سطح اول از اقتصاد نیست، بلکه تحلیل سطح چهارم از اقتصاد است. و این سطح‌بندی هم در دیدگاه ما به معنای ترتب است. مثالی بزنم تا بحث واضح شود: مثلاً فرض بفرمایید شما دارید راجع به نماز بحث می‌کنید، بعد کسی بیاید و مستقلاً راجع به رکوع نماز برای شما صحبت کند. فرض کنید اگر یک رکعت نماز را تصور کنیم - طبق روایت فضل بن شاذان از امام رضا (علیه‌السلام) اصل نماز یک رکعت بوده که از تکبیره الاحرام شروع می‌شود، بعد سوره حمد، بعد یک سوره‌ای خوانده می‌شود، بعد رکوع و سجده و تشهد و سلام. حالا شما فرض کنید یک شخصی بیاید شروع کند اول از رکوع صحبت کند، شما به او می‌گویید که رکوع، آغاز نماز نیست. بله؛ رکوع جزو مهمی از نماز است، قبل از سجده است و باید در آن دقت‌هایی انجام شود؛ ولی آغاز و افتتاح نماز به تکبیره الاحرام است، ختم نماز هم به تشهد و سلام است. شبیه این مثال که عرض کردم: پول هم در مجموع تحلیل‌های فقهی یک تحلیل سطح چهارم محسوب می‌شود. یعنی شما باید مقدماً چند سطح دیگر را بحث کنید، تا بعد بتوانی جایگاه پول را در اذهان تثبیت کنید. لذا بحث بسیار مهمی در این سرفصل سوم داریم و به قدری که وقت جلسه اجازه بدهد و دوستان حوصله کنند به آن خواهم پرداخت. در خاتمه بحث هم چالش‌های اجرایی شدن پول طلا یا پول غیراعتباری را بحث می‌کنم. من دو چالش مهم را در جلسه امروز بحث خواهم کرد: یکی بحث تبادلات بین‌المللی است که وضعیت تبادلات بین‌المللی با فرض پذیرش پول طلا و پول غیراعتباری چگونه خواهد شد؟ و نکته دیگر تامین مالی پروژه‌هاست یا به اصطلاح در کنار تامین مالی پروژه‌ها "هدایت نقدینگی" است. این مساله چه خواهد شد؟ و در نگاه تمدنی ما چه شکلی پیدا خواهد کرد؟ این هم سرفصل چهارم است.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

پس این هم بالاجمال نقشه محتوای امروز است که به آن خواهیم پرداخت. پیشاپیش از دوستان عذرخواهی میکنم از اینکه بنده را تحمل می‌فرمایید و این عرائض ناقص بنده را استماع می‌کنید.

۲. سرفصل اول: مفهوم "سود ارتباطی" در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی چه تعریفی دارد؟

برگردیم به سرفصل اول و بحث را شروع کنیم: همانطور که عرض کردم ما مبنا را در بازسازی اقتصاد مفهوم «سود ارتباطی» قرار داده‌ایم. یعنی بالاخره هر دیدگاه و نظریه‌ای یک تکیه‌گاه‌های مفهومی و مبانی نظری‌ای دارد. مبناي نظری ما در اقتصاد اسلامی مفهومی است به نام مفهوم سود ارتباطی.

۲/۱. سود اقتصادی (ارزش افزوده)، سود صنعتی (بهره‌وری) و سود اجتماعی؛ تعاریف اصلی از مفهوم "سود" در اقتصاد

موجود

قبل از اینکه مفهوم سود ارتباطی را توضیح دهم مقدماً باز عرض کنم که الان لااقل سه نوع سود را در اقتصاد بحث می‌کنند و هر سه نوع سود محل بحث است و باید راجع به آن ان قُلت‌های طلبگی کرد و نقص‌های آن را بیان کرد: اولین سود همین «سود ارزش افزوده» (Value Added) است که در واقع مهم‌ترین و در دسترس‌ترین نوع سودی است که افراد آن را درک می‌کنند. یعنی یک کالایی را می‌خرند، هزینه‌های خودشان را محاسبه می‌کنند و علاوه بر هزینه‌ها یک سودی را هم در نظر می‌گیرند و آن کالا را به فروش می‌رسانند. این مهم‌ترین و ساده‌ترین سودی است که الان از آن بحث است. که گاهی وقت‌ها در تعابیر اقتصادی از ارزش افزوده تعبیر به «سود اقتصادی» (Economic Profit) می‌شود.^{۱۰}

مفهوم دیگری از سود در ادبیات اقتصادی محل بحث است به اسم «سود صنعتی» یا «بهره‌وری» (Efficiency)^{۱۱}. شما در مساله سود صنعتی یا بهره‌وری، می‌آیید استفاده از تکنولوژی‌های بهتر و استفاده بهتر از نیروی کار و سایر اشکالی که هزینه‌های شما را

۱۰. ارجاع پرورشی: ارزش افزوده (Value Added): قیمت بازاری محصول منهای مخارج و بهای موادی که در آن به کار رفته است.

فرهنگ علوم اقتصادی، ص ۱۳۰۶

جهت مشاهده جایگاه ارزش افزوده در اقتصاد موجود ر، ک: پیوست شماره ۳.

۱۱. ارجاع پردازشی: سود اقتصادی؛ منفعت اقتصادی (Economic Profit): سود افزون بر سود عادی در حالت رقابت خالص.

همان، ص ۳۳۳

Profit (economics): in business usage, the excess of total revenue over total cost during a specific period of time. In economics, profit is the excess over the returns to capital, land, and labour (interest, rent, and wages). To the economist, much of what is classified in business usage as profit consists of the implicit wages of manager-owners, the implicit rent on land owned by the firm, and the implicit interest on the capital invested by the firm's owners. In conditions of competitive equilibrium, "pure" profit would not exist, because the competitive market would cause the rates of return to capital, land, and labour to rise until they exhausted the total value of the product. Should profits emerge in any field of production, the resulting increase in output would cause price declines that would eventually squeeze out profits.

سود (اقتصاد): در استفاده از مشاغل، بیش از درآمد کل نسبت به کل هزینه در یک دوره زمانی خاص. در اقتصاد، سود بیش از بازده به سرمایه، زمین و نیروی کار (سود، اجاره و دستمزد) است. از نظر اقتصاددان، بیشتر آنچه در استفاده تجاری به عنوان سود طبقه بندی می‌شود، شامل دستمزدهای ضمنی مدیر-صاحبان، اجاره ضمنی زمین متعلق به شرکت و سود ضمنی سرمایه گذاری شده توسط صاحبان شرکت است. در شرایط تعادل رقابتی، سود "خالص" وجود نخواهد داشت، زیرا بازار رقابتی باعث افزایش نرخ بازگشت به سرمایه، زمین و نیروی کار می‌شود تا زمانی که ارزش کل محصول را از بین ببرند. اگر سود در هر زمینه تولید ظاهر شود، افزایش تولید در نتیجه باعث کاهش قیمت می‌شود که در نهایت سود را از بین می‌برد.

آدرس مطلب: سایت دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://www.britannica.com/topic/profit>

کاهش بدهد را بحث می‌کنید. گاهی وقت‌ها ممکن است شما در فرض اولیه مثلاً یک میلیون دلار خرج کنید و یک تکنولوژی جدیدی بیاورید و این هزینه محسوب می‌شود و این خلاف ارزش افزوده است. ولی چون بعداً یک بهره‌وری بیشتری در تکنیک برای شما ایجاد می‌کند، شما به این نوع از سود هم معتقد هستید. البته بهره‌وری فقط محدود در تکنیک نیست و شامل تنظیم روابط انسانی در بخش کار هم می‌شود مثلاً شما به کارگرایان در یک بنگاه تولیدی وعده می‌دهید که اگر آن بنگاه مثلاً به فلان درصد از سود دست پیدا کند، ۱۰ درصدش را بین آنها توزیع می‌کنید. این هم باز یک مفهومی است. ولی عمده بحث از بهره‌وری که در دنیای امروز خیلی از آن بحث می‌شود مساله سود صنعتی است.

۲/۱/۱. هزینه‌کردن برای جلوگیری از شورش اجتماعی و حفظ نظم موجود؛ تعریف سود اجتماعی در اقتصاد موجود

درک سومی از سود در بین اهالی اقتصاد وجود دارد به اسم «سود اجتماعی» (dumping). سود اجتماعی چیست؟ مثلاً شما می‌روید در لرستان یک کارخانه‌ای راه‌اندازی می‌کنید و یک عده‌ای را در آن کارخانه استخدام می‌کنید به انگیزه‌ای که در آنجا شورش اتفاق نیفتد و اساس نظام اجتماعی شما به چالش کشیده نشود. یعنی دستگاه حاکمیتی چه کاری انجام می‌دهد؟ برای حفظ کلان جامعه هزینه می‌کند و می‌گوید با این کار اساس دستگاه حاکمیتی باقی می‌ماند. و مثلاً سناتورهای آمریکایی دائماً بر مبنای سود اجتماعی می‌آیند و هزینه‌های کلانی را برای مخالفت با جمهوری اسلامی می‌پردازند. خب؛ وقتی شما در سال چند هزار میلیارد دلار برای مخالفت با جمهوری اسلامی می‌کنید؛ همه اینها هزینه است و علی‌القاعده باید خلاف مفهوم سود اذهان اقتصاددانان آمریکایی تلقی شود، منتها آنها محاسبه این را می‌کنند که جمهوری اسلامی دارد نظم دنیا را عوض می‌کند. و اساس فعالیت‌های اقتصادی، تبلیغات تجاری و فروش کالاهای آنها، همه بر فرض این است که نظم موجود باقی بماند و مادامی که نظم موجود کدخدایی به اسم آمریکا و معاونینی به اسم اتحادیه اروپا دارد؛ شرکت‌های صنعتی آنها در بخش‌های مختلف هم سود خودشان را دارند. اما اگر بنا باشد که نظم جدیدی بیاید و فرهنگ را به سمت "قناعت" ببرد، آنوقت دیگر شما نمی‌توانید پرنده‌های اقتصادی‌تان را زنده نگه دارید. آن بنگاه‌های بزرگ اقتصادی که امروز بر دنیا تسلط دارند، در فرض فرهنگ موجود و نظم موجود دارند کار خودشان را انجام می‌دهند. لذا معمولاً تعریف سود اجتماعی به صورت اجمالی این است که: شما هزینه می‌کنید تا اینکه نظم موجود و تعادل موجود را در سطح کلان حفظ کنید. بله؛ حتی ممکن است شما ۱۰ سال هزینه کنید ولی جلوی تغییر نظم موجود را بگیرید تا مثلاً در دو دهه یا سه دهه آینده شما سود داشته باشید و باقی بمانید.

البته مفاهیم و معانی دیگری هم از سود در ادبیات اقتصادی موجود مطرح است؛ ولی من خواستم یک اجمالی راجع به مفهوم سود خدمت شما مطرح کرده باشم تا هرگاه گفته می‌شود که ما اساساً فعالیت‌های اقتصادی را پیگیری می‌کنیم، بدانید که غرض از این

Efficiency economics and organizational analysis: Efficiency, in economics and organizational analysis, a measure of the input a system requires to achieve a specified output... Efficiency is a favourite objective of economists and administrators ... Sociologists often believe that organizations are merely effective; they aim for survival and often use suboptimal arrangements that satisfy the social needs of participants and surrounding institutions.

بهره‌وری اقتصاد و تجزیه و تحلیل سازمانی: کارایی (بازده، راندمان، سودمندی...) در اقتصاد و تجزیه و تحلیل سازمانی، اندازه‌گیری ورودی سیستم نیاز به رسیدن به یک خروجی مشخص... کارایی یک هدف مورد علاقه اقتصاددانان و مدیران است... جامعه‌شناسان اغلب معتقدند که سازمان‌ها صرفاً موثر هستند؛ هدف آنها بقا است و اغلب از ترتیبات غیربهره‌ای که نیازهای اجتماعی شرکت‌کنندگان و نهادهای اطراف را برآورده می‌کنند، استفاده می‌کنند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://bfn.ir/k66-e>

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

فعالیت اقتصادی تامین سود است. و وقتی مفهوم سود شکافته می‌شود این مفاهیم جزو آن است و مفاهیم دیگری هم ممکن است اضافه شود یعنی برنامه‌ریزان از سود اجتماعی، سود صنعتی، سود اقتصادی، ارزش افزوده و بهره‌وری را بحث می‌کنند و همه اینها مفاهیم این نوع از سود را تئوریزه می‌کنند.

۲/۱/۲. محوریت ردائل اخلاقی خصوصاً وصف "حرص"؛ یکی از مبانی تولید ثروت و ایجاد سود در اقتصاد موجود

یا وقتی در مبانی نظری "آدام اسمیت" و "کینز" مسأله ردائل اخلاقی خصوصاً حرص را مطرح می‌کنند، در واقع چنین درکی از سود در ذهنشان است که معتقدند ردائل باعث تولید ثروت می‌شود! یعنی معتقدند که موتور محرک دستیابی به ثروت در جامعه، عمدتاً وصف حرص - و البته سایر ردائل اخلاقی - است.^{۱۳} لذا وقتی وارد بحث می‌شوند از مسأله ردائل در تولید ثروت دفاع می‌کنند، از مسأله ربا دفاع می‌کنند.^{۱۴} ولی شما باید توجه داشته باشید که چون درک اینها از سود محدود است به ارزش افزوده و مفاهیم مشابه، موتور محرک آن را این اوصاف اخلاقی می‌دانند و بحث می‌کنند. حالا این یک سرفصلی است که می‌شود راجع به آن بحث کرد. من فقط برای اینکه فضای ذهنی شما آماده باشد یک اشاره‌ای به این بحث کردم، اما در مقام تصویر همه مباحث معیوبی که به اقتصاددانان مکاتب مختلف موجود گفته‌اند نیستیم، فقط خواستم یک زمینه‌ای ایجاد شود که بتوانم حرف خودمان در مسأله سود را زده باشیم.

۲/۲. سود حاصل از تنظیم بهینه روابط انسانی؛ تعریف مفهوم "سود ارتباطی"

۲/۲/۱. رسیدن به سودی اعم از سود اقتصادی، سود صنعتی و سود اجتماعی؛ فائده سود ارتباطی

ما معتقدیم که عمده سود سودی است که انسانها از روابط بهینه با همدیگر می‌برند. یعنی مهم‌ترین مسأله شما در جامعه انسانی، مسأله روابط انسانها با یکدیگر است. و دو فرض در روابط انسانها متصور است: یا روابط انسانها دچار اختلال و اصطکاک می‌شود؛ بنابراین شما سود بزرگی را از دست خواهید داد. یا روابط انسانها بر فرض تعادل قرار می‌گیرد و به اصطلاح تنظیم صحیحی پیدا می‌کند؛ در اینجا شما حتماً سود خواهید برد و سود آن هم اعم از سود اقتصادی، سود اجتماعی و سود صنعتی است.

۲/۲/۱/۱. "قرض الحسنه"؛ یکی از ثمرات سود ارتباطی

۲/۲/۱/۱/۱. حل مشکلات اقتصادی و فقر؛ سود قرض الحسنه برای قرض گیرنده

مثلاً فرض بفرمایید که وقتی شما رابطه‌تان را با همدیگر تنظیم کنید، مفهومی به اسم «قرض الحسنه»^{۱۵} اتفاق می‌افتد. و اگر قرض الحسنه مبنای کار قرار بگیرد، یعنی فقراء و محرومین درآمد اقتصادی پیدا می‌کنند. و به اصطلاح اقتصاد امروز "پول ارزان"

۱۳. ارجاع پرورشی: آدام اسمیت: منافع شخصی بدون آنکه عیب باشد، محرک فعالیت انسان و موجب رفاه جامعه خواهد بود.

آدام اسمیت و ثروت ملل، محمدعلی کانونیان، ص ۱۷۶

۱۴. ارجاع پرورشی:

For at least another hundred years we must pretend to ourselves and to everyone that fair is foul and foul is fair; for foul is useful and fair is not. Avarice and usury and precaution must be our gods for a little longer still. For only they can lead us out of the tunnel of economic necessity into daylight.

مینارد کینز: دست کم باید برای صد سال دیگر برای خود و هرکس دیگر تظاهر کنیم که بدی، نیکی است و نیکی بدی است؛ زیرا بدی مفید است و نیکی نیست. حرص و طمع و ربا و محافظه‌کاری؛ باید هم‌چنان برای یک مدت کوتاه دیگر؛ خدایان ما باشند. زیرا فقط آن‌ها می‌توانند ما را از گذرگاه تاریک اقتصادی به روشنائی روز؛ رهنما شوند.

مقاله جان مینارد کینز با نام «Economic Possibilities for our Grandchildren» منتشر شده در سال ۱۹۳۰

۱۵. ارجاع پژوهشی: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعَفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۵)

پول اعتباری و طرح جایگزین

به دستشان می‌رسد. و این خیلی فرق می‌کند با پولی که "ریا" در آن است. که حالا ربا از چهاردرصد شروع می‌شود که من معتقدم که از این چهاردرصد هم نمی‌شود دفاع کرد. دولت اسلامی باید مجموعه عمّال و کارگزاران خودش را تامین کند و مَرّ احکام اسلام - یعنی سود صفر - در قرض‌ها باید مبنا قرار بگیرد. به هر حال من معتقدم که حداقل سود در جمهوری اسلامی چهار درصد است و دارای حداکثر هم است. خب؛ شما با این کار چه کاری دارید انجام می‌دهید؟ دارید اختلال در زندگی فقراء ایجاد می‌کنید.

۲/۲/۱/۱/۲. عدم پرداخت هزینه‌های اقتصادی برای ایجاد امنیت و شورش اجتماعی فقراء؛ سود قرض الحسنه برای قرض‌دهنده

خب؛ ممکن است کسی اشکال کند که در قرض الحسنه طرف گیرنده، سود می‌برد ولی طرف دهنده، سودی برایش متصور نیست. [ولی ما می‌گوییم اینطور نیست؛ بلکه] برای دهنده دو سود متصور است: سود اول این است که هزینه‌های اختلال در روابط انسانی و شورش فقراء را پرداخت نمی‌کنیم. شما استحضار دارید که مفهوم شورش فقراء و اعتراض ناشی از فقر فقط این نیست که در خیابان یک تظاهراتی انجام شود؛ بلکه وقتی نگاه خُرد به این مساله می‌کنیم امنیت مالی همه به چالش کشیده می‌شود. یعنی اگر شما خودتان ارتباط با فقیر را پایه‌ریزی نکنید، دزدی در همه سطوح و در سطح خانوادگی هم پایه‌ریزی می‌شود. و این هزینه است، هزینه کرد اقتصادی است. در سطح کلان هم اگر تبدیل به یک شورش اجتماعی کلان بشود، نظام اقتصادی و اجتماعی شما دچار چالش خواهد شد. این سطح سودی است که طرف دهنده می‌برد. یعنی سرمایه‌اش امنیت پیدا می‌کند، احترامش باقی می‌ماند، نفوذ کلمه پیدا می‌کند.

۲/۲/۱/۱/۳. ایجاد سود اقتصادی مبتنی بر مناسک رزق؛ سود دیگر قرض الحسنه برای قرض‌دهنده

بخش دیگر از سود که برای او متصور است این است که ما معتقدیم که دستگاه ربوبی مبتنی بر یک مناسکی رزق‌ها را کم و زیاد می‌کند. هرگاه شما صفت الهی پیدا می‌کنید و ایثار می‌کنید؛ باز شما از پایگاه افزایش رزق، برکت و سود اقتصادی را دریافت خواهید کرد. البته ممکن است این حرف برای پوزیتیویست‌ها و سکولارها سخت باشد؛ ولی به هر حال این یک حرف تجربه‌شده است و کسی که صدقه می‌دهد سود می‌کند و پولش کم نمی‌شود. ما مکرر در روایاتمان داریم که حضرت فرمود: «صدقه بدهید، قرض بدهید و از فقر ترسید، بلکه امید جبران و گشایش داشته باشید.»^{۱۷} این بحث یک روایت و دو روایت و یک آیه و دو آیه ندارد؛ بلکه مجموعه‌ای از آیات و روایات ما را به این مطلب دلالت می‌دهند.^{۱۸} بنابراین هر دو طرف دارند سود می‌برند و مساله‌شان

کیست آنکه به خدا وام قرض) نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تگ می‌گیرد و وسعت می‌دهد و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می‌شوید (ترجمه انصاریان)

جهت مشاهده توصیه فراوان آیات و روایات نسبت به "قرض الحسنه" ر، ک؛ پیوست شماره ۴.

۱۶. ارجاع پژوهشی: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُجِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَتَمًّا» (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۶)

خدا ربا را نابود می‌کند، و صدقات را فرونی می‌دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد. (ترجمه انصاریان)

جهت مشاهده نهی فراوان آیات و روایات از "ریا" (سود گرفتن در قرض) ر، ک؛ پیوست شماره ۵.

۱۷. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْجَهْمُ بْنُ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صدقه بدهید؛ چرا که صدقه بر مال می‌افزاید؛ و خدایان رحمت کند، صدقه بدهید.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۴، ص ۹

۱۸. ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده آیات و روایت در مورد تاثیر فراوان صدقه و انفاق در ازدیاد سود مادی ر، ک؛ پیوست شماره ۶.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

حل و فصل می‌شود. پس اصل بحث بر سر این است که وقتی شما دارید ارتباط بهینه انسانها را بحث می‌کنید، یک سود دیگری دارد متولد می‌شود. که یک مثال آن مساله قرض الحسنه است.

۲/۲/۱/۲. "زکات"؛ نمره‌ای دیگر از سود ارتباطی

یک مثال دیگر مساله زکات است. مفهومی به اسم «زکات» متولد خواهد شد. مفهوم زکات دوباره یک تنظیم مالی بین افراد است. چطور؟ افرادی که دارا و غنی هستند در موارد مختلف - در فرض زکات واجب و زکات مستحب - شروع می‌کنند خودشان با طیب خاطر یک پولی را در اختیار فقراء قرار می‌دهند و باز همان فرض‌هایی را که در مساله قرض الحسنه گفتم در زکات هم به وجود می‌آید: طرف گیرنده زکات، مشکلات مالی‌اش حل می‌شود^{۱۹} و به نحو مردمی تامین اعتبار می‌شود. طرف دهنده زکات هم از پایگاه تامین امنیت و هم از پایگاه افزایش رزق سودش افزایش و ارتقاء پیدا می‌کند.^{۲۰}

۲/۲/۱/۳. "قراردادن مال را در اختیار"؛ نمره‌ای دیگر از سود ارتباطی

۲/۲/۱/۳/۱. به‌کاربردن مال در تنظیم حوزه‌های روابط انسانی (مثل نشر علم و رسیدگی به فقراء) توسط امام؛ نمره قراردادن مال در اختیار امام حالا من در اینجا مثال مفهوم قرض الحسنه و مفهوم زکات را بیان کردم؛ ولی این مساله در همه حوزه‌های سبزه‌گانه متصور است. یعنی مثلاً شما پولی را در اختیار امام قرار می‌دهید؛ در روایت دارد که «کسی که یک درهم از مال خودش در اختیار امام معصوم قرار بدهد، به اندازه دوهزار درهم که در جاهای دیگر مصرف می‌کند برای او عائدی خواهد داشت.»^{۲۱} چه اتفاقی در این مورد

۱۹. ارجاع پژوهشی: علي بن إبراهيم عن أبيه عن إسماعيل بن مزار عن مبارك العقرقوفي قال قال أبو الحسن ع: إن الله عز وجل وضع الزكاة قوتاً للفقراء و توفيراً لأموالكم.

امام کاظم علیه السلام: همانا خداوند زکات را برای تامین قوت تهیدستان و افزایش داراییهای توانگران وضع نموده است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۳، ص ۴۹۸

أبي رحمه الله قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثنا محمد بن الحسن بن أبي الخطاب عن محمد بن إسماعيل بن زريع عن يونس بن عبد الرحمن عن مبارك العقرقوفي قال سمعت أبا الحسن ع يقول: إنما وضعت الزكاة قوتاً للفقراء و توفيراً لأموال الأغنياء.

امام کاظم علیه السلام: زکات فقط برای تامین قوت تهیدستان و افزایش داراییهای توانگران وضع شده است.

مصادر اصلی: علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۰

و في رواية أبي الحسين محمد بن جعفر الأسدي رضي الله عنه عن محمد بن إسماعيل الترمذي عن عبد الله بن أحمد عن الفضل بن إسماعيل عن معتب مولى الصادق ع قال قال الصادق ع إنما وضعت الزكاة اختياراً للأغنياء و موعنة للفقراء و لو أن الناس أدوا زكاة أموالهم ما بقي مسلم فقيراً محتاجاً و لاشغتنى بما فرض الله عز وجل له...

امام صادق علیه السلام: زکات به منظور آرمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی‌ماند و به سبب آنچه خداوند عزوجل برای او واجب کرده است بی‌نیاز می‌شد....

مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷ / عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۳۷۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۰

۲۰. ارجاع پژوهشی: «و ما آتيتكم من ربا ليزبوا في أموال الناس فلا يزبوا عند الله و ما آتيتكم من زكاة تزيدون و نجة الله فأوليك هم المضعفون». (سوره مبارکه روم، آیه ۳۹)

اموال و اجناسی را که [به صورت وام] به ربا می‌دهید تا در میان اموال مردم فروزی یابد، نزد خدا فروزی نخواهد یافت و آنچه از زکات می‌دهید که [به سبب پرداختنش] خشنودی خدا را می‌خواهد [مایه فروزی است] پس این زکات دهندگانند که مال و ثوابشان دو چندان می‌شود. (ترجمه انصاریان)

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن أبيه عن صفوان بن يحيى عن إسحاق بن عمار عن سمع أبا عبد الله ع يقول ما ضاع مال في بئر ولا يجر إلا بتضييع الزكاة فحفظوا أموالكم و الزكاة. امام صادق علیه السلام: هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت، مگر به سبب فروگذاردن زکات. پس، اموال خود را با زکات حفظ (بیمه) کنید.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۴ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۴۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۳

عن علي (ع): فرض الله ... الزكاة تسبيبا للرزق.

امام علی علیه السلام: خداوند ... زکات را واجب کرد، تا سبب روزی باشد.

می‌افتد؟ وقتی شما پول خود را در اختیار امام (علیه‌السلام) قرار می‌دهید، امام از پول شما در تنظیم روابط انسانی استفاده می‌کند؛ مثلاً برای نشر علم، برای رسیدگی به فقراء. و در اینصورت باز تنظیم روابط انسانی اتفاق می‌افتد. یکی از مصادیق مهم «درهم فی الامام» این است که احادیث و آیات نشر پیدا کند. البته مصادیق دیگری هم وجود دارد؛ مثلاً در روایات مربوط به قرض الحسنه برای یک درهم ۱۸ برابر اجر تعریف شده است،^{۲۱} ولی وقتی شما یک درهم را در اختیار امام (علیه‌السلام) قرار می‌دهید تا دوهزار برابر اجر و فائده برای آن تعریف شده است.^{۲۲}

بنابراین ما یک حرف اولیه‌ای داریم و آن این است که ما جامعه اسلامی را در بخش اقتصاد و در بخش غیراقتصاد دعوت می‌کنیم که به مفهوم «سود ارتباطی» توجه کنند. مفهوم سود ارتباطی آنقدر در اسلام مهم است که دستور داده شده است که اموالتان را خرج تنظیم روابط انسانی کنید تا سود ارتباطی به دست بیاید.

۲/۲/۲. حوزه‌های سیزده‌گانه روابط انسانی؛ محل هزینه‌کرد پول و مال در اسلام

در همه جا وقتی بحث سود و مال در اسلام مطرح می‌شود؛ محل هزینه‌کرد پول و مال، تنظیم روابط انسانی است؛ یا مال را باید در اختیار "خانواده" قرار داد^{۲۳} و خانواده هم بخش مهمی از تنظیم روابط انسانی است، یا باید پول را در قالب هدیه به "رفقاء" داد^{۲۴}؛

۲۱. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَنصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ عَلَيَّ بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِمِائَتَةٍ عَشْرٍ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بِخَمْسَةِ عَشْرٍ.

امام صادق (علیه‌السلام): بر بالای درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و در روایت دیگر: یازده برابر.

مصادر روایت: الکافی، ج ۴، ص ۳۳ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸
الصَّدُوقُ فِي الْهَدَايَةِ: قَالَ الصَّادِقُ ع: مَكْتُوبٌ عَلَيَّ بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِمِائَتَةٍ عَشْرٍ وَ إِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَفْرِضَ لَا يَسْتَفْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ قَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا

امام صادق (علیه‌السلام): بر درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و همانا قرض برتر از صدقه است؛ چرا که کسی که قرض می‌گیرد فقط بخاطر نیاز این کار را انجام می‌دهد، ولی کسی که صدقه می‌گیرد گاهی اوقات از روی نیاز نیست.

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴

۲۲. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَرَاهِمٌ يُوَصَّلُ بِهَا الْإِمَامُ أَفْضَلَ مِنَ الْكَلْبِ أَلْفِ دَرَاهِمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ وُجُوهِ الْبُرِّ.

امام صادق (علیه‌السلام): یک درهم که به وسیله آن با امام وصل شوی (در راه امام خرج کنی)، برتر است از دوهزار هزار درهمی در غیر آن از کارهای خیر.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۵۳۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۳
۲۳. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع: مَنْ طَلَبَ هَذَا الرَّزْقَ مِنْ جِلِّهِ لِيَعُوذَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَأَلْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ غُلِبَ عَلَيْهِ فَلْيَسْتَدِينْ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ مَا يَثُوثُ بِهِ عِيَالَهُ ...

امام کاظم (علیه‌السلام): هر کس این روزی را از حلالش بجوید تا آن را برای خود و خانواده‌اش فراهم آورد، مانند مجاهد در راه خداوند عز و جل است. پس اگر درماند، آنگاه به امید خدا و پیامبر او، به اندازه قوت خانواده‌اش باید قرض کند...

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۹۳ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۸۴ / قرب الإسناد، ص ۳۴۰

۲۴. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَأَنْ أُهْدِيَ لِأَخِي الْمُسْلِمِ هَدِيَّةً تَنْفَعُهُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَصَدَّقَ بِمِثْلِهَا.

امام صادق (علیه‌السلام) از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): اگر به برادر مسلمان خود هدیه‌ای دهی که به کارش آید، خوشتر است نزد من از اینکه همانند آن هدیه صدقه دهی.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۴۴ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۸۰

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: الْهَدِيَّةُ تَوْرَثُ الْمَوَدَّةَ وَ تُجَدِّدُ الْأُخُوَّةَ وَ تُذْهِبُ الضَّغِينَةَ وَ تَهَادُوا تَحَابُّوا ...

پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله): هدیه دادن محبت می‌آورد و برادری را نگه می‌دارد و کینه و دشمنی را می‌برد. برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستاندار هم شوید.

مصدر اصلی: عوالي اللئالی العزیزیه، ج ۱، ص ۲۹۴

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

که یک بخش مهمی از تنظیم روابط انسانی است. یا باید از پول مال برای رسیدگی به امور "فقراء" ۲۵ و "ایتام" ۲۶ استفاده کرد؛ که باز مصداق تنظیم روابط انسانی است. باید دقت کرد که پول و مال کمک به تقویت "دشمن" نکند؛ ۲۷ چون اگر شما خودتان به تقویت دشمن کمک کردید، دشمن روابط انسانی شما را به چالش می کشد. الان مثلاً وقتی شما دارید از لباس خارجی استفاده می کنید (ابتدا از خود ما طلبه ها شروع کنیم) وقتی لباس ما و عمامه ما از جنس لباس خارجی است، این باعث کمک به تولیدکننده آن خواهد شد. من شنیدم این پارچه های عمامه ای که معمولاً طلبه ها از آن استفاده می کنند از یک جنسی است به نام "وال هندی" که بوداییان هند آن را تولید می کنند؛ دقیقاً همان بوداییانی که در همین ایام گذشته شروع کردند به نسل کشی مسلمانان در میانمار و در جاهای دیگر! یعنی عوائد مالی خرید از کفار اینطور خواهد شد. همه تجارت هایی که منجر می شود به تقویت کفار نتیجه اش می شود اختلال در روابط انسانی. بنابراین باید مواظبت کنید که پول و مال کمک نکند به کسی که به دنبال ایجاد اختلال در روابط انسانی ای که در سطح قتل و نزاع است. و همانطور که عرض کردم مهم ترین مصرف مال و پول در اسلام، امداد امام (علیه السلام) است که بر همه موارد قرض به یتیم و فقیر و حوزه خانواده و ... مقدم است. ما در سابق یک کار اجمالی انجام دادیم و آمدمیم با

۲۵. **ارجاع پژوهشی:** أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَاعُ: إِذَا أَكَلَ أُبَيٌّ بِصُحْفَةٍ فَوَضَعَ يَدَيْهِ مَائِدَتَهُ فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتَى بِهِ فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِينًا فَيَضَعُ فِي تَلْكَ الصُّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ- «فَلَا أَتَحَمُّ الْعُقَبَةَ» ثُمَّ يَقُولُ عَلِيمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ لَيْسَ كُلُّ إِنْسَانٍ يَقْبُرُ عَلَى عَنَقِهِ رَقَبَةً فَجَعَلَ لَهُمُ السَّبِيلَ إِلَى الْجَنَّةِ.

امام ابوالحسن الرضا (علیه السلام) هرگاه غذا می خورد، قدحی برایش می آوردند و کنار سفره اش می گذاشتند و حضرت از بهترین غذاهایی که برایش می آوردند مقداری برمی داشت و در آن قدح می گذاشت و سپس دستور می داد آن را به مستمندان بدهند و آنگاه این آیه را تلاوت می کرد: «نخواست به گردنه پا نهد». سپس فرمود: خداوند عزوجل می دانست که هر انسانی توانایی آزاد کردن بنده (فک رقبه) را ندارد، از این رو راه [های دیگری مانند اطعام هم برای] رسیدن به بهشت برای آنان قرار داد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۲ / الکافی، ج ۴، ص ۵۲
منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۴۷۱

۲۶. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو وَ أَنَسِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ كَفَى يَتِيمًا فِي نَفَقَتِهِ بِمَالِهِ حَتَّى يَسْتَغْنِيَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَيْتَةُ يَا عَلِيُّ مَنْ مَسَحَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ يَتِيمٍ تَرَحُّمًا لَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ای علی! هر کس یتیمی را از دارایی خود برخوردار کند تا بی نیاز سازد، بهشت بر او واجب می شود...

مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۲ / السرائر (ابن ادریس)، ج ۳، ص ۶۲ / مکارم الأخلاق، ص ۴۴۴
منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۳۸

۲۷. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصير قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ أَعْمَالِهِمْ - فَقَالَ لِي: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا وَلَا مَدَّةَ قَلَمٍ: إِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئًا إِلَّا أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ أَوْ حَتَّى يُصِيبُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ.» أَلَوْهَمُ مِنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ.»

ابو بصیر می گوید: «از امام باقر علیه السلام درباره کارهای آنان [همکاری با کفار و ظالمین] سؤال کردم. امام علیه السلام به من فرمود: ای ابومحمد! نه و حتی به اندازه آغشته کردن قلمی به مرکب [با آنان همکاری نکن] هیچ کس به چیزی از دنیای آنان نمی رسد مگر آن که (یا تا آن که) آنان به همان اندازه از دینش را بریابند.» تردید در حدیث از جانب ابن عمیر، یکی از راویان آن است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۰۷ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۳۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷۹ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۵۴۶

حدثني مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ أَعْوَانُ الظُّلْمَةِ وَمَنْ لَأَيُّ لَهُمْ دَوَاءٌ أَوْ رَبَطَ كَيْسًا أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّةَ قَلَمٍ فَأَخْشَرُوهُمْ مَعَهُمْ.»

«امام صادق (علیه السلام) از پدرش نقل کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: چون روز قیامت شود منادی ندا کند: کجا بندگان یاری دهندگان به ستمکاران؟! و کسانی که برای آنان دواتی لایقه کردند، یا در کیسه ای برایشان بستند، یا قلمی برای آنان اصلاح نمودند؟! [آن گاه خطاب می رسد:] آنان را نیز با ستمکاران محشور کنید.»

مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص ۲۶۰ / جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۵۵ / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۴۰۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۸۰ / بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۷۲

استفاده از "قاعده بیان مبتنی بر کم"،^{۲۸} اعداد اجر مصرف مال و پول را با هم مقایسه کردیم که یک طبقه‌بندی‌ای از آن ایجاد شد. که اگر شما این طبقه‌بندی را کامل کنید و در اختیار مردم و طلبه‌ها قرار بدهید، مردم محاسبه می‌کنند که اگر پول خود را در کجا خرج کنند، کجا سود ارتباطی بیشتری به دست می‌آورند. که این جزو این بخش است.

۲/۲/۳. تنظیم روابط انسانی؛ غرض از تولید ثروت در اسلام

۲/۲/۳/۱. لزوم توجه به عدم اختلال در روابط انسانی در راستای تولید ثروت؛ لازمه تنظیم روابط انسانی

بنابراین حرف اول این است که: بله؛ مساله ارزش افزوده مهم است، ولی مهم‌تر از ارزش افزوده و تولید ثروت این است که غرض از تولید ثروت تنظیم روابط انسانی است. بنابراین نباید در فرآیند تولید ثروت، اختلال در روابط انسانی به وجود بیاید. چون نفی غرض اتفاق می‌افتد. کسانی که می‌آیند با مدل تولید صنعتی تولید ثروت ایجاد می‌کنند مثل الان که مثلا بنگاه‌هایی که در تهران است ولی کارمندان و کارگران آنها از کرج می‌آیند؛ اینها کارگزارانشان را مجبور می‌کنند که ۸ ساعت برای آنها کار کنند، ۲ ساعت برای آمدن و ۲ ساعت برای رفتن وقت می‌گذارند؛ یعنی به اسم تولید ثروت ۱۲ ساعت از وقت یک نفر را اشغال می‌کنند. وقتی این ۱۲ ساعت از وقت اشغال شد؛ نتیجه نهایی بحث چه می‌شود؟ اختلال در روابط انسانی می‌شود. شما چون به دنبال تنظیم روابط انسانی به وسیله مال هستید (و اساسا مال ابزار تنظیم روابط انسانی است) نباید در فرآیند تولید مال و ثروت اختلال ایجاد کنید. پس این یک بحث اولیه است. من این بحث را در مقابل "کینز" مطرح کردم؛ ما معتقدیم که "کینز" در مساله سود حداقلی بحث کرده است و او و تابعینش معتقد هستند که سود یعنی ارزش افزوده، سود یعنی بهره‌وری، سود یعنی سود صنعتی، و یا حداکثر سود یعنی سود اجتماعی (به معنای برنامه‌ریزی برای جلوگیری از شورش اجتماعی و اختلال کلان در جامعه). ما در اسلام معتقدیم که باید به دنبال سود ارتباطی باشیم. ببینید؛ هنوز وارد بحث پول نشده‌ایم و ابتدا داریم مبنای نظری خودمان را تصویر می‌کنیم. بله؛ تاکید می‌کنم کسی که "منکیو" می‌خواند نمی‌تواند تحلیل جدیدی از سود پیدا کند. کسی که "دکارت" (Descartes) می‌خواند یا کتاب دکارت را ترجمه می‌کند؛ وقتی می‌خواهد به توسعه کشور فکر کند نمی‌تواند تنظیم روابط انسانی و سود ناشی از آن را مبنای برنامه‌ریزی قرار دهد. این مشکلی است که ما داریم.

۲/۲/۴. رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شریک شغلی،

رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با فقیر، رابطه انسان با یتیم، رابطه انسان با ابن‌سبیل و رابطه انسان با مهمان؛

حوزه‌های سیزده‌گانه روابط انسانی در راستای کسب سود ارتباطی

خب؛ (من در اینجا فقط اشاره می‌کنم که) سود ارتباطی هم سیزده محل دریافت اصلی دارد. یعنی سیزده حوزه اصلی دارد، همان سیزده حوزه روابط انسانی که همیشه بحث می‌کنیم: رابطه انسان با امام، رابطه انسان با معلم، رابطه انسان با خانواده، رابطه انسان با طرف کسب، رابطه انسان با شریک شغلی، (مثلا اگر شما مینا را سود ارتباطی قرار بدهید، در طرف کسب قائل به اقاله می‌شوید. اما اگر شما سود ارتباطی را قبول نکنید و مینا را ارزش افزوده قرار بدهید، بالای مغازه‌تان می‌نویسید: "جنس فروخته

۲۸. ارجاع پژوهشی: "قاعده بیان مبتنی بر کم" یکی از قواعد نه‌گانه فقه‌البیان است. فقه‌البیان یکی از ابواب نه‌گانه فقه هدایت است که خود دارای ۹ باب بحثی است که در مجموع، قواعد تخاطب منجر به هدایت را تبیین می‌کند. برخی از قواعد دیگر فقه‌البیان عبارتند از: بیان مبتنی بر ظرفیت (قدر)، بیان مبتنی بر تأمل، بیان مبتنی بر مُکث، بیان مبتنی بر نظام مقایسه، بیان مبتنی بر رفق، بیان مبتنی بر منزلت و بیان مبتنی بر انفتاح.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

شده پس گرفته نمی شود حتی شما. و همینطور محکم می ایستید. بنابراین مفهوم "اقاله" از دست می رود. وقتی شما سود ارتباطی را اصل قرار می دهید، مفهوم "خیار" فهم می شود. و گرنه به لحاظ ادبیات اقتصادی موجود نمی توانید از مفهوم خیار دفاع کنید. همه مفاهیم فقهی شما وابسته به درک این اصل بنیادین است. رابطه انسان با دشمن، رابطه انسان با دوست، رابطه انسان با فقیر، با یتیم، با ابن سبیل^{۳۱}، با مهمان. همه این حوزه‌ها حوزه‌های کسب سود ارتباطی است. من تاکید می‌کنم که روایات ما به صورت تفصیلی در همه این سیزده حوزه تعیین تکلیف کرده‌اند که مال برای این سیزده حوزه مصرف شود. که یک بخش عمده‌اش مربوط به خانواده و معیشت خانواده است. و نتیجه‌اش این می‌شود که سود به دست می‌آید؛ روایت دارد که: «الكَادَّ لِعِيَالِهِ»

۲۹. ارجاع پرورشی: اقاله: بر هم زدن عقد، فسخ معامله.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام ج ۱، ص ۵۹۸

ارجاع پژوهشی: روایاتی در مورد "اقاله":

یکی از مستحبات و آداب تجارت آن است که: اگر مشتری به هر دلیلی از معامله‌ای که انجام داد پشیمان شد، مستحب است که فروشنده از او قبول کند و معامله را فسخ کند: أَخْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يَزِيدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْرَةَ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: أَيُّمَا عَبْدٍ أَلَّعَ قَالَ: أَيُّمَا عَبْدٍ أَلَّعَ أَقَالَ مُشْلِمًا فِي بَيْعِ أَقَالَهَ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. امام صادق (علیه السلام): هر بنده ای که پشیمانی مسلمانان از معامله اش را بپذیرد، خداوند نیز لغزش او را در روز قیامت بپذیرد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۵۳ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۸

المؤمن (حسین بن سعید اهوازی)، ص ۵۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۶ / مصادقة الإخوان (شیخ صدوق)، ص ۷۲ (با اضافه "تدائم" في البَيْعِ ...)

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۸۶

حَدَّثَنَا حَمْرَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ بِنِ أَحْمَدَ الْعُلُوِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَرَبَعَةٌ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ أَقَالَ نَادِمًا أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانًا أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَةً أَوْ رَوَّجَ عَزَبًا.

امام صادق (ع) فرمود: چهار کس را خداوند روز رستاخیز مورد نظر قرار دهد: آنکه معامله پشیمان از معامله را پس بگیرد یا بفریاد ستم‌دیده‌ای برسد یا بنده‌ای را آزاد کند یا جوان بی‌زنی را زن بدهد.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۲۴ / مشکاة الأنوار (طبرسی)، ص ۱۴۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۸۷

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ بَعْضِ أَهْلِ بَيْتِهِ قَالَ: إِذَا رَسُوهُ اللَّهُ ص لَمْ يَأْتَنَّ لِحَكِيمٍ بِنِ حِرْزَامٍ بِالتَّجَارَةِ حَتَّىٰ صَمِنَ لَهُ إِقَالَهَ النَّادِمِ وَ إِنْتَظَرَ الْمُعْسِرِ وَ أَخَذَ الْحَقَّ وَاقِيًا وَ غَيْرَ وَاقٍ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به حکیم بن حازم اجازه تجارت نداد، تا اینکه برای حضرت چهار چیز را ضمانت کند: ۱- پذیرش فسخ معامله از کسی که پشیمان شود، ۲- کسی که تنگدست است (در پرداخت بدهی) به او مهلت بدهد، ۳- حق خود را کامل و غیر کامل بگیرد. (بر مردم سخت نگردد)

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۵۱ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۵

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۸۶

۳۰. ارجاع پرورشی: خیار: تسلط بر فسخ و امضای عقد... به جهت ثبوت حق فسخ برای وی بر اثر تحقق یکی از اسباب آن. اقسام خیار: شمار خیارها در کلمات فقها با اختلاف ذکر شده است. برخی تا چهارده قسم برشمرده‌اند: خیار مجلس، خیار حیوان، خیار شرط، خیار تأخیر، خیار مایفسد من یومه، خیار رؤیت، خیار غبن، خیار عیب، خیار تدلیس، خیار اشتراط، خیار شرکت، خیار تعدد تسلیم، خیار تبعض صفقه، و خیار تفلیس. بسیاری از فقها به هفت، برخی به پنج و برخی دیگر به هشت قسم آن پسند کرده‌اند.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۵۳۸

ابواب، مسائل و روایات در مورد "خیار" بسیار است؛ در اینجا به ذکر دو روایت در مورد "خیار مجلس" اکتفاء می‌شود:

ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ ابْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ حَتَّىٰ يَنْتَقِرَا ... رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خریدار و فروشنده هر دو خیار دارند تا وقتی که از هم جدا شوند...

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۷۰ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۴

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ اشْتَرَى مِنْ رَجُلٍ شَيْئًا فَهَمَّا بِالْخِيَارِ حَتَّىٰ يَنْتَقِرَا فَإِذَا اقْتَرَقَا وَحَبَّ الْبَيْعُ ... امام صادق (علیه السلام): هر مردی از مرد دیگری چیزی را بخرد؛ هر دوی آنها خیار دارند تا اینکه از هم جدا شوند؛ پس هرگاه جدا شدند، بیع لازم می‌شود (خیار مجلس از بین می‌رود)...

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۷۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۰۱ / الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج ۳، ص ۷۲ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۰

۳۱. ارجاع پرورشی: ابن السبیل: مسافر در راه مانده. به مسافر در راه مانده و نیازمند، ابن السبیل گفته می‌شود؛ هر چند در شهر خود دارای مال و سرمایه باشد. ابن السبیل به این معنا در قرآن و روایات نیز به کار رفته و در باب‌های زکات و خمس از آن بحث شده است.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۲۱

پول اعتباری و طرح جایگزین

کالمجاهد فی سبیل الله»^{۳۲}. بله؛ مال تولید ثروت می‌کند، منتها «لعیاله» (این خیلی مهم است)، نه برای اینکه کنز (گنج) تهیه کند، بلکه برای اینکه خانواده‌ی خودش را مهیا کند. [در اینصورت است که می‌شود] «کالمجاهد فی سبیل الله». در سایر حوزه‌ها هم روایت مجزا دارد. بنابراین مال [در نگاه اسلام]، هدف نیست برخلاف آنچه که اقتصاددانان گفته‌اند. لذا شما می‌بینید که می‌گویند: دستیابی به رشد مثلاً ۸ درصدی. نامزدهای انتخابات موجود هم همین را می‌گفتند که ما باید به رشد ۸ درصدی دست پیدا کنیم. این رشد ۸ درصدی فقط برای بخش اقتصاد نیست؛ بلکه اصلاً هدف اصلی توسعه، تولید ثروت است. ولی ما می‌گوییم هدف اصلی جامعه اسلامی تنظیم روابط انسانی است. بله؛ تاکید می‌کنم که یکی از پایه‌ها و مواردی که کمک می‌کند به تنظیم روابط انسانی، مال است (که حالا پول بخشی از مال محسوب می‌شود). ولی تفکر صحیح هم هست، عاطفه هم هست، موارد دیگری هم هست، مدارا هم خیلی کمک می‌کند در تنظیم روابط انسانی. و اینها انعکاس در هم پیدا می‌کنند و تنظیم روابط انسانی اتفاق می‌افتد.

من فکر می‌کنم برای جلسه امروز این بحث مبانی نظری کفایت می‌کند. البته اجازه بدهید در یک وقت دیگری باز هم راجع به آن بحث کنیم. بیش از نزدیک ۱۰۰ سال و شاید هم بیشتر است که این بحث‌ها دارد در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود. به دانشجوی من و شما، به فرزند من و شما، به دختر من و شما در دانشگاه آموزش می‌دهند که: سود یعنی ارزش افزوده. و محدود به این مفهوم با آنها بحث می‌کنند. خب؛ معلوم است که وقتی تفکرش مبتنی بر این شکل می‌گیرد، دیگر نمی‌تواند در فرایند جامعه‌سازی و مدل‌پردازی [تمدنی] به شما کمک کند. شما باید حتماً همت کنید و درک از سود را [در تفکر آنها] ارتقاء بدهید.

۲/۲/۴/۱. ساختار مالی حمایت از امام؛ یکی از مصادیق تنظیم رابطه انسان با امام

۲/۲/۴/۱/۱. انفال، خمس، خراج و طسوق؛ بخشی از مصادیق ساختار مالی حمایت از امام

که حالا خیلی دوست می‌داشتیم راجع به ساختار مالی حمایت از امام بحث کنیم که یک وقت تفصیلی برای خودش می‌خواهد. که ما "انفال" را در اینجا معنا می‌کنیم. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ»^{۳۳} انفال یک مجموعه مالی عظیم است که باید در اختیار امام (علیه السلام) قرار بگیرد.^{۳۴} برای چه باید این کار انجام بگیرد؟ برای اینکه امام (علیه السلام) تنها کسی است که

۳۲. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَأَدُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. امام صادق (علیه السلام): آن که خانواده خویش را روزی می‌دهد، مانند مجاهد در راه خدا است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۸۸

۳۳. ارجاع پژوهشی: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا دَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (سوره مبارکه انفال، آیه ۱) از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد] می‌پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیت حقیقی] انفال ویژه خدا و پیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را [درباره آن] اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. (ترجمه انصاریان)

۳۴. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَصَّالَةَ بِنِ أَبِي يُوَيْبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ هِيَ الْقُرَى الَّتِي قَدْ حَرَبَتْ وَانجَلَى أَهْلُهَا فَهِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ مَا كَانَ لِلْمُلُوكِ فَهِيَ لِلْإِمَامِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْأَرْضِ الْحَرَبِيَّةِ لَمْ يُوجِفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ الْمَعَادِنُ مِنْهَا وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلَى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ.

اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد "انفال" سوال کردم. حضرت فرمود: انفال روستاهایی که خراب شده اند و اهل آن آن را رها کرده اند؛ همه برای خدا و رسول است. و همچنین اموال پادشاهان است، برای امام است. و زمین ویرانی که با اسب دوآندن و لشگرکشی فتح نشده است، و هر زمینی که صاحب ندارد، و معادن زمین، و هرکسی که مرده باشد و سرپرستی نداشته باشد مالش جزو انفال است.

مصدر اصلی: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۵۴

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

می‌تواند تنظیم روابط انسانی را انجام بدهد. حتی فقیه که در درجه بعد از امام است؛ با فاصله بسیار از امام تنظیم روابط انسانی را درک می‌کند. خود شخص امام (علیه السلام) باید باشد تا تنظیم صحیح روابط انسانی را انجام بدهد. لذا مساله انفال را باید بحث کنیم. مساله "خمس" ۳۵ بعد از مساله انفال مطرح است، مساله "زکات" هم همینطور. می‌دانید که حضرت عمّال زکات داشتند. ما همه اینها را فراموش کرده‌ایم و الان در جامعه ما نیست. خود این ساختار باید بحث شود: یعنی تنظیم روابط انسانی باید اصل قرار بگیرد، بعد از آن "ساختار مالی حمایت از امام" هم باید مفصل بحث و گفتگو شود. و چون این مباحث گفتگو نمی‌شود ما دچار مشکلات و گرفتاری‌هایی می‌شویم. ما سابق بر این زمان در زمان ائمه (علیهم السلام) و در زمانی که فقه یک مقداری پررنگ‌تر بوده، عمّال زکات داشته‌ایم. عمّال "طسوق" ۳۶ داشته‌ایم، مجموعه کارگزارانی داشته‌ایم که مساله "خراج" ۳۷ را مدیریت می‌کرده‌اند. که باز اینها اموالی است که در اختیار امام است. که ان شاء الله بعدا اگر فرصتی شد اینها را بحث خواهیم کرد.

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳۲ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۱۳

جهت مشاهده بخشی از روایات و آیات مربوط به گستره عظیم "انفال" رک پیوست شماره ۷.

۳۵. **ارجاع پرورشی: خمس** عبارت است از ثبوت حقی به مقدار یک پنجم در اموال انسان که خداوند برای خود، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام و - به جای صدقه و زکات - برای مستحقان از بنی هاشم، بر بندگان واجب کرده است. عنوان خمس در قرآن کریم به کار رفته و در فقه بایستی مستقل بدان اختصاص یافته است. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۴۹۵

ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَأْتِدُهُ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زَكْرِيَّا بْنِ مَالِكِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْفُزِيَ وَالْأَيْتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ». فَقَالَ: أَمَّا خُمْسُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلِلرَّسُولِ يَضَعُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ أَمَّا خُمْسُ الرَّسُولِ فَلِأَقْرَبِيهِ وَ خُمْسُ ذَوِي الْفُزَى فَهُمْ أَقْرَبَاؤُهُ وَ الْإَيْتَامَى بَنَاتِي أَهْلِ بَيْتِي فَجَعَلَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ أَشْهُمَ فِيهِمْ وَ أَمَّا الْمَسَاكِينُ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَقَدْ عَرَفْتُ أَنَا لَا تَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَ لَا تَجَلُّ لَنَا فِئَةُ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنَاءِ السَّبِيلِ.

زکریا بن مالک گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم معنای این آیه را (سوره انفال آیه ۳۶) «بدانید که چون غنیمت بدست شما برسد پنج یک آن از آن خدا است و از آن رسول و از آن خویشان پیغمبر و یتیمان و تهی دستان و آواره‌گان». فرمود: اما سهم خداوند از خمس در اختیار پیغمبر است که هر جا خواهد مصرف میکند و اما سهم رسول از خمس از آن خویشان او است و سهم ذوی القربی که خویشان پیغمبرند با سهم یتیمان که مقصود یتیمان از خاندان پیغمبرند این چهار سهم مخصوص خاندان پیغمبر است و اما سهم تهی دستان و آواره‌گان میدانی که ما صدقه (زکاة) نمیخوریم و بر ما حلال نیست (و در عین حال رعایت حال مساکین و تهی دستان نیز لازم است) لذا دو سهم از خمس مخصوص تهی دستان و آواره‌گان از سادات است. (ترجمه فهری)

مصادر اصلی: تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۲۵ / الخصال، ج ۱، ص ۳۲۴

سند حصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ

زَكْرِيَّا بْنِ مَالِكِ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع

مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۲، ص ۴۲ (و فيه: سَأَلَ زَكْرِيَّا بْنُ مَالِكِ الْجُعْفِيِّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع)

تفسير العياشي، ج ۲، ص ۶۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۰۲

۳۶. **ارجاع پرورشی:** الطَّسُقُ وَ الطُّسُقُ. الطَّسُقُ كَفَلَس: الوظيفه من خراج الأرض المقررة عليها، فارسي معرب.

طسوق و طسوق: آنچه از مالیات مقرر شده از زمین گرفته می‌شود.

النهايه (ابن اثیر)، ج ۳، ص ۱۲۴ / مجمع البحرین، ج ۵، ص ۲۰۷

الطَّسُقُ: ما يُوَضَّعُ مِنَ الْوِظِيْفَةِ عَلَى الْجُزْيَانِ (المزارع) مِنَ الْخَرَاكِ الْمَقْرَّرِ عَلَى الْأَرْضِ، فارسي معرب... و في التهذيب: الطَّسُقُ شِبْهُ الْخَرَاكِ لَهُ مَقْدَارٌ مَعْلُومٌ، وَ لَيْسَ بَعْرَبِيٍّ خَالِصٌ. وَ الطَّسُقُ: مِكْيَالٌ مَعْرُوفٌ.

طسوق: آنچه بر مزارع از مالیات مقرر بر زمین وضع می‌شود... شبیه خراج (مالیات) است که مقدار مشخصی دارد... یک مکیال مشخصی است.

لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۲۵

۳۷. **ارجاع پرورشی:** يطلق الخراج في الفقه على غلة كل أرض محيية أخذها المسلمون من الكفار عنوة فصارت لجميع المسلمين إلى آخر الدنيا، و على غلة كل أرض انجلى عنها أهلها و تركوها رغبة عنها أو خوفا من المسلمين، فما أخذها الوالي من غلة هذه الأراضي فهو خرج و خراج، و قد يطلق على الجزية و هي ما يضربه السلطان على رؤوس أهل الذمة أو على أراضيهم.

۲/۲/۵. لزوم ارتقاء مفهوم سود در اذهان نخبگان از سود اقتصادی به سود ارتباطی؛ لازمه ایجاد تحول و جهش در آینده اقتصادی کشور پس این سرفصل اول. من دارم با برادران انقلابی خودم صحبت می‌کنم من حالا خیلی کار ندارم با برادرانی که خیلی اعتقادی به تفکر انقلاب ندارند. عرض بنده در سرفصل اول این است که: دوستان محترم! نامزدهای عزیز ریاست جمهوری! تئوری‌های اقتصادی‌ای که شما در این گفتگوهای تلویزیونی مطرح کردید مبتنی بر یک تعریف جدید از سود نبود؛ پس چرا می‌گویید می‌خواهید کشور ایران را بیش از اداره جهش بدهید؟! جهش در موقعی صورت می‌گیرد که یک مفهوم جدیدی مطرح شود. ما برخی از اقتصاددانان همراه این نامزدهای ریاست جمهوری را می‌شناسیم و می‌دانیم که اینها چه کتاب‌هایی را خوانده‌اند، چه بحث‌هایی را مطرح کرده‌اند، مقالات ایشان را می‌بینیم، گاهی وقت‌ها با همین دوستان انقلابی خودمان گفتگو و مناظره و جدال احسن کرده‌ایم. اولین اشکال بنده به این دوستانی که می‌گویند ما اقتصاد انقلابی و اقتصاد اسلامی را بحث می‌کنیم این است که این دوستان مفهوم سود را در ذهنیت خودشان ارتقاء نداده‌اند؛ چون به فقه پناه نبرده‌اند، چون موقعی که داشتند درس می‌خواندند فقه المکاسب نخواندند، بلکه کتاب منکیور را خواندند. خیلی مهم است که چارچوب ذهنی شما استوار و مبتنی بر دین باشد. این سرفصل اول است که یک بحث مختصری در رابطه با آن انجام دادیم.

۳. سرفصل دوم: تعریف پول در تامین سود ارتباطی چه نقشی دارد؟

حالا برمی‌گردیم به سرفصل دوم. سرفصل دوم این است که حالا پول چه نقشی دارد در تنظیم روابط انسانی یا در ایجاد سود ارتباطی؟ ببینید؛ دو بحث این مساله را معلوم می‌کند. خواهش می‌کنم این بحث دوم را هم دقت کنید. بخش اول این است که: اولاً باید بحث کنیم که پول در اسلام چیست؟ آیا پول، اعتبار است؟ و اگر بپذیریم که پول اعتبار است چه اتفاقی برای تنظیم روابط انسانی می‌افتد؟ آیا سود ارتباطی که ناشی از تنظیم روابط انسانی است تامین می‌شود یا نه ما دچار مشکل می‌شویم؟ این یک بحث و سرفصل اولی است که باید راجع به آن بحث کنیم.

سرفصل دوم هم این است که من یک روایتی را می‌خواهم در ذیل آیه ۱۰۳ از سوره توبه («تُخَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ...») بخوانم؛ که در ماه مبارک رمضان نازل شد و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) منادی خود را در شهر مدینه فرستادند و فرمودند که برو به مردم بگو که آیه نازل شده که باید زکات بدهید. خیلی نکات مهمی ذیل آیه ۱۰۳ است که این را بحث خواهیم کرد تا مساله یک مقدار واضح شود.

"خراج" در فقه اطلاق می‌شود بر غله هر زمین اعیان شده که مسلمانان از کفار گرفته‌اند؛ پس تا آخر دنیا برای تمام مسلمانان است. و همچنین اطلاق می‌شود بر هر زمینی که اهلس آن را رها کرده‌اند و روی گردان شده‌اند و یا اینکه از ترس مسلمانان آن را رها کرده‌اند. پس آنچه والی از غله این زمین‌ها دریافت می‌کند را "خراج" یا "خراج" می‌نامند. و گاهی هم بر "جزیه" (مالیاتی که سلطان بر اهل ذمه و زمین‌های آنان قرار می‌دهد) اطلاق می‌شود.

۳/۱. بررسی تعریف "پول" در اسلام:**۳/۱/۱. بررسی موضوع شناسانه تعریف پول در اسلام:****۳/۱/۱/۱. نقض "تسلط" مردم بر اموال خود؛ لازمه پذیرش تعریف پول اعتباری**

بحث اولی که کمک می‌کند این است که الان اگر تعریف پول را به اعتبار بپذیرید. یعنی چه؟ یعنی اینکه بگویید که خود پول ارزش نداشته باشد. مثل الان که اسکناس ارزش ندارد، خود رمزارها ارزش ندارند، تبادلات مالی‌ای که ما با این دستگاه‌های عابریانک انجام می‌دهیم و این پول الکترونیکی که وجود دارند هیچکدام ارزش ندارند و اعتبار هستند. و یک اعتبار و ارزشی [به آنها اعطاء شده است و ارزش ذاتی ندارند].

اگر شما این فرض را بپذیرید سلطه بعضی بر بعضی دیگر تامین می‌شود. شما می‌دانید **مُخَلَّ تَرِین مَفْهُوم بَه تَنْظِیم رِوَابِط اِنْسَانِی**، **مَفْهُوم سَلْطَه اِسْت**. یعنی شما آزادی اختیار را از بعضی بگیرید و به بعضی دیگر بدهید. که در اینصورت اساسا دیگر فرد بر اموال خودش مسلط نیست، بر اراده خودش مسلط نیست. و آن عبارات «التاس مُسَلِّطُون» در عمل و در عینیت منتفی می‌شود. خوب؛ یک مقداری در عرائض بنده دقت بفرمایید: وقتی شما می‌گویید که پول، اعتبار است؛ یعنی یک مجموعه‌ای می‌نشینند و این اعتبار را محاسبه می‌کنند. (من الان کاری هم ندارم که بر حسب چه معادله‌ای محاسبه می‌کنند) و مثلا می‌گویند ارزش اسکناس اینقدر است، ارزش ریال اینقدر است، ارزش دلار اینقدر است. و یک کارهایی را هم در راستای آن انجام می‌دهند و شما می‌دانید که اسم این کارها «سیاست‌های پولی و مالی» است. یک مجموعه اقداماتی را در بخش "عرضه"^{۳۸}، در بخش "تقاضا"^{۳۹} انجام می‌دهند، سعی می‌کنند "طرف عرضه" و "طرف تقاضا" را تقویت کنند و یک مجموعه کارهایی را انجام می‌دهند. مثلا می‌آیند محاسبه می‌کنند که ما امسال چه مقدار "تولید ناخالص ملی" داشته‌ایم، بعد می‌گویند به اندازه آن برویم اسکناس چاپ کنیم. خوب؛ ممکن است که در محاسبه تولید ناخالص ملی دچار اشتباه بشوند که آنوقت اثر آن در "چاپ اسکناس" ظاهر می‌شود. یا نه مثلا دولتی دچار کسری بودجه می‌شود؛ بدون اینکه تولید ناخالص ملی یا پشتوانه‌های دیگری داشته باشد، به بانک مرکزی دستور می‌دهد که اسکناس چاپ کند. وقتی اسکناس چاپ می‌شود، قوتِ طرف تقاضا بالا می‌رود؛ در حالیکه شما به دلیل فقدان تولید و یا تولید ضعیف، طرف عرضه را تضعیف کرده‌اید. بنابراین ارزش پول ملی کاهش پیدا می‌کند؛ چون همیشه ارزش [پول ملی] در صورتی تعادل پیدا می‌کند که شما آن را در مکانیزم "عرضه و تقاضا"^{۴۰} ببینید. وقتی قرار باشد که تقاضا ۳ برابر باشد و عرضه ۱

۳۸ . **ارجاع پرورشی: عرضه (Supply)**: یک مقدار کالای اقتصادی که برای فروش در بازار موجود است. عرضه به معنای محدود آن مقداری از کالاهای اقتصادی است که به قیمت معین و در زمان معین برای فروش آماده می‌شوند. اصطلاح عرضه به معنای وسیع تر یعنی آن مقدار کالای اقتصادی که به قیمت‌های ممکنه در یک زمان معین پیشنهاد خواهد شد.

فرهنگ علوم اقتصادی، ص ۱۱۹۲

۳۹ . **ارجاع پرورشی: تقاضا: (Demand)**: (۱) مقدار کالای اقتصادی که در یک زمان معین به قیمت معین خرید می‌شود. (۲) مقدار کالای اقتصادی که به تمام قیمت‌های ممکنه در یک زمان معین خرید خواهد شد.

همان، ص ۲۷۸

۴۰ . **ارجاع پرورشی: عرضه و تقاضا (Supply and Demand)**: یکی از الگوهای اساسی مورد استفاده در اقتصاد است و این بر پایه فرضهای منطقی ساخته شده که خریداران می‌خواهند کالاها و خدمات را بر هزینه اندک و قابل قبول به دست آورند و فروشندگان می‌خواهند قیمت بالاتر و قابل قبول را اعمال کنند. همچنین معلوم شده است که خریداران می‌خواهند مطلوبیت نهایی مخارج خود را بیشینه سازند. این الگو بیشتر در اقتصاد کلی یا اقتصاد کلان قابل اعمال است.

همان، ص ۱۱۹۳

پول اعتباری و طرح جایگزین

باشد؛ حتما در آن موقع شما با " کاهش قیمت پول" ^{۴۱} و مجموعه این مباحثی که در " معادله نشر اسکناس"، " قیمت ارز واسط" و بقیه بحث‌ها مطرح است، مواجه خواهید شد. من با کیفیت این مباحث کاری ندارم؛ با اصل اینکه یک مجموعه‌ای بنشینند و ارزش را تعیین کنند و به یک چیز بی‌ارزش ارزش بدهند، انتقاد دارم.

۳/۱/۱/۱/۱. احتمال ایجاد خطای در محاسبه، خطای عمد و خطای در شناخت؛ نتیجه نقض "تسلط" مردم بر اموال خود

وقتی شما این فرض را می‌پذیرید ممکن است سه اشکال به وجود بیاید: ۱. خطای در محاسبه. ۲. خطای عمدی و از روی عمد برای اینکه سود بعضی‌ها را تامین کنند (که حالا شاید هم حزبی‌های خودشان باشند، یا گروه‌های اقتصادی وابسته به خودشان) این هم فرض می‌شود. یعنی شما اختیار را داده‌اید به آن انسانها. حالا چطوری شما ضمانت می‌کنید که آنها خطای عمدی انجام ندهند؟! و سود خودشان را در نظر نگیرند؟! این فرض دوم خیلی مُحمتمل است. ۳. فرض سومی که اشکال پیدا می‌کند عدم شناخت از وضعیت (پول) است. مسئولینی که تصمیم می‌گیرند عمدتاً با گزارش تصمیم می‌گیرند. گزارش از صحنه عینی یک بخش توسط کسی که در مرکز (پایتخت) نشسته، ممکن است گزارش و شناخت دقیقی - مثلاً از خود فرایند تولید، موانع تولید و شرایط تولید - نباشد. لذا با این سه اشکال شما حتماً نمی‌توانید بپذیرید که یک مجموعه‌ای اعتبار را تعیین کنند.

۳/۱/۱/۱/۲. مخالفت با قاعده فقهی «الناس مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود

و برای دوستانی که می‌خواهند به صورت استظهاری به مساله نگاه کنند: وقتی [این مجموعه] دارند یک اعتبار را تعیین می‌کنند، از عموم «الناس مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» ^{۴۲} بحث را خارج می‌کنند [و تسلط مردم بر اموال خودشان را از بین می‌برند] و این برخلاف «الناس مسلطون علی اموالهم» است. چون مثلاً وقتی یک میلیون تومان پول در حساب یک شخص باشد؛ چقدر ارزش دارد؟ و چه مقدار کالا می‌تواند خریداری کند؟ این متوقف بر سیاست‌های پولی و مالی است. یک روز ارزش آن بیشتر است، و یک روز کمتر! بنابراین «لکم رووس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون» نقض می‌شود.

۳/۱/۱/۱/۳. مخالفت با آیه «لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ»؛ نتیجه دیگر نقض "تسلط" مردم بر اموال خود

اگر کسی آمد و پول اعتباری را پذیرفت؛ اعتبار آن را دیگران می‌نویسند، و ممکن است سه نوع مشکل ایجاد کنند، و در اثر بروز این سه مشکل، «لَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» ^{۴۳} و «الناس مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» را نقض می‌کنند و چالش ایجاد

۴۱ . ارجاع پژوهشی: کاهش ارزش پول (Currency Depreciation): تزول ارزش پول یک کشور نسبت به یک یا چند پول دیگر است، یعنی کاهش نرخ مبادله و معمولاً اشاره دارد به تزول نرخهای ارز شناور، حال آنکه منظور از تضعیف پولی (Devaluation) کاهش در نرخ ارز مقرر است.

همان، ص ۲۵۳

۴۲ . ارجاع پژوهشی: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله): مردم بر اموال خود مسلط هستند.

مصادر اصلی: نهج الحق و کشف الصدق (علامه حلی)، ص ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۵۰۴ و ۵۷۲ / عوالمی اللالی، ج ۱، ص ۲۲۲ و ۴۵۷، ج ۲، ص ۱۳۸، ج ۳، ص ۲۰۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۷۲

ارجاع پژوهشی: عقل عملی بر سلطه انسان نسبت به اموالی که خود حیازت کرده و یا به تلاش و کار خود به دست آورده دلالت دارد و سیره عقلاً نیز همواره در زندگی اجتماعی و دادوستد و معاملاتشان در التزام به این معنی گواه بوده و به حرمت تجاوز به اموال دیگران حکم می‌نموده است و شرع مقدس اسلام نیز این قاعده را تنفیذ نموده تا جایی که یکی از مسلمات فقه فریقین گردیده و در ابواب مختلف بدان تمسک شده است.

مبانی فقهی حکومت اسلامی (منتظری)، ج ۲، ص ۲۸۵

ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده آیات و روایات در تایید این معنا، ر.ک: پیوست شماره ۸.

۴۳ . ارجاع پژوهشی: « فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۹)

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

می‌کنند. پذیرش پول اعتباری یعنی پذیرش سلطه کسانی که حکومت بر سیاست‌های پولی و مالی دارند؛ و آنها مصون از خطا نیستند، مصون از نفسانیت‌ها و حرص نیستند. بنابراین اختلال در روابط انسانی به وجود می‌آید. ما در سرفصل قبل گفتیم که مال ابزار تنظیم سیزده نوع رابطه است. شورای اقتصاد و بانک مرکزی را حاکم می‌کنید بر یکی از ابزارهای اصلی تنظیم روابط انسانی. و او ارزش این را پایین و بالا می‌برد. لذا شما پدر یک خانواده را می‌بینید که تا قبل از این بحران‌های پولی کشور می‌توانست کرایه خانه خودش را بدهد؛ چون شما سیاست‌های پولی و مالی را اعمال کردید و ارزش پول او کاهش پیدا کرد؛ حالا او مجبور می‌شود که خانواده خود را یا به روستا ببرد (که البته این کار تصادفاً کار خوبی است و زندگی شهری زندگی خوبی نیست)، یا اینکه اساساً دیگر نتواند زندگی را ادامه بدهد و آمار طلاق افزایش پیدا کند. ببینید! وقتی شما پول اعتباری را می‌پذیرید، سلطه تصمیم‌گیران را می‌پذیرید. و اینطور نیست که آنها بتوانند درست محاسبه کنند.

۳/۱/۱/۲. حفظ "تسلط" مردم بر اموال خود و منتفی شدن خطای در محاسبه؛ لازمه پذیرش تعریف پول غیر اعتباری

حالا این فرض را بگذارید در مقابل آن فرضی که پول خودش ارزش دارد؛ وقتی پول خودش ارزش دارد دیگر خطای در محاسبه معنا ندارد، شناخت معنا ندارد، محاسبه غلط میزان دارایی‌ها و میزان چاپ اسکناس معنا ندارد. هیچکدام از این سه فرض معنا ندارد. الان در بحث میزان پول یک کشور مثلاً بانک مرکزی از جمع جبری و جمع‌های موجود ساده استفاده می‌کند. خیلی از فقهاء اشکال دارند و می‌گویند: جمع بین پول و شبه پول که نمی‌تواند میزان نقدینگی را معین کند و باید مثلاً یک دقت‌های دیگری انجام داد. خطای در محاسبه [در صورت پذیرش پول اعتباری] خیلی مُحتمَل است، درست محاسبه نمی‌شود. ولی اگر شما پول دارای مالیت را بپذیرید؛ دیگر ارزش آن محاسبه نمی‌شود. یعنی واقعاً ارزش دارد و چه حکومت "الف" چه حکومت "ب" باشد؛ طلا ارزش دارد، نقره ارزش دارد. بنابراین از چنبره سیاست‌های پولی و مالی نجات پیدا می‌کند. تعبیر صحیح این است که پول از سلطه سیاست‌های پولی و مالی خارج می‌شود و ابزار تنظیم روابط انسانی هم حفظ می‌شود. پس این یک بحث بنده بود که پذیرش پول اعتباری یعنی پذیرش سلطه سیاست‌های پولی و مالی و سیاستگذاران این حوزه.

۳/۱/۲. بررسی استظهاری تعریف پول در اسلام:

۳/۱/۲/۱. غیر اعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد آیه ۱۰۳ سوره مبارکه توبه

یک بحث دیگری داریم که خیلی مهم است: آیه ۱۰۳ سوره مبارکه توبه چه می‌فرماید؟ «حُدُّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» بنده در قسمت اول آیه حرف دارم و می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم:

و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید. (ترجمه انصاریان)

قسمت دوم این آیه شریفه در جای جای مختلف فقه و همچنین در روایات اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان یک قاعده مورد استناد قرار می‌گیرد؛ برای نمونه:

عَلَيْهِ بِنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سِئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ دَيْنٌ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ فَيَقُولُ ائْتِدْنِي كَذَا وَ كَذَا وَ أَضَعُ عِنْدَكَ بَيْتِيهِ أَوْ يَقُولُ ائْتِدْنِي بَعْضَهُ وَ أَمُدُّ لَكَ فِي الْأَجَلِ فِيمَا بَيْنِي وَعَلَيْكَ قَالَ لَا أَرَى بِهِ بَأْسًا إِنَّهُ لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - فَلَكُمْ زُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ.

آبان بن عثمان از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کند: مردی بدهی مدت داری به دیگری دارد، طلبکار مراجعه کرده گوید فلان مقدار از طلب مرا نقدا بپرداز و بقیه را بتو می‌بخشم، یا اینکه مقداری از طلب مرا نقدا و بقیه را مدت طولانی‌تر بپردازد، آیا در این دو صورت اشکالی هست؟ حضرت فرمود: من اشکالی نمی‌بینم بشرط آنکه به رأس المال (سرمایه) چیزی اضافه نکند زیرا خداوند می‌فرماید: «فَلَكُمْ زُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ». یعنی: برای شما اصل سرمایه اولیه شماست نه شما به کسی ظلم می‌کنید و نه ظلم خواهید شد.

آیه ۱۰۳ سوره توبه می‌فرماید: « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ » به پیامبر (صلی الله علیه وآله) دستور می‌دهد و امر می‌کند (« خُذْ » فعل امر است) و می‌گوید: « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ » برو بخشی از اموال مردم را بگیر. بعد پیامبر (صلی الله علیه و آله) چه کاری انجام دادند؟ روایت عبدالله بن سنان که روایت بسیار مهمی است در فهم مسأله پول. می‌فرماید که «عَبْدُ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَمَّا أَنْزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ» این آیه، آیه زکات است. « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ أَنْزَلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ » بدانید که این آیه در ماه رمضان هم نازل شده است. « فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنَادِيَةً » پیامبر به صداوسیما و مسئول اطلاع‌رسانی و اخبار خودش دستور داد: « فَتَدَا فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ » پیامبر فرمودند: صدقه در این آیه یعنی زکات. « كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ ... »^{۴۴} الی آخر الروایه که محل بحث من نیست. حضرت می‌فرماید: در این آیه مراد از اموال، طلا و نقره است، یا - به تعبیر فقهاء با کمک روایات دیگر - "نقدین" است.^{۴۵} آقایانی که دنبال این هستند که بدانند نظر اسلام راجع به پول چیست و بحث می‌کنند که پول اعتبار عقلاء هست؛ از این جمله آیات عبور می‌کنند! این روایت صریحاً «اموالهم» را تطبیق می‌کند بر نقدین. یعنی شما پول را در اسلام باید دارای ارزش ذاتی بدانید و مال تلقی کنید. چرا؟ چون پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاق کلمه «مال» کردند و در کنار شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش که سایر اقلام زکات هستند؛ ذَهَب (طلا) و نقره را هم جزو مال محسوب کردند. پس از مفاد این آیه می‌توان نفی پول اعتباری را اثبات کرد.

۳/۱/۲/۲. غیر اعتباری بودن پول در اسلام؛ مفاد برخی از روایات

خب؛ به کمک برخی از روایات دیگر که در اینجا وارد شده است این برداشت می‌شود که: مراد از ذَهَب (طلا) و فَضَّة (نقره)، ذَهَب و فَضَّة عادی هم نیست؛ بلکه ذَهَب و فَضَّة مسکوک هستند که همان پول است.^{۴۶} ما البته در سال‌های گذشته که در مکاسب بحث

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: لَمَّا أَنْزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» وَ أَنْزَلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُنَادِيَةً فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَمَّا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَفْرَضْ لشيءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَاوُوا وَ أَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَةً فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلُ صَلَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عَمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عَمَّالَ الطَّسْوِقِ.

حسن بن محبوب از عبد الله بن سنان روایت کرده است که گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: آیه زکات: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» در ماه رمضان بر او - یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله جارچی خود را فرمود تا در جمع مردم جار زد که خدای تبارک و تعالی زکات را بر شما فرض نموده است، همان طور که نماز را بر شما فرض کرده است، پس خدا زکات را از طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند، و از گندم و جو و خرما و مویز بر شما فرض فرموده است. این ندا را در ماه رمضان در جمع ایشان سر داد، و اشیاء دیگر را از زکات معاف داشت. امام علیه السلام فرمود: آنگاه متعرض چیزی از اموال ایشان نشد، تا سال نو فرا رسید، و ایشان روزه گرفتند، و افطار کردند، پس منادی خود را فرمود تا در جمع مسلمین ندا داد که: آیا ای مسلمانان، زکات اموالتان را بپردازید، تا نمازتان قبول شود. و امام علیه السلام فرمود: سپس تحصیلداران زکات و عمال «طسوق» یعنی عمال خراج - را اعزام فرمود. (ترجمه غفاری، بلاغی، صدر)

مصادر اصلی: الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴

۴۵. **ارجاع پژوهشی:** برای نمونه مراجعه کنید به عناوین ابواب جلد ۹ از کتاب شریف وسائل الشیعة: أَبْوَابُ زَكَاةِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ: بَابُ اسْتِزْرَاطِ بُلُوغِ النَّصَابِ فِي وَجُوبِ التَّقْدِينِ (ص ۱۵۰)، بَابُ اسْتِزْرَاطِ كَوْنِ النَّصَابِ مِنَ التَّقْدِينِ ذَهَبًا حَالِيًا أَوْ فِضَّةً حَالِيَةً (ص ۱۵۳)، بَابُ اسْتِزْرَاطِ كَوْنِ التَّقْدِينِ مَنفُوشِينَ بِسَكَّةِ الْمَعَامَلَةِ (ص ۱۵۴)، بَابُ وَجُوبِ زَكَاةِ التَّقْدِينِ مَعَ الشَّرَاطِ فِي كُلِّ سَنَةٍ (ص ۱۶۶)، بَابُ اسْتِزْرَاطِ حَوْلِ الْحَوْلِ مِنْ حِينَ الْمَلِكِ فِي وَجُوبِ زَكَاةِ التَّقْدِينِ (ص ۱۶۹).

۴۶. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُدَيْدٍ عَنْ جَبْرِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ قَالَ: لَيْسَ فِي التَّمْرِ [۸] زَكَاةٌ؛ إِمَّا هِيَ عَلَى الدَّنَائِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ. امام (علیه السلام) فرمود: بر قطعه‌های طلا و نقره (بدون ضرب) زکاتی نیست؛ همانا زکات فقط بر درهم و دینار (طلا و نقره مسکوک) است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۳، ص ۵۱۹ / الإستبصار، ج ۲، ص ۷ / تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَ عَنِ الْمَالِ الَّذِي لَا يَمْعَلُ بِهِ وَ لَا يَقْلَبُ. قَالَ: يَلْزُمُهُ الزَّكَاةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؛ إِلَّا أَنْ يُسْبِكَ.

علی بن یقظین می‌گوید: از امام کاظم (علیه السلام) سوال کردم در مورد مالی (درهم و دیناری) که به کار برده نشده و تبدیل به چیزی نشده است. امام فرمود: زکات در هر سال بر آن لازم است؛ مگر آنکه ذوب شود (از حالت سکه بودن خارج شود).

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

کردیم، ادله دیگری را هم بیان کردیم و اثبات کردیم که پول در اسلام اعتبار نیست و مال است.^{۴۷} این هم یکی از آیات است علاوه بر آن ادله‌ای که قبلاً عرض کردیم. حضرت فرمود: «حُذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ» اموال شامل نقدین هم می‌شود. یعنی مصادیق مال را که بحث می‌کند طلا و نقره را هم بحث می‌کند.

پس این نکته دوم ناظر بر این است که شما به ادله اثبات پول غیراعتباری (پولی که مالیت و ارزش دارد) هم می‌توانید به مجموعه آیات و روایات مراجعه کنید. منتها مسیری را که من در بحث انتخاب کردم برعکس بود؛ یعنی می‌شود گاهی اوقات از موضوع‌شناسی وارد بحث شد مثل اینکه ما آمدیم نشان دادیم که پذیرش پول اعتباری به سلطه ختم می‌شود، سلطه هم در تعارض با «الناس مسلطون علی اموالهم» - که قاعده‌ای است در فقه - می‌باشد. پذیرش سلطه بر پول، معارض است با «لَكُمْ زُؤُوسٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ». این یک فرض بحث است.

یک فرض دیگر هم این است که شما آیات و روایاتی را بگردید که تصریح کرده به اینکه پول باید حتما دارای مالیت باشد. آیه می‌فرماید: «حُذِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ» یعنی نقدین مالیت دارد.

۳/۱/۲/۲/۱. فتوادادن به تعیین پول بر اساس بناء عقلاء از طرفی، و وجوب زکات بر نقدین (نه بر اسکناس) از طرفی دیگر؛ تعارض و

ناهماهنگی فتوای فقهاء در مورد مساله پول در اسلام

البته علماء اهل تسنن فتوا داده‌اند که می‌شود زکات را از اسکناس هم گرفت. ولی من ندیده‌ام که یک فقیه فحلی در شیعه ملتزم به این بشود. یعنی یک تعارض و یک چالش فقهی است. اگر فقهاء می‌گویند که شریعت راجع به پول نظر نداده است و پول طبق بنای عقلاء تعیین می‌شود؛^{۴۸} پس الان باید موضوع زکات را در مساله نقدین حمل بر اسکناس هم بکنند. ولی هیچکس ملتزم نمی‌شود و می‌گویند: در زکات حتما باید نقدین باشد. خب؛ فتواها با هم هماهنگی ندارد! این یک چالشی است که در درس خارج باید آن را پیگیری کرد. پس پیداست که خیلی بنای محکمی نیست و می‌شود آن را نقد کرد و اشکالات متعددی بر آن وارد کرد. پس این هم سرفصل دوم.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۳، ص ۵۱۸ / تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۷ / الإستبصار، ج ۲، ص ۷

و زَوَى زُرَّارَةً وَ بُكَيْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَيْسَ فِي الْجَوْهَرِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ وَ إِن كَثُرَ وَ لَيْسَ فِي نَقْرِ [۲] الْفِضَّةِ زَكَاةٌ.

امام باقر (علیه السلام): در گوهر (جواهر) و اشباه آن زکاتی نیست اگرچه زیاد باشد، و همچنین در نقره‌ای (فضّه) که به صورت سکه در نیامده هم زکاتی نیست.

مصادر اصلی: من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۶

[۱] (النَّقْرَةُ): الْقِطْعَةُ الْمَذَابَةُ مِنَ الْفِضَّةِ وَ قَبْلَ الذَّؤِبِ هِيَ نَقْرٌ.

نقره: قطعه ذوب شده از نقره (فضّه) را گویند، و قبل از ذوب شدن به آن "نقر" گویند.

المصباح المنیر (الفتاوی)، ج ۲، ص ۶۲۱

[۲] "النَّقْرَةُ": الْقِطْعَةُ الْمَذَابَةُ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ يَعْنِي السَّبِيكَةَ. وَ فِي حَدِيثِ الزَّكَاةِ "لَيْسَ فِي النَّقْرِ زَكَاةٌ" يَرِيدُ بِهِ مَا لَيْسَ بِمَضْرُوبٍ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.

نقره: قطعه‌ای ذوب شده از طلا و نقره یعنی سبیکه. و در حدیث زکات ذکر شده: "در نقر زکاتی نیست" که مرادش آن طلا و نقره‌ای است که به صورت سکه نیست.

مجمع البحرین (طریحی)، ج ۳، ص ۵۰۱

۴۷. ارجاع پرورشی: رک جلسه ششم از دوره "فقه‌المکاسب". در سرفصل چهارم از سرفصل‌های پنجگانه فقه‌المکاسب به مبحث «قواعد و ابزار مبادله» به تعریف پول در اسلام پرداخته شده است. و در آن علاوه بر دلیل «لکم رووس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون» به دو دلیل دیگر ۱- نصاب‌گذاری شریعت در امر دیات و زکات. ۲- آثار دائمی و غیر عصری درهم و دینار؛ در اثبات پول مدنظر اسلام و روایاتی در این باره اشاره شده است.

۴۸. ارجاع پرورشی: ارزش و مالیت اسکناس از وجود فیزیکی و عینی آن سرچشمه نمی‌گیرد، زیرا به عنوان مثال: اسکناس هزار تومانی یک قطعه کاغذی است که فقط حاوی چند تصویر می‌باشد و اهمیتی ندارد. بلکه ارزش آن از اینجا سرچشمه می‌گیرد که تشکیلات پولی و حکومت و جامعه پذیرفته‌اند که اسکناس در مبادلات، واسطه و معیار ارزش باشد. مبانی فقهی اقتصاد اسلامی (محمود عبداللهی)، ص ۲۹۱

خلاصه سرفصل دوم این شد که پذیرش پول اعتباری مساوق با سلطه بر مال دیگران است، و هرگاه سلطه بر مال ایجاد شد و کاهش ارزش اتفاق افتاد؛ ابزار دستیابی به سود ارتباطی را از دیگران می‌گیرید. و آنها دیگر مثل سابق نمی‌توانند از مال خود برای تنظیم روابط انسانی استفاده کنند.

۳/۱/۳. وجود مصادیق مختلف از کاهش ارزش پول در کشورهای مختلف دنیا؛ دلیلی بر وجود اشکالات ذاتی در پول اعتباری

باز در اینجا اشکالی می‌کنند (که باز به نظر من ناشی از ندانستن و عدم اطلاع است) و می‌گویند: فقط در ایران کاهش ارزش پول ملی به وجود می‌آید. من یک سوال می‌کنم: منشأ جنگ ارزی بین چین و آمریکا^{۴۹} چه بود؟ آیا منشأش غیر از این بود که آمریکا بر خلاف قاعده دلار چاپ می‌کرد؟ کشورها پذیرفته بودند؛ هم روسیه پذیرفته بود، خصوصاً چین هم پذیرفته بود، همه کشورها پذیرفته بودند که بخشی از ذخائر ارزی خود را دلار قرار دهند. آمریکا از این مساله سوء استفاده کرد و دلارهای چاپ شده خودش را افزایش داد؛ بنابراین ذخائر ارزی کشورها را به چالش کشید. آنوقت بعد از آن بود که اینها رفتند به سمت جایگزین کردن طلا برای دلار و بخشی از آن را توانستند جایگزین کنند. و این جنگ ارزی آمریکا و چین در دهه‌های گذشته معروف است. و تازه بعد از اینکه آمریکا غیرقاعده‌مند دلار را با اعمال چند سیاست پولی و مالی از جمله چاپ اسکناس دلار تضعیف کرد، چین رفت به سمت اینکه بخشی از ذخائر خودش را [با طلا جایگزین کنند] و شروع کرد به خریدن طلا. چون دیدند که قیمت دلار به دست کشور آمریکاست و آن را جابجا می‌کند.

نه آقا! این ناشی از عدم اطلاع است؛ موارد مختلفی در تاریخ اقتصاد در همه کشورها سراغ داریم که ارزش پول اسکناس و پول اعتباری را جابجا می‌کنند. همین الان در مساله بیت‌کوین (Bitcoin)^{۵۰} هم همین اتفاق افتاده است؛ این کسی که بعضی از رمزارزها را دارد مدیریت می‌کند یک مصاحبه‌ای انجام داده بود و گفته بود که: من دیگر با این رمزارزی که دارم، تبادل انجام نخواهم داد. بلافاصله بعد از این حرف، ۱۵ درصد ارزش بیت‌کوین کاهش پیدا کرد.^{۵۱} خب؛ این اشخاص دارای شرکت‌های زیادی هستند و وقتی هم مجموعه‌ای از شرکت‌های این شخص پذیرفتند که با رمزارز دیجیتال مبادله انجام دهند، ارزش آن ۱۵ درصد

۴۹. **ارجاع پردازشی:** دنیای اقتصاد - مقامات چینی به آمریکا هشدار دادند که روش جدید آمریکایی‌ها در مقابله با ارزش‌گذاری پایین پول ملی چین به روابط دو کشور لطمه خواهد زد. آمریکا سال‌ها است که چین را متهم می‌کند با بی‌ارزش‌سازی غیرواقعی پول ملی خود، قدرت رقابتی کالاهای صادراتی خود را در بازار جهانی به ویژه بازار غرب به شدت بالا برده است.

آدرس مطلب: سایت خبری دنیای اقتصاد

<https://b2n.ir/g/1915>

۵۰. ارجاع پردازشی:

Bitcoin, digital currency created by an anonymous computer programmer or group of programmers known as Satoshi Nakamoto in ۲۰۰۹. Owners of Bitcoins can use various Web sites to trade them for physical currencies, such as U.S. dollars or euros, or can exchange them for goods and services from a number of vendors.

بیت کوین، ارز دیجیتالی که توسط یک برنامه‌نویس رایانه‌ای ناشناس یا گروهی از برنامه‌نویسان معروف به Satoshi Nakamoto در سال ۲۰۰۹ ایجاد شده است. دارندگان بیت‌کوین می‌توانند از وب‌سایت‌های مختلف برای خرید و فروش آنها با ارزهای فیزیکی مانند دلار آمریکا یا یورو استفاده کنند یا می‌توانند آنها را با کالا و خدمات از تعدادی از فروشندگان.

آدرس مطلب: سایت رسمی دانشنامه بریتانیکا - <https://b2n.ir/175211>

۵۱. **ارجاع پردازشی:** قیمت بزرگترین ارز دیجیتال جهان یعنی بیت‌کوین با ۱۵.۲۹ درصد کاهش به ۴۶۸۰۰ دلار رسید. به گزارش خبرگزاری تسنیم، بر اساس اطلاعات پایگاه اینترنتی CoinDesk تا ساعت ۰۳:۰۴ روز پنجشنبه به وقت مسکو، بیت‌کوین با ۱۵/۲۹ درصد کاهش به ۴۶۸۰۰ دلار رسید. بر اساس این گزارش، تا ساعت ۰۳:۱۵ به وقت مسکو، بیت‌کوین ۴۷۹۰۰ دلار بود. روز چهارشنبه، ایلان ماسک اعلام کرد که شرکت خودروسازی وی یعنی تسلا به دلیل ناپایدار بودن راه‌های بدست آوردن این ارز دیجیتال، بیت‌کوین را دیگر به عنوان ارز مورد قبول برای خرید محصول از این سازنده خودروهای برقی قبول نمی‌کند.

آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم - ۲۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

<https://b2n.ir/214159>

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

کاهش پیدا کرد. ولی اگر پول دارای مالیت باشد، هیچکدام از این تدابیر بر پول دارای مالیت کارگر نخواهد بود. داستان بورس کشور خودمان هم داستانی است در همین حوزه.

بنابراین باز انتقاد ما این است که اینطور نیست که مثلاً اگر شما آمدید "سیاست‌های انقباضی" به کار بردید و "استقلال بانک مرکزی" را تأمین کردید، جلوی "خلق پول" را گرفتید، "پایه پولی" را کنترل کردید؛ در نتیجه "تورم" ۵٪ کنترل شود. [نه؛ اینطور نیست، بلکه] راه حل اساسی در این است که شما بیایید پول را مال و از یک چیز با ارزش اعلام و انتخاب کنید. که حالا چالش‌های اجرایی آن را بعداً بحث خواهیم کرد. این هم یک مساله.

۴. سرفصل سوم: تأثیر سایر بخش‌های اقتصاد بر کارکرد پول چگونه است؟

سرفصل سوم تبیین جایگاه پول در ساختار اقتصاد اسلامی است. عرض کردیم که پول یک بحث سطح چهارم است و قبل از مساله پول چند مساله مهم باید بحث شود: اول "طبقه‌بندی مشاغل" باید بحث شود.

۴/۱. بررسی تأثیر "طبقه‌بندی مشاغل" بر کارکرد پول؛ سطح اول از بحث

طبقه‌بندی مشاغل یعنی چه؟ یعنی شما باید بگویید که چه شغلی به چه دلیلی برتر است؟ چه شغلی به چه دلیلی پایین‌تر است؟ کسی که می‌خواهد اقتصاد یک کشور را بازسازی کند باید راجع به این بحث کند. مثلاً اگر گفتید که ارزش افزوده برتر است؛ مشاغل صنعتی بر مشاغل کشاورزی غلبه پیدا می‌کند. الان در دنیای توسعه‌یافته می‌گویند مشاغل صنعتی مشاغل مهم هستند. به آنها می‌گوییم: چرا؟ می‌گویند: چون سودآوری در بخش صنعت بیشتر از بخش خدمات و کشاورزی... است؛ چون معیار یک چیز دیگری است. اما یک وقتی شما می‌گویید: غذای سالم اصل است، تولید محلی و خانگی غذا اصل است و یک مبنای دیگری را قرار می‌دهید؛ برای دستیابی به یک چنین هدفی کشاورزی می‌شود شغل برتر. که البته الان نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم، فقط می‌خواهم بگویم که چون ما معیار را از سود اقتصادی به سود ارتباطی تغییر دادیم، باز طبقه‌بندی مشاغل ما تغییر پیدا خواهد کرد. این شد طبقه‌بندی مشاغل. شما یک جدول بگویید و طبقه‌بندی مشاغل برتر را بحث کنید و دلائلش را هم برای مردم بگویید.

۴/۱/۱. قرار گرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل کلان؛ در صورت پذیرش مشاغل کلان و صنعتی به عنوان اصل در طبقه‌بندی مشاغل

حالا این بحث چه اثری در پول دارد؟ ببینید؛ پول، [ابزار] تبادل بین مشاغل است؛ اگر الگوی مشاغل صنعتی را پذیرفتید، تبادل یک بافت پیدا می‌کند؛ تبادل کارخانه به کارخانه است، تبادل بین کارخانه‌های بزرگ در یک منطقه است. اما اگر گفتید: کشاورزی، باغداری، دامداری، خیاطی و... (که مجموعه شغل‌های وابسته به اینها حدود هزار شغل می‌شود) اینها را اصل دانستید، در اینصورت پول ابزار مبادله بین این مشاغل می‌شود. بافت این مشاغل خرد است.

دقت می‌کنید؟ اگر شما گفتید مشاغل، صنعتی هستند؛ یک نوع تبادل شکل می‌گیرد. من مثال بزنم تا مساله واضح‌تر بشود. مثلاً یک تاجر یا آرتاچری می‌آید نزد یک صاحب کارخانه‌ای و می‌گوید من کل کالای تولیدی تو (مثلاً آب معدنی) در یک سال را

۵۲. ارجاع پروروشی: تورم (Inflation): تورم فرآگرد افزایش پیوسته و همه جانبه قیمت‌های پولی کالاها و خدمات است و یا به معنایی برابر کاهش پیوسته و همه جانبه ارزش پول می‌باشد.

خریداری می‌کنم؛ منتها به یک شرط. به شرط اینکه من قیمت بازار را تعیین کنم.^{۵۳} (این مساله اتفاق می‌افتد و در بحث‌های دامپینگ (Dumping) مطرح است) غرضش چیست؟ غرضش این است که می‌خواهد انحصار ایجاد کند. مثلاً کل آب معدنی‌های تولیدی را یکجا خریداری می‌کند، تولیدکننده هم خوشحال می‌شود که یکجا تولیداتش به فروش برود. این آقایی هم که خریدار است می‌آید و می‌گوید: هر بطری از آب معدنی به قیمت ۲ هزار تومان. در حالیکه مثلاً فرض کنید ۳ هزار تومان است؛ برای اینکه بقیه را ورشکست کند! وقتی مشاغل کلان می‌شوند دو نفر (واقعاً دو نفر!) می‌توانند برای بازار تصمیم بگیرند!

۴/۱/۲. قرار گرفتن پول به عنوان ابزار تبادل بین مشاغل خرد؛ در صورت پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه‌بندی

مشاغل

اما اگر شما آمدید گفتید که همه مردم وارد کشاورزی، دامداری، خیاطی و مشاغل مرتبط با آنها بشوند مثلاً فرض کنید برای تامین مساله کشاورزی مساله بذر هم هست، بحث آفت‌کشی هم هست (البته آفت‌کشی به سبکی که ما می‌گوییم، نه به شکل بیولوژیک یا به شکل مواد شیمیایی). هر دوی اینها را ما قبول نداریم. بلکه آفت‌کشی طبیعی؛ یعنی مشاغل خرد درست می‌کند. وقتی مشاغل خرد درست کرد؛ پول ابزار تبادل بین این مشاغل خرد است. اما ما به چه شکل بحث می‌کنیم؟ هیچکس راجع به بافت مشاغل بحث نمی‌کند؛ لذا بافت مشاغل را استراتژی‌های صنعتی می‌نویسند. الان همین برادر خوب و فاضلمان که در انتخابات بحث می‌کردند، می‌گفتند: چند هزار بنگاه تولیدی احیاء شده است که مثلاً یکی از آنها بنگاه نیشکر هفت تپه است... تمام اینها بنگاه‌های بزرگ هستند. وقتی بنگاه‌های بزرگ [در بافت مشاغل اصل واقع] می‌شوند؛ باز تبادل و مسائل اقتصادی به دست چند نفر می‌افتد. برخلاف فرضی که - به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای - برویم به سمت اینکه مشاغل خرد و مشاغل خانگی و بنگاه‌های کوچک را راه بیندازیم. در اینصورت هزار نفر تولید می‌کنند. وقتی هزار نفر تولید می‌کنند دیگر خیلی سخت است که بتوانی بازار را کنترل کنی. وقتی یک نفر تولید می‌کند، یک نفر هم می‌آید همه تولید وی را می‌خرد و تسلط بر بازار پیدا می‌کند.

۴/۱/۳. پذیرش مشاغل محلی و خانگی به عنوان اصل در طبقه‌بندی مشاغل؛ پیش‌نیاز طراحی پول غیر اعتباری (پول طلا) در ابزار مبادله

پس این فرض اول است. خیلی مهم است که شما بگویید پول طلا در چه زمینی عمل می‌کند. عرض اول بنده این است که اصلاً پول طلا در زمین مشاغل مردمی، بنگاه‌های خرد و بنگاه‌های کوچک طراحی شده است. شارع مقدس چون قبل از بحث از پول، بحث از طبقه‌بندی مشاغل را مطرح کرده است؛ پول در زمین طبقه‌بندی مشاغل عمل می‌کند. طبقه‌بندی مشاغل در اسلام به یک شکلی است که می‌رود به سمت ایجاد بنگاه‌های خرد و کوچک. تعبیر فنی‌ای آیت‌الله خامنه‌ای در این ایام داشتند. می‌فرمودند: «من که تاکید می‌کنم روی بنگاه‌های کوچک یعنی ده‌ها میلیون آدم درگیر تولید بشوند.» در حالیکه وقتی شما می‌روید به سمت ابر‌بنگاه‌ها و آنها را راه می‌اندازید، یک عده معدودی درگیر تولید می‌شوند. حتی با این ایده جزائر اتوماسیون و ایده‌هایی که می‌خواهند ربات و هوش مصنوعی را جایگزین کنند به دنبال این هستند که اصلاً آدم‌ها را از فرایند تولید حذف کنند، یا نقش آدم‌ها را کم‌رنگ کنند. خیلی مهم است که درک شما از ایجاد شغل و طبقه‌بندی مشاغل در جامعه چیست؟ پس پول طلا و پول دارای مالیت، تبادل در بخش کشاورزی‌ای که مردمی است می‌باشد. تبادل در بخش دامداری است، تبادل در بخش باغداری و میوه و سبزیجات و... است، تبادل در بخش خیاطی و لباس و... است. حدود هزار شغل است. و این کم نیست! من آمار مشاغل را که نگاه می‌کردم [دیدم که] ما الان با الگوی مشاغل فعلی و با نگاه صنعتی که وجود دارد حدود ۴-۵ هزار شغل داریم. ولی با الگوی بنگاه‌های کوچک و مشاغل خرد حدود هزار شغل اصلی پیدا می‌کنیم. آنوقت این هزار شغل نیاز به تبادل دارند؛ و دیگر تبادل در

۵۳. دامپینگ در بازارهای بین‌المللی به بازار شکنی و یا قیمت شکنی نیز معروف است. به طور کلی واژه ی دامپینگ به معنای فروش و یا صادرات یک کالا به کشورهای دیگر با قیمتی پایینتر از قیمت تمام شده می‌باشد.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

اینصورت خیلی سخت نیست. در حالیکه شما وقتی می‌آید بحث پول طلا را مطرح می‌کنید؛ ذهنیت مخاطب شما تجارت فلان آبرشرکت صنعتی است با فلان آبرشرکت صنعتی. همه کاندیداها و نامزدهای محترم ریاست جمهوری بر فرض این نوع تبادل داشتند در ایام انتخابات بحث می‌کردند. فقط یک کسی می‌گفت "تراز تجاری اروپا" باشد، دیگری می‌گفت "تراز تجاری کشورهای همسایه" ما باشد. در حالیکه حرف اصلی اقتصادی ما این است که شما باید یک طبقه‌بندی مشاغل دیگری را ارائه کنید. آینده ایران نه اینکه صنعت ندارد؛ بلکه بخش اصلی مشاغل آن مشاغل صنعتی نیستند. بخش اصلی مشاغلش در همین پنج شغلی است که عرض کردم. خب؛ فایده این نوع طبقه‌بندی چیست؟ فایده‌اش سلامتی غذایی است، فایده‌اش این است که در فرایند تولید همه دارند سود می‌برند، یعنی دیگر نظام برده‌داری به اسم تولید راه نمی‌افتد! این یک بحث.

۴/۱/۲. بررسی تاثیر "الگوی تولید" بر کارکرد پول؛ سطح دوم از بحث

۴/۱/۲/۱. الگوی تولید متمرکز و صنعتی یا غیرمتمرکز و محلی؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری)

سطح دوم بحث بحث الگوی تولید است. که البته در لابلای بحث طبقه‌بندی مشاغل اشاره‌ای به آن کردم و قدری واضح شد که ما حتما الگوی تولیدمان الگوی تولید متمرکز نخواهد بود. در طبقه‌بندی مشاغل حرف من این بود که مشاغل صنعتی، به عنوان مشاغل اصلی قرار نمی‌گیرند. خب؛ می‌دانید که این صنعت است که میل به تمرکز دارد. وقتی شما مشاغل را یک چیز دیگری تعریف می‌کنید، الگوی تولید هم خرد می‌شود. مثلا می‌گویند یک ماشین حدود هزار قطعه است؛ لذا شما مجبور هستید که مدیریت متمرکز داشته باشید تا صدها تولیدکننده قطعه را مدیریت کنید تا یک ماشین تولید شود. اما در حوزه کشاورزی و دامداری که به این شکل نیست؛ یعنی لازم نیست به سمت تمرکز روی بیاورید. چون فرایند تولید فرایند پیچیده‌ای نیست و ساده‌تر است. مثلا حدود هزار شغل ایجاد می‌کنید، ولی الان حدود چهار هزار شغل ایجاد می‌کنید. پس میل به عدم تمرکز پیدا می‌شود. پس این هم نکته دوم است. ما داریم جایگاه پول را در ساختار اقتصاد اسلامی بحث می‌کنیم؛ می‌گویم پول طلا و پول دارای مال در فرض الگوهای کوچک عمل می‌کند و بهترین عملکردش آنجاست، تبادلات در آنجا خرد است، و در فرض بنگاه‌های صنعتی و تولید متمرکز نیست. این هم یک سرفصل.

۴/۱/۳. بررسی تاثیر "الگوی بازار و تجارت" بر کارکرد پول؛ سطح سوم از بحث

سطح سوم بحث مساله بازار است. درک شما از بازار چیست؟ آیا درک شما از بازار، مگامال (Megamall) است؟ من در یک گزارشی می‌خواندم که سرمایه‌گذاران برخی از مگامال‌های درون ایران، اصلا درون ایران نیستند، و اصلا ایرانی نیستند! و آن شخص می‌آید در یک منطقه‌ای از ایران یک مال بزرگ را طراحی می‌کند و بستگی به آن مال (Mall) ^{۵۴} یک چیزی مثلا حدود ۱۰۰ هزار، ۴۰۰ هزار، ۵۰۰ هزار نفر از او خرید می‌کنند؛ و تمام این کسانی که این کالاها را می‌فروشند کارمند به حساب می‌آیند و فروشنده هستند، انبار را تامین می‌کنند. مثلا شما فرض کنید حدود ۵۰ نفر فروشنده در آنجا مشغول کار هستند و فرض کنید حقوق خوبی هم می‌گیرند. ۱۰ الی ۱۵ درصد از آن مال به عمال مال می‌رسد و اصل آن به صاحب سرمایه که در خارج کشور است می‌رسد.

۴/۱/۳/۱. الگوی بازار متمرکز و یا غیرمتمرکز؛ تاثیرگذار بر نوع ابزار مبادله (پول اعتباری یا غیراعتباری)

سوال ما این است که: آیا بازار در ذهن شما متمرکز است؟ یا نه شما فرض خرد بودن را هم برای بازار تصور می‌کنید؟ کدام مطلوب شماست؟ باز این دو نوع تصور از بازار، دو نوع مبادله ایجاد می‌کند؛ یک وقت بازاری‌هایی را تصور و ایجاد می‌کنید که ۵۰۰ هزار خریدار دارند که اینها به یک نحو باید جنس تهیه کنند و حجم انتقال پول آنها خیلی بالاست؛ چون مثلا فروشگاه زنجیره‌ای و مال

(Mall) دارد، در یک هفته ۵۰۰ هزار نفر از اینها خرید می‌کنند. اما یک وقتی فروشنده خرد است و کلاً ۱۰۰ نفر از او خرید می‌کنند؛ پس حجم انتقال اعتبار و داده‌های او کوچک می‌شود. پس اگر بازار متمرکز داشته باشیم، باز با انتقال داده‌های بزرگ روبرو هستیم. اما اگر بازار کوچک را فرض کنیم، باز انتقال داده‌ها کوچک می‌شود.

ببینید! من دارم به اجرایی کردن پول طلا نزدیک می‌شوم. چون همه اشکال در این است که تولید بزرگ و انتقال اعتبارهای بزرگ منجر می‌شود به انتقال حجم‌های زیادی از طلا و نقره و این کار اصلاً امکان ندارد. اشکالی که به مساله پول غیراعتباری وارد می‌کند همین است؛ چون فرض ذهنشان تبادلات بزرگ در بخش بازار است مثلاً خریدهای هزار میلیاردی. خوب؛ شما وقتی می‌خواهید هزار میلیارد طلا را منتقل کنید (اگر هم آن مقدار طلا وجود داشته باشد) خیلی سخت است. چون پشتوانه پول اعتباری‌ای را که فرض می‌کنند فقط طلا نیست، بلکه خود فیزیک کارخانه هم پشتوانه آن است، سایر ابعاد مالی، تولید ناخالص ملی هم پشتوانه آن پول است؛ لذا فرض هزار میلیارد را با اعتبار هم منتقل می‌کنند. اما یک وقت می‌گویید بازار در تصور من خرد است. صد نفر هستند و نفری صد میلیون کالا تهیه می‌کنند؛ بنابراین انتقال‌ها خرد است. الان صد میلیون چند سکه می‌شود؟ ده سکه می‌شود. من می‌خواهم بحث را به ذهن نزدیک کنم تا شما از فضای مدرن کمی بیرون بیایید: [برای صد میلیون تومان] یک همیان (کیسه) کفایت می‌کند (خنده)! شما با یک همیان می‌روید [و کار خود را انجام می‌دهید]. شما اگر در یک هفته صد میلیون خرید داشته باشید، با صد سکه و یک همیان که آن را مخفی هم می‌کنید کار انجام می‌شود و خیلی هم سخت نیست.

این قضیه را هم بد نیست که تعریف کنم: بنده در آن موقعی که درس "قرض" را می‌خواندیم بحث بانک در سر درس مطرح شد، بنده برای استاد از روی کتاب یکی از فقهاء می‌خواندم که در آن نوشته بود: «از آن وقتی که بانک به وجود آمده، دزدی از پول مردم کمتر شده است! چون پول در یک جای امنی است.» حالا بنده نمی‌دانم که آن استاد نظرش در این رابطه چیست ولی الان ما داریم می‌بینیم که در بانک‌ها فیزیک پول را نمی‌دزدند، ولی ارزش پول را می‌دزدند! چون وقتی شما پول خود را به بانک‌ها می‌سپرید، قطعاً ارزش پول شما دزدیده می‌شود! و اگر شما همیان داشته باشید و پولتان همراه خودتان باشد، واقعاً ارزش پول شما باقی است. چون طلا که خودش ارزش دارد و شما از تدابیر مخفی کردن و برخی کارهای دیگر هم استفاده می‌کنید و بالاخره کاری می‌کنید که پول شما دزدیده نشود. ولی اگر آن را در بانک بگذارید، قطعاً دزدیده خواهد شد. فیزیک پول وجود دارد؛ مثلاً اگر شما به عابر بانک رجوع کنید همان مثلاً ۱۰۰ هزار تومان را به شما می‌دهد، ولی به اندازه ۱۰ هزار تومان ارزش دارد. پس این هم یک نکته است که چون مبادلات خرد است دیگر شما دغدغه انتقال ندارید. آنجا قضیه خطرناک می‌شود که شما بخواهید مبادلات درشت داشته باشید. اصلاً مبادلات درشت در فرض بازارهای خرد، حداقلی است. نمی‌گوییم که اصلاً نیست، بلکه ما تا مدت‌ها مبادلات درشت هم خواهیم داشت، ولی عموم مردم مبادلات درشت نخواهند داشت. همین الان در منطقه زنبیل آباد و انسجام و برخی دیگر از مناطق قم در حال ساخت مال‌ها هستند که بنده گاهی اوقات با آنها صحبت می‌کنم و بررسی‌های آنها را می‌بینم؛ گاهی اوقات کالایی را که اینها می‌خواهند تهیه کنند روزانه ۱۰۰ میلیون تومان مبادله دارند. یعنی در یک محاسبه عدد خیلی بالایی می‌شود؛ که در اینصورت از پول طلا نمی‌شود استفاده کرد.

اما اگر فرض بازار را آنطوری که امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند که همه مردم تجارت کنند. (می‌دانید که قاعده در اسلام این است که تجارت عمومی شود) و اگر تجارت عمومی شود، تبادل بین تجارتهای بزرگ نیست که شما نگران [انتقال وجه آن] شوید. این هم یک بحث.

۴/۱/۴. بررسی تأثیر "قواعد مبادله و عقود" بر کارکرد پول؛ سطح چهارم از بحث

بحث چهارم قواعد مبادله است. یکی از مباحث قواعد مبادله، بحث "عقود" است. مثلاً شما می‌گویید که مبادله در قالب "مضاربه" است، یا در قالب "شرکت"، یا در قالب "مزارعه"، یا در قالب "مساقات" و... . باز این نوع عقود یک نوع انضباط ایجاد می‌کند در مبادله و بر پول تأثیر می‌گذارد. مثلاً فرض بفرمایید که شما وقتی می‌روید برای انجام مزارعه؛ قرارداد با پول متفاوت می‌شود با تبادل در قالب مضاربه. دو نوع مبادله است. گاهی وقت‌ها یک طرف پول می‌دهد و طرف دیگر کار می‌کند. پس این مساله هم مهم است. من می‌خواهم قبل از اینکه به مساله پول برسیم بگوییم که ما این همه بحث حاکم بر پول داریم که همه اینها بر وضع پول تأثیر می‌گذارد. و آنوقت که شما عقود مبادله را بحث کردید در انتهای می‌رسید به این بحث که بله من الان می‌خواهم در فضای طبقه‌بندی مشاغل خودم، در فضای تولید غیرمتمرکز، در فضای بازار خرد و عمومی، در فضای عقود یک مبادله‌ای داشته باشم. اینها حاکم می‌شوند و هر کدام یک تأثیری دارند.

حالا واضح شد که چرا من می‌گویم تحلیل پول یک تحلیل سطح چهارم اقتصاد است؟ چون سه سطح دیگر قرار است برای این پول تعیین تکلیف کنند. الان وقتی ما در مجلس شورای اسلامی و جاهای دیگر می‌خواهیم از پول طلا دفاع کنیم؛ به ما اشکال می‌کنند. هر اشکالی را که بررسی کنید می‌بینید که در یکی از این فضاهاست؛ یعنی چون تولید را متمرکز فرض کرده است، نمی‌تواند تبادل مالی با پول طلا را بپذیرد و این مساله به عنوان مانع در ذهن اوست. یا بازار را به نحو مگامال و بازارهای بزرگ فرض کرده، یا اصل در طبقه‌بندی مشاغلش صنعت است، و شغل‌های مطلوب در فقه نیست. بنابراین در ذهنش مشکل ایجاد می‌شود. پس من در این بحث اجمالی می‌خواهم بگویم که این بحث به اینصورت تکمیل می‌شود.

۴/۱/۵. بررسی تأثیر "تجارت بین‌الملل" بر کارکرد پول؛ سطح پنجم از بحث

نکته دیگر بحث تجارت بین‌الملل است که از نوع تحلیل سطح پنجم اقتصاد است.

۴/۱/۵/۱. عدم تقویت کفار؛ شرط اصلی در تجارت بین‌الملل

شما در تجارت بین‌الملل یک قید اصلی دارید که این تجارت باید به شرط "عدم تقویت کفار" باشد. و اگر این قید را در تجارت بین‌الملل قرار دهید، هدف شما در تجارت با غیرمتعهدها و مستضعفین عوض می‌شود و به آن سمت می‌روید. و این شرط در تجارت بین‌الملل دوباره کمک می‌کند به این که نوع مبادلات تغییر پیدا کند. اما الان شما در فضای اقتصادی به نحو مطلق فقط می‌گویید: «صادرات، واردات». و می‌گویید: گپ (Gap) صادرات و واردات باید جبران شود. من نمی‌بینم که در مباحث اقتصادی بگویند: «صادرات به کجا؟ آیا منجر به تقویت کفر می‌شود؟ واردات از کجا؟ آیا منجر به تقویت کفر می‌شود؟» اصلاً این بحث فراموش شده است. این یک نکته در تجارت بین‌الملل.^{۵۵}

۴/۱/۵/۲. کنارگذاشتن تولید صنعتی غذا بخاطر اشکالات شش‌گانه آن؛ راهکاری برای کاهش ۶۰ درصدی تبادلات در تجارت بین‌الملل

نکته دوم: در فرض طبقه‌بندی مشاغل ما تولید صنعتی غذا را ما به شش دلیل غلط می‌دانیم و الان ۶۰ درصد تبادلات تجاری دنیا غذاست. بنابراین ۶۰ درصد تبادلات تجاری دنیا کاهش پیدا می‌کند. بنابراین تجارت بین‌الملل آنقدری که در ذهن نئوکینزی‌ها^{۵۶} و نهادگرایی‌ها^{۵۷} بزرگ است، در مباحث مترقی "فقه‌المکاسب" بزرگ نیست.

۵۵. ارجاع پژوهشی و پرورشی: جهت مشاهده روایات و فتوای برخی از فقهاء بزرگوار شیعه در این باره، ک پیوست شماره ۹.

۵۶. ارجاع پرورشی:

New Keynesian economics: The school of thought according to which economic fluctuations can be explained only by admitting a role for some microeconomic imperfection, such as sticky wages or prices.

۴/۱/۵/۲/۱. تولید غذای ناسالم و تراریخته؛ اولین اشکال تولید صنعتی غذا

چون بخش غذا را از تبادلات حذف می‌کنیم؛ به شش دلیل: ۱. به دلیل تولید سالم. ما الان نمی‌توانیم به غذا اعتماد کنیم. مثلاً وقتی ما ذرت، گندم، سویا و بخش عمده غذاهایی که وارد می‌کنیم؛ همه تراریخته هستند! این حجم از تولید را باید داخل کشور توزیع کنیم تا کشاورزان ما آن را کشت کنند. تازه در بخش‌هایی مثل روغن و... نظر قطعی و تجربه‌شده و قابل اثبات این است که روغن حیوانی بهتر از روغن‌های گیاهی هستند. البته به استثناء روغن زیتون و یک یا دو روغن دیگر. بنابراین ما نیاز نداریم که اینقدر کلزا و سویا به غرض روغن بکاریم. ما برای تولید روغن که کالای مهمی است باید برویم به سمت اینکه پرورش گاو آن هم به شکل سامانه‌های محلی و خانگی را تقویت کنیم، یا مزارع زیتون را به نحو خرد گسترش بدهیم. لذا اینهایی که دارند با ما بحث می‌کنند در چنبره اقتصاد موجود با ما بحث می‌کنند. ما باید کمک کنیم که اینها از این بحث‌ها خارج شوند.

۴/۱/۵/۲/۲. استفاده از مواد نگهدارنده؛ دومین اشکال تولید صنعتی غذا

یکی دیگر از دلالتی که ما مساله غذا را از تولید صنعتی خارج کرده‌ایم مساله مواد نگهدارنده است. [در فرض صنعتی] غذا باید پخته شود و بعداً عرضه شود. وقتی شما غذا را می‌پزید ماندگاری اش پایین می‌آید؛ بنابراین حتماً باید از مواد نگهدارنده استفاده کنید. و این کار عدم سلامت را بر ما تحمیل می‌کند.

۴/۱/۵/۲/۳. تولید زباله و انهدام محیط زیست؛ سومین اشکال تولید صنعتی غذا

یکی دیگر از دلالتی که ما با غذای صنعتی موافق نیستیم مساله بسته‌بندی صنعتی غذاست. وقتی شما غذا را بسته‌بندی صنعتی می‌کنید، چالش برای محیط زیست ایجاد می‌کنید. الان دیگر مرسوم است که کسی که یک لیتر آب مصرف می‌کند، یک بطری

اقتصاد نوکیزی: مکتب فکری اقتصادی است که براساس آن، نوسانات اقتصادی فقط با پذیرش نقش برای برخی از عیوب اقتصاد خرد مانند دستمزدها یا قیمت‌های چسبنده قابل توضیح است.

کتاب اقتصاد کلان (منکیو)، ویرایش هفتم، ص ۵۸۱

تفاوت کینزی‌های جدید (نوکیزی‌ها) با مکتب کینز:

۱- ترکیب انتظارات عقلایی با چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها؛ ۲- توجه به رقابت ناقص با تمرکز بر قیمت؛ ۳- تئوری‌های شکست بازار؛ ۴- توجیه خرد برخی مسائل کلان؛ ۵- توجیهات اقتصادی براساس عرضه و تقاضا؛ ۶- چسبندگی اسمی و واقعی؛ [۱]، [۲]

[۱] گرجی، ابراهیم و مدنی، شیما؛ کینزی‌های جدید تا چه اندازه جدیدند؟ مجله دانش و توسعه، ۱۳۸۵، شماره ۱۸، ص ۹۲-۹۳

[۲] شاکری، عباس؛ اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها، تهران، پارس‌نویسا، ۱۳۸۷، چاپ اول، ص ۵۱۵

۵۷. **ارجاع پرورشی: مکتب نهادگرایی:** مبانی فکری مکتب نهادی به آن صورت که اقتصاددانان این مکتب ارائه کرده اند بر شش اصل مهم و اساسی به شرح زیر متکی می‌باشد:

۱- اقتصاد باید به عنوان یک سازمان یا مجموعه کامل و واحد تشکیلات که تمامی اجزاء آن با یکدیگر ارتباط دارند، مورد بررسی قرار گیرد. در این مورد، مطالعه یک دوره کامل از یک سازمان را نمی‌توان صرفاً با بررسی اجزاء آن به صورت قسمت‌های مجزا و منفصل از یکدیگر مورد بررسی قرار داد. به همین ترتیب، فعالیت اقتصادی جامعه مجموعه تصمیمات فردی برای به دست آوردن حداکثر منافع پوی نیست بلکه فراتر از آن رفته است و ناشی از فعالیت‌های جمعی می‌شود که بزرگ‌تر از مجموع اجزاء منفصل از یکدیگر می‌باشد.

۲- مکتب نهادی نقش مؤسسات و نهادها را در زندگی اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. نهاد تنها یک مؤسسه برای انجام هدف خاصی نظیر تعلیم، هماهنگی، خدمات اقتصادی، اتحادیه و یا بانکی نیست، بلکه الگویی متشکل از رفتار جمعی یا گروهی است که به عنوان جزء بخش اساس یک فرهنگ پذیرفته می‌شود...

۳- ... مکتب نهادی نظریه کلاسیک‌ها و نئو کلاسیک‌ها را، مبنی بر وجود تعادل ساکن و عادی در جامعه اقتصادی، مردود دانسته و به جای آن بر اصل سلسله علل یا تغییرات تراکمی که در جریان حصول به هدف‌های اجتماعی و اقتصادی ممکن است منجر به نتایج مثبت و یا منفی گردد، تکیه می‌کند. به عبارت دیگر تعدیل کمتر و یا بیشتر از مقدار لازم برای حصول تعادل در زندگی اقتصادی انحراف از تعادل عادی به شمار نمی‌آید، بلکه این نوع انحرافات خود عادی می‌باشند.

۴- ... مکتب نهادی معتقد به وجود تضاد منافع است و انسان را موجودی اجتماعی و تعاونی می‌داند که برای حفظ منافع متقابل و مشترک خود با دیگران اقدام به تشکیلات گروهی می‌کند....

۵- مکتب نهادی از برنامه اصلاحات اجتماعی به منظور توزیع عادلانه تر ثروت و درآمد حمایت می‌کند... این مکتب اقتصاد آزاد سرمایه داری را محکوم می‌کند و به نقش بسیار مهم دولت در امور اقتصادی و اجتماعی مردم اعتقاد دارد.

۶- از نقطه نظر روش‌شناسی، مکتب نهادی روش استقرای را بر قیاس ترجیح داده و بر این عقیده است که برای درک بهتر عملکرد نظام اقتصادی باید مطالعات دقیق تری از طرز کار آن به عمل آورد.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

پلاستیکی زیاله تولید می‌کند! اگر همان فرد یک بسته بیسکویت مصرف کند، باز یک مقداری پلاستیک تولید می‌کند. اگر آن فرد برود جلوتر و در آن روز یک کنسرو هم مصرف کند، باز یک بخشی زیاله تولید می‌کند. حالا این را به عدد ضرب کنید؛ مثلاً این شخصی که روزی ۳ زیاله تولید می‌کند را ضربدر ۸۰ میلیون نفر کنید یا ضربدر ۷ میلیارد جمعیت کنید؛ نتیجه‌اش این می‌شود که الان فرایند تولید زیاله در همه بخش‌ها دارد ارتقاء پیدا می‌کند و فرایند بازیافت [از فرایند تولید زیاله] عقب مانده است. و تفکیک از مبدا دیگر جواب نمی‌دهد؛ چرا؟ چون تولید زیاله بیشتر از فرایند بازیافت است. لذا ما معتقدیم که باید بسته‌بندی صنعتی را از فضای غذا حذف کرد تا تولید زیاله و انهدام محیط زیست متوقف شود. پس دلیل محیط زیستی هم دارد که ما تولید صنعتی غذا را نمی‌پذیریم. غذا یک کالایی است که همه هر روز مصرف می‌کنند و اگر شما تولید صنعتی غذا را بپذیرید باید هر روز تولید زیاله کلان را بپذیرید. خب؛ آن جزایر پلاستیک و زیاله که در اقیانوس‌ها تشکیل شده است نتیجه همین ایده است.

۴/۱/۵/۲/۴. بالارفتن مصرف انرژی؛ چهارمین اشکال تولید صنعتی غذا

یکی دیگر از دلالتی که ما معتقدیم تولید غذا نباید به نحو صنعتی اتفاق بیفتد و نیاز به سامانه محلی و خانگی دارد، مصرف انرژی است. خصوصاً اگر منبع تولید انرژی کربن باشد؛ چون کمک شدیدی می‌کند به تولید گازهای گلخانه‌ای و تغییرات اقلیمی (که من در نظریه تاویب این مساله را بحث می‌کنم). خب؛ انرژی چرا افزایش مصرف پیدا کرده است که بعد شما بروید تولید انرژی کنید؟ بخاطر یخچال‌ها، بخاطر نگهداری غذا، همه یخچال‌هایی که در جاده‌ها دارند غذاها را منتقل می‌کنند، در فروشگاه‌ها غذاها یخته‌شده را نگهداری می‌کنند که فاسد نشود. اینها همه دارند انرژی مصرف می‌کنند. آنوقت من می‌دیدم که سازمان ملل دنبال این است که مثلاً با تحمیل بر کشورهایی مثل ایران می‌گوید: تولید آلاینده‌ها و تولید کربن را کم کنید. خب؛ بهتر نیست [به جای این کارها] الگوی تولید را اصلاح کنیم؟! [اگر الگوی تولید صنعتی اصلاح شود] یک سوم انرژی مصرفی در دنیا کاهش پیدا می‌کند. و تغییرات اقلیمی و تغییرات آب و هوایی متوقف می‌شود. دلالت اینقدر محکم است.

۴/۱/۵/۲/۵. حذف پزنده باکیفیت غذا در فرایند تولید؛ پنجمین اشکال تولید صنعتی غذا

دلالت دیگری هم مثل پزنده غذا وجود دارد. اگر پزنده غذا خرد باشد؛ مادر شما باشد، برادر شما باشد. مثلاً وقتی شما یک جایی مهمان هستید فامیل شما برای شما غذا درست می‌کند و خیلی مواظب است که غذا با کیفیت باشد. بنابراین اگر پزنده غذا خرد باشد، غذا باکیفیت می‌شود. اما اگر یک کسی مغازه ساندویچی دارد در کنار مثلاً حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)؛ روزانه مثلاً دو هزار ساندویچ باید بفروشد. در اینصورت غذا چه کیفیتی خواهد داشت؟ مثلاً آن روغنی که غذا را در آن طبخ می‌کند [چه کیفیتی خواهد داشت؟!]. آنوقت این مشکلات با نظارت‌های بهداشتی که حل نمی‌شود؛ شما اگر تولید غذا را متمرکز کنید، حتماً کیفیت غذا پایین خواهد آمد. نظارت هم یک شعار است! بله؛ جلوی موارد فاحش آن را می‌گیرید ولی در خیلی از موارد غذا بی‌کیفیت طبخ خواهد شد. پس به دلیل اینکه پزنده غذا برای ما مهم است که چه کسی باشد؟ مادرم باشد؟ فامیل ما باشد؟ باز با تولید غذای صنعتی مخالف هستیم. عرض کردم که شش دلیل است.

۴/۱/۵/۳. کاهش تدریجی ۶۰ درصد از تبادلات مالی در صورت کنارگذاشتن تولید صنعتی غذا؛ راهکاری برای کاهش تبادلات در

تجارت بین‌الملل

حالا شما در این فضا - که من تفصیلی هم بحث نکردم - با مردم به صورت اقناعی صحبت کنید و این ۶-۵ دلیل را برای مردم بشکافید و بگویید سلامت در پی دارد، آلودگی محیط زیست از بین می‌رود، کیفیت غذا افزایش پیدا می‌کند و همه اینها را بحث کنید؛ آنوقت مردم قانع می‌شوند که بروند به سمت تولید غذای خانگی و محلی. وقتی این اقناع به وجود بیاید چه اتفاقی می‌افتد؟ ۶۰ درصد تبادلات جهانی و ۶۰ درصد صادرات و واردات کاهش پیدا می‌کند. بنابراین دعوی ما در ۴۰ درصد باقیمانده می‌شود که

اقلام صنعتی و نظامی و... هستند. پس باز دغدغه تبادل در مساله پول پیدا نمی‌کنیم. لذا مهم‌ترین سرفصلی که در این جلسه - البته بعد از بحث مبانی نظری - روی آن تاکید می‌کنم این است که: نسبت پول با تجارت بین‌الملل، نسبت پول با عقود مبادله، نسبت پول با بازار در اسلام، نسبت پول با الگوی تولید غیرمتمرکز و نسبت پول با طبقه‌بندی مشاغل باید بحث شود. کآن پول از این ۵ مساله‌ای که ذکر کردم در عینیت تاثیر می‌پذیرد. اگر ما در بحث‌های کارشناسی گفتیم که: پول طلا می‌خواهیم، ولی این اقرار پول (و مباحث حول پول) را بحث نکردیم؛ نباید انتظار داشته باشیم که جامعه حرف ما را بپذیرد. حرف بنده این است و این اشکالی است که بر دوستان خودم دارم. بله؛ می‌رویم ۱۰ دسته روایت می‌آوریم و استظهار می‌کنیم و می‌گوییم: پول در اسلام مال است. این حرف درستی است و بحثی هم در آن نیست؛ ولی نکته فنی بحث این است که وقتی درایه می‌کنیم می‌بینیم که پول تحلیل سطح چهارم است و آن تحلیل‌های بالادستی بر آن تاثیر دارد. این بحثی بود که بعدا ان شاء الله ادامه می‌دهیم.

بنده قبلا یک یادداشتی منتشر کردم که ما ۱۲ دسته مساله مرتبط با پول داریم که اینها همه باید بحث شود. که این خودش می‌شود یک دستگاه اقتصادی دیگر، یک مکتب اقتصادی دیگر و یک نگاه اقتصادی دیگر. که امیدوارم که خدا توفیق بدهد و بتوانیم آن را تفصیلا توضیح بدهیم. این هم یک مساله.

۵. سرفصل چهارم: چالش‌های اجرای پول غیر اعتباری چیست؟

و اما مساله آخر: چالش‌های اجرای پول طلا و پول غیر اعتباری چیست؟ حالا با توجه به بحث‌هایی که گفتم خیلی روشن شد. به ما می‌گویند: ما می‌خواهیم تامین مالی پروژه‌های بزرگ را ببینیم. حالا کسی که ساختار فقه‌المکاسب^{۵۸} را خوانده باشد، دیگر نمی‌گوید که من پروژه‌های تولیدی بزرگ دارم. لااقل در ۶۰ درصد قضایا - که مربوط به بخش غذاست - این حرف را نمی‌زند. تازه من معتقدم که در بخش صنعتی هم باز می‌شود بنگاه‌های خرد و کوچک را ایجاد کرد. که آقای قاضی‌زاده هاشمی در انتخابات می‌گفتند: ۳۷ راه وجود دارد برای تامین مالی پروژه‌ها وجود دارد و البته توضیح کامل هم ندادند. من سوالم از ایشان این است که: آیا منظور شما تولید صنعتی بزرگ است؟ یا پروژه‌های تولیدی و اقتصادی کوچک و خرد؟ خیلی تفاوت است. پروژه‌های شما چه بافتی دارد؟ وقتی بافت آن کوچک باشد، با قرض الحسنه هم می‌توان آن را تامین اعتبار کرد، با وقف هم می‌شود آن را تامین اعتبار کرد، با انفال هم می‌شود. می‌بینید ما در حوزه علمیه به کجا بحث را باخته‌ایم؟! به اینکه هیچوقت به لحاظ فکری نرفته‌ایم به این سمت که تمرکز کنیم که ببینیم تولید متمرکز را بپذیریم یا نپذیریم؟ و روی آن اجمالا هم بحث نکرده‌ایم، تفصیلا که هیچ! بعد شما در آن فرض می‌آید و دو چیز را بحث می‌کنید. فقهاء ما در قدیم عقود را بحث می‌کردند. که این بانکداری دهه شصت اسلامیت را به جریان عقود می‌داند. دوستان جدیدی هم دارند پول طلا را بحث می‌کنند مثل مرحوم آیت‌الله حائری و دیگران؛ هیچوقت نیامدند پروژه‌های کلان، الگوی تولید، طبقه‌بندی مشاغل و الگوی توزیع را به چالش بکشند.

۵/۱. تامین مالی پروژه‌ها؛ اولین چالش اجرایی پول غیر اعتباری

بنابراین وقتی ما در جلسه‌ای می‌رویم (و همچنین در مناظره معروفی که دوستان فاضل ما با مرحوم آقای موسویان داشتند) یکی از اصلی‌ترین شبهات بر سر همین است که ما فرض تامین مالی پروژه‌ها را چه کار کنیم؟ شما وقتی تامین مالی پروژه‌ها را دارید باید حتما "بورس" راه‌اندازی کنید، و بورس هم پول همه مردم را جمع کند و هدایت کند به سمت بخش تولید. بعد آنوقت یک دولتی هم

۵۸. **ارجاع پژوهشی:** کتاب "فقه‌المکاسب" شامل ۵ سرفصل از ۱۵ سرفصل مباحث فقه‌المکاسب می‌باشد. عنوان این ۵ سرفصل عبارتند از: طبقه‌بندی مشاغل، الگوی تولید (اصول حاکم بر مدل تولید)، الگوی تجارت و بازار (ویژگی‌های فقهی بازار)، قواعد مبادله در حوزه تولید و بازار (شامل مباحثی حول ابزار مبادله (تعریف پول در اسلام)، اختیار مبادله (تسعیر اختیاری) و عقود در اسلام)، و تجارت بین‌الملل.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

پیدا می‌شود و بودجه‌اش کم می‌شود و به شرکت‌های دولتی می‌گوید که شما از بورس خارج شوید، و یکدفعه ارزش کل بورس سقوط می‌کند و شاخص‌ها قرمز می‌شود و مردم همه ضرر می‌کنند. ببینید! اینها همه واقعا پیچیدگی‌هایی است. فقیه زبردستی بالای سر ما هست ایشان می‌فرمودند: ما آنوقتی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی بودیم فکر می‌کردیم با کارهای ساده می‌شود بحث‌ها را جلو برد، ولی حالا به مرور متوجه شده‌ایم که خیلی پیچیده است (مثلا ایشان مثال سربازی و صنعت و... را می‌زدند). ما سعی داریم این حرف آیت‌الله خامنه‌ای شرح پیدا کند که این پیچیدگی‌ها چیست؟ بله؛ پول‌طلا پول اسلام است ولی بخشی از پیچیدگی‌هایش این است که شما باید تاثیر مجموعه بخش‌های دیگر اقتصاد و پول را تحلیل کنید. با صرف گفتن پول طلا و اینکه مصوبه‌ای در مجلس بگذرانیم و بگوییم پول رسمی ایران پول طلا شده است؛ ممکن است یک عده‌ای قانونا بتوانند مبادله خرد انجام بدهند، ولی آیا کل اقتصاد تحت تاثیر قرار می‌گیرد؟! اساسا وقتی قرار است دو بنگاه بزرگ در داخل ایران با هم مبادله کنند (من وقتی بعضی وقت‌ها عددهای اینها را در برخی دفاتر حسابداری می‌بینم اصلا برای ماهایی که یک زندگی ساده‌ای داریم قابل شمارش نیست!) خب؛ به آنها حق بدهید که بگویند: من این همه عدد بزرگ را چگونه با پول طلا جابجا کنم؟! اما اگر شما فضا را برگردانید، مساله حل خواهد شد.

۵/۱/۱. تبدیل ۶۰ درصد از پروژه‌های کلان تولیدی به پروژه‌های خرد؛ راهکاری برای حل چالش تامین مالی پروژه‌ها

پس یک چالش تامین مالی پروژه‌ها بود. من عرض کردم که پروژه‌های کلان ما از نصف کمتر می‌شود. اشکالی هم ندارد؛ ما الان در دوران گذار هستیم. ما ۶۰ درصد پروژه‌های تولیدی‌مان را خرد می‌کنیم و تامین اعتبارش را هم از ساختار بودجه‌ریزی خودمان تامین می‌کنیم. ۴۰ درصد باقیمانده را هم خود شما با نظر خودتان حل کنید؛ عیبی ندارد. چون نظام‌سازی تدریجی است. اما اگر بتوانیم ۶۰ درصد بازار ایران را در ظرف ۱۰ سال به پول‌طلا برگردانیم؛ می‌توانید مقایسه کنید و ببینید که چقدر مردم آسایش پیدا خواهند کرد، و چقدر زندگی آنها راحت‌تر خواهد شد.

۵/۲. تبادلات بین‌المللی؛ دومین چالش اجرایی پول غیراعتباری

یک چالش دیگر تبادلات بین‌المللی است که این را هم توضیح دادم و در خلال بحث‌های قبل واضح شد. تبادلات بین‌المللی در حوزه غذا و لباس خیلی کم خواهد شد؛ مگر آن چیزهایی که نتوان در داخل روی آنها بحث کرد. (من نمی‌دانم شما چه مقدار با اقلیم ایران آشنا هستید. ایران به لحاظ طبیعی دارای یک اقلیم نیست؛ نزدیک به ۱۰ اقلیم است. یعنی شما در داخل ایران می‌توانید در همه فصل‌های سال تولید کشاورزی داشته باشید، تولید دامداری داشته باشید. فضا خیلی فضای خوبی است. که در استراتژی کشاورزی باید آن را بحث کنیم.)

۵/۲/۱. تولید خانگی و محلی غذا و ایجاد مشاغل خرد؛ راهکاری برای حل چالش تبادلات بین‌المللی

بنابراین تبادلات بین‌المللی در حوزه غذا کاهش پیدا می‌کند. خصوصا اگر شما قبول کنید که غذا ابزار بیوتورریسم است. اگر این را بپذیرید که از نظر استراتژی امنیت ملی آمریکا سلاح سه چیز است: یکی سلاح‌های مرسوم، یکی دارو، یکی غذا! آنوقت دیگر حتما می‌توانید با مردم تفاهم کنید که باید تولید ملی غذا داشته باشیم. تولید ملی غذا آن هم نه به نحو متمرکز، بلکه به نحو خانگی و محلی. آن شش دلیل [برای ناکارآمدی تولید صنعتی] را وقتی بحث می‌کنیم، این دلیل آخر که غذا را به عنوان بیوتورریسم تحلیل کنیم؛ میخی است بر تابوت تولید صنعتی غذا! بنابراین ما مشکل تبادلات بین‌المللی هم پیدا نمی‌کنیم. لاقلا در مسائل روزمره مردم می‌توانیم از همین مسیر استفاده کنیم و دیگر این پیچیدگی‌ها را نمی‌بینند؛ البته یک نظام پولی و مالی دیگری طراحی خواهد شد. حتما بانک نخواهد بود. من معتقدم که اصلا چیزی به اسم "بانک اسلامی" نداریم. دوستانی که بانک غیر ربوی را مطرح کرده‌اند؛ به لحاظ موضوع‌شناسی ساختار اقتصاد اسلامی را درست تصویر نکرده‌اند. حالا اینها یک بحث‌های کارشناسی است. یک

تلاش‌هایی هم که در حوزه بانکداری است؛ اشکالاتش همین است. یعنی از یکسو دوستان بقیه ساختار اقتصاد را تصویر نمی‌کنند، تبادل مالی بزرگ را نمی‌توانند حذف کنند. اگر شما تبادل مالی کلان داشته باشید، حتما باید "بانک"^{۵۹} را بپذیرید. بانک را هم پذیرفتیم، یک جوری هم باید آن را اسلامی کنیم! برخی از دوستان جدیداً می‌خواهند "هوش مصنوعی" را اسلامی کنند! الحمدلله در این چهار دهه بانک هم اسلامی شد، دانشگاه آزاد اسلامی و... خیلی از این کارهای اسلامی شدن را ما انجام دادیم! و قبول هم داریم که در این مساله موفق بوده‌ایم! لذا اشکال ما به آن لایحه‌ای که در مجلس است این است که جناب حجت‌الاسلام آقای بحرینی و سایر دوستان که خیلی تلاش می‌کنند نمی‌خواهند اصلاحات را در طبقه‌بندی مشاغل و الگوی تولید و بازار ایجاد کنند؛ لذا بانک هم باقی می‌ماند. بله؛ ما نهاده‌های واسطه تامین مالی داریم؛ ولی حتماً آن بانک نخواهد بود. که حالا باید تاملی هم انجام بدهیم که کدام اسم را که در آیات و روایات و سابقه دینی ما هست انتخاب کنیم که الان وقتش نیست. عمده بحث این است که یک درکی پیدا کنیم که می‌خواهیم چه کار کنیم. خوب؛ این هم از مساله تبادلات بین‌المللی.

پس عرض ما تمام شد. من چهار پرسش را حول مساله پول مطرح کردم: ۱- تعریف سود از نگاه دین چیست؟ و تاثیرش بر پول چیست؟ اگر پول و ثروت را محدود کنیم به ارزش افزوده، یک مسیر را در پول طی خواهیم کرد و اگر بگوییم که سود ارتباطی است، یک مسیر دیگری را. ۲- پول اعتباری نسبت به سود ارتباطی مانع ایجاد می‌کند؛ چون اعتباردهندگان به پول، دارند بر اموال مردم سلطه ایجاد می‌کنند و آنها مصون از خطا نیستند. این هم سرفصل دوم بود. بنابراین با تنظیم روابط انسانی پول واقعی و پول دارای مالیت و به تعبیر دوستان پول طلا بهتر تناسب دارد. ۳- ساختار سوم بحث امور و مسائل موثر بر پول بود که این بحث در کارهای فقهی قبلی که دوستان انجام داده‌اند دیده نشده بود و به نظر من باید بعداً راجع به آن یک مباحثه‌ای انجام بدهیم. و چالش‌های اجرایی پول طلا را هم که اشاره کردم. این مجموعه عرائض بنده بود و از اینکه تصدیق کردم و مزاحم شدم عذرخواهی می‌کنم.

والحمدلله رب العالمین

۵۹. ارجاع پرورشی: بانک (Bank): موسسه‌ای است برای وام دادن، وام گرفتن، صدور و نشر اسکناس یا نگهداری پول. خصوصیت اساسی اقتصادی بانک ایجاد اعتبار است. بانک ممکن است به صورت شرکت یا شخصی باشد. امتیاز و اجازه بانک را دولت اعطا می‌کند.

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: اعتراضات مراجع معظم تقلید به سیستم بانکی کشور

حضرت آیت‌الله جوادی آملی:

ایرنا؛ ۴ فروردین ۹۷ - آیت‌الله جوادی آملی با انتقاد از عملکرد برخی بانکها و اخذ دیرکرد از تسهیلات اعطایی خاطر نشان کرد: این اقدام بانکها ریاست و با آموزه‌های قرآن، پیامبر اکرم و ائمه معصومین مغایرت دارد.

ایکنا؛ ۱۵ فروردین ۹۷ - قرآن، شیطان را مستکبر معرفی کرده ولی من به خاطر ندارم محاربه به شیطان نسبت داده شود؛ ولی فرمود بانکهای ربوی محارب هستند، بنابراین شما دائماً بگویید سال اشتغال و تولید، ولی تا سرمایه غیر ربوی نباشد درست نخواهد شد. تسنیم؛ ۲۴ فروردین ۹۷ - طبق بیان قرآن کریم، ربا و بانکداری ربوی سبب آبروبری است که ما به آن دچار هستیم، از طرف دیگر سرمایه‌های کشور با سوء مدیریت به بخش مسکن هدایت شد که نتیجه و حاصل آن تولید مسکن‌های انبوهی است که خالی افتاده‌اند.

این مفسر قرآن کریم ادامه داد: شما ببینید چرا قرآن رباخوار را دیوانه می‌داند؟ اینها سالیان متمادی درس خواندند، کیفیت سود، کیفیت درآمد، کیفیت وام دادن، کیفیت وام گرفتن، را آموختند تا شدند متخصص فن بانکداری ربوی! اینها در رشته خود عالم هستند. اما در سوره مبارکه «بقره» فرمود: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ، می‌فرماید این مخبطنه [دیوانه‌وار] دارد زندگی می‌کند، چون حرف خدا و پیغمبر را گذاشته زمین، و دنبال سود حرام رفته است.

حضرت آیت‌الله نوری همدانی:

ایلنا؛ ۷ اردیبهشت ۹۷ - وی به تعطیلی برخی کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کشور اشاره کرد و گفت: به نظرم مهمترین عامل تعطیلی کارخانجات و واحدهای تولیدی سیستم ربوی بانک‌هاست. بسیاری از بانک‌ها در ابتدا تسهیلاتی در اختیار برخی از کارخانه‌ها قرار می‌دهند اما بعد از مدتی به گرفتن سود و حتی دیرکرد از تسهیلات داده شده اقدام می‌کنند در حالی که دیرکرد اقساط توسط بانک‌ها ربا محسوب می‌شود که مهمترین عامل ناتوانی اقتصادی است.

وی با بیان اینکه در هفت جای قرآن کریم مساله ربا مطرح و مورد نکوهش قرار گرفته است، گفت: بارها گفته‌ایم که گرفتن دیرکرد توسط بانک‌ها نوعی ریاست و امیدواریم وزارت رفاه، کار و تعاون اجتماعی با هدف کمک واحدهای تولیدی برای رفع این مشکل اقدام کنند.

آیت‌الله نوری همدانی با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غربی باید متفاوت باشد، گفت: در کشورهای غربی تمرکزشان روی همین بانک‌های ربوی است تا بتوانند ۹۹ درصد جامعه را زیر سیطره یک درصد ثروتمند قرار دهند. تازه بیشتر امتیازاتشان برای کارخانه‌های اسلحه‌سازی است اما ما نباید به سمت بانک‌های ربوی حرکت کنیم.

تسنیم؛ ۲۴ شهریور ۹۷ - آیت‌الله نوری همدانی تصریح کرد: حوزه علمیه قم همیشه در کنار دانشگاه بوده و است و دشمنان اسلام سعی می‌کنند حوزه علمیه و انقلاب را ناکارآمد نشان دهند درحالی‌که این مسئله درست نیست، خیلی از اوقات نیز حرف‌های بزرگان حوزه پخش نمی‌شود به همین جهت مردم فکر می‌کنند که ما مطالبه‌گر نیستیم؛ به عنوان مثال بارها تأکید کرده‌ایم که اخذ دیرکرد توسط بانک‌ها حرام است ولی یا به گوش مسئولان نمی‌رسد و یا می‌رسد ولی عمل نمی‌کنند.

مهر؛ ۲ بهمن ۹۷ - وی خاطر نشان کرد: در چند سال اخیر بارها گفتیم که دیرکرد حرام است و دیرکرد ربا به شمار می‌رود، اما باز هر روز مردم به من نامه می‌نویسند که در بانک‌ها از آن‌ها دیرکرد گرفته می‌شود.

رسا؛ ۱۵ اسفند ۹۷ - گاهی اسم ربا را تغییر می دهند و آن را پیگیری می کنند، قرض با زیادت در هر صورت ربا است و گاهی با عنوان اوراق قرضه و مشارکت چنین مسأله ای را طراحی می کنند .

رسا؛ ۲۲ اسفند ۹۷ - حضرت آیت الله حسین نوری همدانی امروز در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با بیان این که بانکداری در نظام اسلامی باید بدون ربا باشند، گفت: متأسفانه امروز ربا به اشکال مختلف در نظام بانکی مشاهده می شود، در حالی که ربا از شدیدترین گناه ها و مشی غریبی ها است و نباید در جامعه و نظام اسلامی وجود داشته باشد. وی افزود: باید ماهیت بانک ها تغییر کند و رباخواری برچیده شود، بانک بدون ربا این است که پول برای خود انسان باشد و به عنوان اعتماد به بانک سپرده شود تا در جریان اقتصادی حلال و صحیح مورد استفاده قرار گیرد نه این که بانک ها بنگاه اقتصادی راه اندازی کنند و ربا وجود داشته باشد.

حضرت آیت الله نوری همدانی با تأکید بر تسریع در رفع اشکالات نظام بانکی و رفع دغدغه های مردم و بزرگان اظهار داشت: ۴۰ سال از انقلاب گذشته و هنوز وضعیت بانک ها سامان پیدا نکرده است، علما باید در رسانه ها و تلویزیون مردم را نسبت به مسائل بانکی توجیه کنند تا خواسته و ناخواسته دچار ربا نشوند.

وی ادامه داد: متأسفانه هیچ فکری برای بانکداری بدون ربا نشده است در حالی که مسؤولان مربوطه باید در این زمینه اهتمام داشته باشند، بانک های جامعه اسلامی نباید دنباله رو غرب باشند، کمیسیون اقتصادی مجلس باید بانکداری اسلامی بدون ربا را تصویب و دولت آن اجرایی کند.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم ابراز داشت: در گزارش کمیسیون اقتصادی آمده که قرار است بانکداری بدون ربا را تصویب کنند اما این طرح کامل و دقیق نیست و باز هم اشکالاتی دارد.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

مهر؛ ۲۲ اردیبهشت ۹۷ - بعضی بانک ها قرض الحسنه ۲۸ درصدی می دهند، یعنی چه؟ نام ربا خواری را به دروغ، قرض الحسنه می گذارند، درست نیست.

رسا؛ ۸ آذر ۹۷ - وی افزود: برخی می گویند ما ازدواج کردیم اما آرامشی ندیدیم، در جواب اینها باید گفت ازدواج شما مبتنی بر آموزه ها و اخلاق اسلامی نبوده است، به چند دلیل؛ دلیل نخست توقعات زیاد. فرد به دلیل توقعات زیاد مجبور به گرفتن وام شده و در بازپرداخت اقساط آن دچار مشکل می شود آن هم با وضعیت کنونی بانک ها که می دانید چه بلایی سر مردم در می آورند. این مرجع تقلید افزود: بانک ها وام با سودهای کلان به مردم پرداخت می کنند، اگر فرد در پرداخت اقساط تاخیر کرد، جریمه دیرکرد می گیرند و باز بر همان جریمه هم جریمه مضاعف می گیرند.

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - بانک ها وام قرض الحسنه ای که می دهند قطعاً خلاف شرع است، چهار درصد حق الزحمه را تعیین کردیم که بانک ها با یک زرنگی بیش از این میزان را از مردم دریافت می کنند که میزان آن به ۲۰ درصد رسیده و نوعی رباخواری آشکار محسوب می شود .

پایگاه مرجع عالیقدر؛ ۲۲ بهمن ۹۷ - معظم له با انتقاد از سیستم بانکی کشور، تصریح کردند: بانک ها با وضعیتی که ایجاد کرده اند، مردم را بیچاره کرده و به خاک سیاه نشانده اند؛ به اسم تسهیلات قرض الحسنه و به جای این که چهار درصد کارمزد برای طول دوره بازپرداخت تسهیلات دریافت کنند، هر سال ۴ درصد دریافت می کنند و در پایان سال پنجم بیست درصد سود از باقیمانده از مردم دریافت می کنند، این رباخواری آشکار است که به نام قرض الحسنه انجام می شود .

حضرت آیت الله مظاهری:

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

حوزه‌نیوز؛ ۱۷ دی ۹۷ - آیت الله العظمی مظاهری گفتند: متأسفانه در زمان حاضر، رباخوردن و ربا دادن عادی شده و بعضی مثل اینکه بخواهند با حیل‌های شرعی موش را آب بکشند و بخورند، ربا می‌خورند.

حضرت آیت الله سبحانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با بیان اینکه دیرکرد بانک‌ها ربا محسوب می‌شود، گفت: هم اکنون استفتائات رسیده به دفتر مراجع و علما مربوط به عملکرد بانک‌ها در زمینه تسهیلات بانکی است.

حضرت آیت الله علوی گرگانی:

تسنیم؛ ۲ بهمن ۹۷ - مرجع تقلید شیعیان با انتقاد از بی‌توجهی نسبت به اصلاح سیستم بانکی و حذف پدیده تأسّف ربا گفت: پدیده زشت ربا سبب شده تا مردم چند برابر وامی که دریافت می‌کنند بازپرداخت به بانک‌ها تحویل بدهند، ربا و دیرکرد باید از سیستم بانکی حذف شود.

حوزه‌نیوز؛ ۹ بهمن ۹۷ - این مرجع تقلید گفتند: موضوع دیگر در حال حاضر، مسئله بانکداری است که بسیار مهم است. اکثر استفتائاتی برای ما می‌آید در مورد طلاق و بانکداری است، مسئله بانکداری باید به صورتی که حقیقی باشد، انجام شود. معظم له ادامه دادند: خدا شهید آیت الله صدر را رحمت کند که کتابی در مورد بانک ربوی و... نوشت، ولی این سبک در ایران قابل پیاده و اجرا شدن نیست، ولی فکر خوبی است، مسئله بانکداری را باید در کشور حل کرد. ایشان افزودند: این همه ربا در کشور، برکات را از بین خواهد برد. بسیاری از کسانی که گرفتار زندان هستند، به دلیل همین سود بانکی است.

استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم با بیان این که درصد و جریمه گرفتن از مردم به ویژه در این شرایط بد اقتصادی کار اشتباهی است.

آدرس مطلب: خبرگزاری تسنیم

<https://bzn.ir/۱۵۰۱۳۲>

پیوست شماره ۲: توضیح بیشتر در مورد سود ارتباطی

افزایش سود اقتصادی؛ ملاک انتخاب شغل در نظام اقتصادی سرمایه داری

در مشاغل موجود ارزش مطلق ایجاد ارزش افزوده است؛ یعنی وقتی کسی رشته اقتصاد را بحث می‌کند، ارزش مطلق در همه مفاهیمی که در حوزه اقتصاد مطرح شده است این است که ربح و سود - به معنای ارزش افزوده - ایجاد شود و این اصلاً مبنای تجارت و تولید است. در کشورهای توسعه‌یافته و در بازارهای کارِ فعلی کار به جایی رسیده که ایجاد ارزش افزوده به قیمت نفی همه ارزش‌های دیگر بشر در دستور کار قرار گرفته است؛ یعنی مثلاً وقتی ارزش بخش خدمات و بخش صنعت جوامع توسعه‌یافته را به تفکیک ارزیابی می‌کنید، موارد متعددی را پیدا خواهید کرد که بعضی از کالاها تولید می‌شوند، بعضی از خدمات ارائه می‌شوند، فقط و فقط به خاطر اینکه ارزش افزوده ایجاد کرده‌اند. در حالی که آن ارزش افزوده‌ای که مثلاً از ناحیه تجارت الکل - که یک تجارت مفصل است - به دست می‌آید، یا از ناحیه تجارت اعضای بدن انسان‌ها به دست می‌آید و یا از ناحیه خدمات حوزه فحشا در صنعت توریسم به دست می‌آید، نافی ده‌ها مفهوم ارزشی مرتبط با حوزه روابط انسانی است. بنابراین ما وقتی در حوزه فقه مکاسب مباحثات خودمان را از بحث طبقه‌بندی مشاغل شروع می‌کنیم، در واقع به یک معیارهای جدیدی توجه می‌دهیم و قصد

داریم معیارهای جدید حاکم بر حوزه کسب که در فقه و حدیث ما مطرح شده است را در نهایت با معیارهای موجود حاکم بر استارت آپ‌ها و بازار فعلی و سنجه‌های حوزه کار مقایسه کنیم. پس این، دلیل ورود ما به پرداختن به مسئله طبقه‌بندی مشاغل است و این را نقطه آغازین بحث دانسته‌ایم تا نظام ارزش‌های حاکم بر حوزه کار و بر حوزه اقتصاد و معیشت را تفاهم حداکثری کنیم...

افزایش سود ارتباطی بر اساس چهار دسته روایات و آیات در حوزه مکاسب؛ ملاک انتخاب شغل در مکاسب جدید

در فقه شیعه در مجموع در حوزه طبقه‌بندی مشاغل، با چهار دسته روایات و آیات روبه‌رو هستیم؛ یعنی با بررسی چهار دسته از آیات و روایات می‌توانیم طبقه‌بندی حوزه مشاغل و مفاهیم حاکم بر مشاغل صحیح را در نظام ارزشی اسلام به دست بیاوریم. ... در مجموع آنچه من می‌خواهم امروز بر روی آن تکیه کنم، این است که از مجموع این چهار دسته روایت که به محضران خواندم، یک ملاک و مناطی به دست می‌آید و آن هم مسئله «سود ارتباطی» است که باید در حوزه مشاغل و مکاسب ما حاکم باشد؛ یعنی هم دسته اول روایات که به نحو عام بحث می‌کرد، کاملاً در این وضوح داشت که مسئله سود ارتباطی، مفهومی حاکم بر حوزه مشاغل است. برای نمونه آنجا که فرمود: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حَلَالٍ كَالْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» این روایت به وضوح، بهینه شدن روابط انسانی را در حوزه خانوادگی محل بحث قرار می‌دهد. همچنین آن روایتی که فرمود: «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصَ الْعَقْلَ» به علاوه روایاتی که می‌فرماید: «مدارا نصف عقل است» در واقع ما را به مسئله حکومت سود ارتباطی در حوزه تجارت و بیع، رهنمون می‌کند! همچنین آن روایتی که فرمود: «لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ» باز مطرح کننده سود ارتباطی است؛ یعنی دین که عامل فلاح انسان‌هاست، نباید ابزار کسب و اکتساب شما قرار گیرد. همچنین آن روایتی که فرمود: «فرزندت را بیاع طعام قرار نده [چرا که لاجرم مبتلا به احتکار می‌شود] «فَأِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ» مسئله احتکار ظهور در بهینه شدن روابط انسانی دارد. یا مثلاً روایتی که فرمود: «لَا تُسَلِّمُهُ بِيَّاعَ الْأَكْفَانِ» فرزندت را فروشنده کفن قرار نده در معلل آن آمده است که فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسُرُّهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ» صاحب کفن از مرگ دسته جمعی افراد خوشحال می‌شود.

در مجموع، همه روایاتی که خواندیم به نحو مستقیم یا غیر مستقیم ما را به مسئله سود ارتباطی دلالت می‌دهند. این آن بحثی است که الان خواستم محضر شما مطرح کنم. پس ما مفهوم عامی را از این روایات استفاده می‌کنیم و آن مفهوم عبارت از این است که ما در حوزه کسب، ارزشی به نام سود ارتباطی داریم. سود ارتباطی را در مباحثات نظریه تعریف بحث کرده‌ایم که در سیزده حوزه دارای استظهار است. البته با تلاش فقهی محدودی که ما انجام داده‌ایم و احتمالاً در حوزه‌های دیگر نیز بتوان آن را اضافه کرد ولی به هر حال فارغ از اینکه سود ارتباطی ممکن است در یکی از این ساختارهای سیزده گانه موضوعیت پیدا کند، اصل آن یک مفهوم قابل توجه و قابل فهم است که ما در طراحی الگوی تولید و توزیع و تفاهم حوزه مشاغل می‌توانیم از آن استفاده کنیم.

بخشی از جلسه دوم از دوره پژوهشی "فقه‌المکاسب"، از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

پیوست شماره ۳: جایگاه ارزش افزوده در اقتصاد موجود

با توجه به اینکه GDP مهم‌ترین شاخص ارزیابی اقتصاد برشمرده می‌شود [۱] و در تعریف آن، مسئله «ارزش افزوده» اخذ شده است [۲] می‌توان با قطعیت بیان داشت که مفهوم ارزش افزوده، زیرساخت بنیادین علم اقتصاد مدرن بوده و رشد آن، هدف غایی این فن پوزیتیویستی برشمرده می‌شود.

[۱] The GDP growth rate is probably the single best indicator of economic growth

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی احتمالاً بهترین شاخص رشد اقتصادی است.

منبع: دانشنامه سرمایه‌گذاری و آموزش امور مالی Investopedia

آدرس مطلب: yon.ir/5xslp

[۲] Gross Domestic Product (GDP) is the total monetary or market value of all the finished goods and services produced within a country's borders in a specific time period. As a broad measure of overall domestic production, it functions as a comprehensive scorecard of the country's economic health.

تولید ناخالص داخلی (GDP) کل ارزش پولی یا بازار کلیه کالاهای تمام شده و خدمات تولید شده در مرزهای یک کشور در یک بازه زمانی خاص است. این متغیر جهت اندازه‌گیری گسترده تولید داخلی، به عنوان یک کارت امتیازی جامع برای سلامت اقتصادی کشور عمل می‌کند.

منبع: دانشنامه Investopedia

آدرس مطلب در: yon.ir/erKDi

پیوست شماره ۴: توصیه فراوان آیات و روایات به "قرض الحسنه"

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ. (سوره مبارکه حدید، آیه ۱۱)

کیست که به خدا وامی نیکو دهد تا خدا آن را برای او دو چندان کند و او را پاداشی نیکو و باارزش باشد؟

پاداش قرض الحسنه:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو الصَّيْنِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَيْسَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيِّ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَا حَظَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ حُطْبَةٍ حَظَبَهَا بِالْمَدِينَةِ... مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفًا فَأَحْسَنَ طَلَبْتَهُ اسْتَأْتَفَ الْعَمَلُ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دَرَاهِمٍ أَلْفَ قِنْطَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِرَحْمَتِهِ فَفَالَ بِهَا الْجَنَّةُ وَ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ...

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطبه عمر شریفشان فرمودند: ... هر کس به اندوهگینی [که مالش را از دست داده] وام (قرض) دهد و در پس گرفتن آن مراعات کند، عمل را از نو شروع کرده است (گناهانش پاک شده) و خداوند به ازای هر درهم، هزار قنطار (صد رطل) از [درهم] بهشت به او عطا کند. و هر کس گرفتاری‌ای از گرفتاری‌های دنیا را از برادر مومنش را برطرف کند خداوند به او نظر رحمت افکند پس به وسیله آن به بهشت می‌رسد و خداوند گرفتاری‌های دنیا و آخرت او را برطرف می‌کند...

مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص ۲۸۹ / أعلام الدين (ديلمی)، ص ۴۲۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۸

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ التَّضَرِّعِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا قَرْضًا يَنْتَظِرُ بِهِ مَيْسُورَهُ كَانَ مَالُهُ فِي زَكَاةٍ وَكَانَ هُوَ فِي صَلَاةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُؤَدِّيَهُ إِلَيْهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: هر کس به مؤمنی قرض دهد و در انتظار گشایش کار او باشد آن مال ثواب زکات خواهد داشت، و فرشتگان همواره بر او درود می‌فرستند تا آنکه قرض‌گیرنده مال او را ادا کند. (ترجمه انصاری)

مصدر اصلی: ثواب الأعمال، ص ۱۳۸ / أعلام الدين (ديلمی)، ص ۳۹۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹ / وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۳۰

فضیلت و برتری قرض الحسنه بر صدقه:

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ التَّهْدِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبَابِ الْقَمَاطِ عَنْ شَيْخٍ كَانَ عِنْدَنَا قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: لَأَنْ أُقْرَضَ قَرْضًا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ [أَنْ] أَصْلَهُ [أَصْلًا] بِمِثْلِهِ وَكَانَ يَقُولُ مَنْ أَقْرَضَ قَرْضًا فَضَّرَبَ لَهُ أَجَلًا فَلَمْ يُؤْتْ بِهِ عِنْدَ ذَلِكَ الْأَجَلِ فَإِنَّ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِي كُلِّ يَوْمٍ يَتَأَخَّرُ عَنْهُ ذَلِكَ الْأَجَلُ مِثْلَ صَدَقَةِ دِينَارٍ وَاحِدٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ.

پیرمردی از راویان که نزد ما بود گفت: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: مالی را قرض دهم خوش‌تر دارم از اینکه آن را بیخشم. و می‌فرمود: هر کس مالی را قرض دهد و برای آن مدتی معین کند و قرض‌گیرنده نتواند آن را در سر آمد معین ادا کند، به هر روزی که آن را به تأخیر می‌افکند برای صاحب مال ثواب صدقه دادن یک دینار در هر روز خواهد بود. (ترجمه انصاری)

مصدر اصلی: ثواب الأعمال، ص ۱۳۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۲۹

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ قَاسِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ النَّبِيُّ ص: أَلْفُ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهَا مَرَّتَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ [أَنْ] أَتَصَدَّقَ بِهَا مَرَّةً وَ كَمَا لَا يَجِلُّ لِعَرِيْمِكَ أَنْ يَمُطَّلَكَ وَ هُوَ مُوسِرٌ فَكَذَلِكَ لَا يَجِلُّ أَنْ تُعْسِرَهُ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مُعْسِرٌ.

عبد الله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: هزار درهم را دو بار قرض دهم نزد من محبوب‌تر است از اینکه آن را یک بار با آنها صدقه دهم، و همان گونه که برای بدهکار تو روا نیست که ادای دین را در صورت قدرت به تأخیر افکند، برای تو نیز روا نیست که در صورت آگاهی از تنگدستی وی، او را تحت فشار قرار دهی.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۳۹

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ إِلَّا حَسَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَهُ بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرِجَعَ إِلَيْهِ مَالُهُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ مومنی نیست که به مومنی قرض بدهد و فقط خدا را در آن رعایت کرده باشد مگر اینکه خداوند برای او اجر صدقه حساب می‌کند تا اینکه مالش را به وی بازگرداند.

الكافي، ج ۴، ص ۳۴ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۵۸ / ثواب الأعمال، ص ۱۳۸

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَكْتُوبٌ عَلَيَّ بِأَبِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةِ وَ الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشَرَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بِخَمْسَةِ عَشَرَ.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

امام صادق (علیه السلام): بر بالای درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و در روایت دیگر: پانزده برابر.

الکافی، ج ۴، ص ۳۳ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸

الصَّدُوقُ فِي الْهَدَايَةِ، قَالَ الصَّادِقُ ع: مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَ الْقَرْضُ بِسِتِّينَ عَشْرًا وَ إِنَّمَا صَارَ الْقَرْضُ أَفْضَلَ مِنَ الصَّدَقَةِ لِأَنَّ الْمُسْتَقْرِضَ لَا يَسْتَقْرِضُ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ قَدْ يَطْلُبُ الصَّدَقَةَ مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَيْهَا
امام صادق (علیه السلام): بر درب بهشت نوشته شده است: صدقه ده برابر و قرض هجده برابر است. و همانا قرض برتر از صدقه است؛ چرا که کسی که قرض می گیرد فقط بخاطر نیاز این کار را انجام می دهد، ولی کسی که صدقه می گیرد گاهی اوقات از روی نیاز نیست.

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۴

کیفر قرض ندادن در صورت توان:

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَيْهِيُّ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْأَبْهَرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ الْعَلَابِيُّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ وَاقِدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: ... مِنْ حَاجَةٍ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ فِي قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ ...

امیرالمومنین (علیه السلام): ... هرکس برادر مسلمانش به او برای قرضی نیاز داشته باشد و او بتواند نیاز او را برطرف کند ولی انجام ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می کند ...

مصادر اصلی: من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵ / الأملی (للصدوق)، ص ۴۳۰

منابع دیگر: مکارم الأخلاق، ص ۴۳۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۸۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳۸

پیوست شماره ۵: نهی فراوان آیات و روایات از "ربا"

آیات قرآن:

أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۳۰)
ای اهل ایمان! ربا را که سودهای چند برابر است نخورید، و از خدا پروا کنید تا رستگار شوید. (ترجمه انصاریان)

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَجَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَ مَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۵)

کسانی که ربا می خورند [در میان مردم و برای امر معیشت و زندگی] به پای نمی خیزند، مگر مانند به پای خاستن کسی که شیطان او را با تماس خود آشفته حال کرده [و تعادل روانی و عقلی اش را مختل ساخته] است، این بدان سبب است که آنان گفتند: خرید و فروش هم مانند رباست. در حالی که خدا خرید و فروش را حلال، و ربا را حرام کرده است. پس هر که از سوی پروردگارش پندی به او رسد و [از کار زشت خود] بازایستد، سودهایی که [پیش از تحریم آن] به دست آورده مال خود اوست، و کارش [از

جهت آثار گناه و کيفر آخرتی] با خداست. و کسانی که [به عمل زشت خود] بازگردند [و نهی خدا را احترام نکنند] پس آنان اهل آتش‌اند، و در آن جاودانه‌اند. (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۵)

يَمْحُقِ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيهِ الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۶)
خدا ربا را نابود می‌کند، و صدقات را فزونی می‌دهد و خدا هیچ ناسپاس بزه‌کاری را دوست ندارد. (ترجمه انصاریان)

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۸)
ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن [واقعی] هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. (ترجمه انصاریان)

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ زُجُورٌ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۷۹)
و اگر چنین نکردید [و به رباخواری اصرار ورزیدید] به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید و اگر توبه کردید، اصل سرمایه‌های شما برای خود شماست [و سودهای گرفته شده را به مردم بازگردانید] که در این صورت نه ستم می‌کنید و نه مورد ستم قرار می‌گیرید. (ترجمه انصاریان)

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۸۰)
و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و بخشیدن همه وام [و چشم پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است. (ترجمه انصاریان)

روایات:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنِي عَمِّي الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو الصَّنِينِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَيْسَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَائِشَةَ السَّعْدِيَّ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَا حَطَبْنَا رَسُولَ اللَّهِ ص قَبْلَ وَقَاتِهِ وَ هِيَ آخِرُ حُطْبَةٍ حَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ... وَ مَنْ أَكَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ وَ إِنِ اكْتَسَبَ مِنْهُ مَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قِيْرَاطٌ ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ربا بخورد، خداوند شکم او را به اندازه ای که ربا خورده پر از آتش جهنم می‌کند. و اگر از آن مالی کسب کرده باشد، خداوند هیچکدام از اعمال او را قبول نمی‌کند و تا مادامی که قیراط (چیز اندکی) از آن مال ربا در نزد اوست دائماً خدا و فرشتگان او را لعن خواهند کرد...

مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص ۲۸۱ / جامع الأخبار (للسعيري)، ص ۱۴۵

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۲

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَشِيرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ عَلَّةِ تَحْرِيمِ الرِّبَا فَقَالَ: إِنَّهُ لَوْ كَانَ الرِّبَا حَلَالاً لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَاتِ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرِّبَا لِيَفِرَّ النَّاسُ مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَيَبْقَى ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

هشام بن حکم نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابا عبد الله علیه السلام راجع به علّت و سبب تحریم ربا پرسیدم؟ حضرت فرمودند: اگر ربا حلال می‌بود مردم تجارت را رها می‌کردند و نیازی به آن نداشتند، از این رو حقّ عزّ و جلّ ربا را حرام فرمود تا مردم از حرام دوری کرده و رو به تجارت و بیع و شراء آورند، پس ربا در قرض بین مردم باقی ماند.

مصادر اصلی: علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۸۲ / من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۰

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَاعَ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسْأَلِهِ: ... عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرَّبَا بِالتَّسَيُّةِ لِعَلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ وَ تَلْفِ الْأَمْوَالِ وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرَّيْحِ وَ تَرْكِهِمُ الْقَرْضَ وَ صَنَائِعِ الْمَعْرُوفِ وَ لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفُسَادِ وَ الظُّلْمِ وَ فَنَاءِ الْأَمْوَالِ.

امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به سوالات محمد بن سنان: ... علت تحریم ربا در نسیه دادن: بخاطر از بین رفتن معروف (قرض)، و تلف شدن مال، و اشتیاق پیدا کردن مردم به گرفتن سود از یکدیگر، و ترک کردن قرض دادن و کارهای خیر دیگر نسبت به یکدیگر، و بخاطر اینکه در ربا فساد و ظلم و از بین رفتن اموال انسانهاست.

مصادر اصلی: علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۸۳ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۰۰

پیوست شماره ۶: آیات و روایات در مورد تاثیر فراوان صدقه و انفاق در ازدیاد سود مادی

آیات قرآن:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۴۵)

کیست آنکه به خدا وام نیکو دهد، تا آن را برایش چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که [روزی را] تنگ می‌گیرد و وسعت می‌دهد و [همه شما برای دریافت پاداش] به سوی او بازگردانده می‌شوید (ترجمه انصاریان)

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

مَثَلُ أَنَانَ كَمَا أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۱)

روایات:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي الْجَهْمُ بْنُ الْحَكَمِ الْمَدَائِنِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص تَصَدَّقُوا فَإِنَّ الصَّدَقَةَ تَزِيدُ فِي الْمَالِ كَثْرَةً وَ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: صدقه بدهید؛ چرا که صدقه بر مال می افزاید؛ و خدایتان رحمت کند، صدقه بدهید.

الکافی، ج ۴، ص ۹

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَمِّهِ هَارُونَ بْنِ عَيْسَى قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِمُحَمَّدِ ابْنِهِ يَا بُنَيَّ كَمْ فَضْلَ مَعَاكَ مِنْ تِلْكَ التَّفَقَّةِ قَالَ أَرْبَعُونَ دِينَارًا قَالَ أَخْرَجَ فَتَصَدَّقْ بِهَا قَالَ إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مَعِيَ غَيْرُهَا قَالَ تَصَدَّقْ بِهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُخْلِفُهَا أَمَا عَلِمْتَ أَنْ لِكُلِّ شَيْءٍ مِفْتَاحًا وَ مِفْتَاحَ الرِّزْقِ الصَّدَقَةُ فَتَصَدَّقْ بِهَا فَفَعَلَ فَمَا لَبِثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَشْرَةَ أَيَّامٍ حَتَّى جَاءَهُ مِنْ مَوْضِعِ أَرْبَعَةِ آلَافِ دِينَارٍ فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَغَطَيْنَا لِلَّهِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا فَأَغَطَانَا اللَّهُ أَرْبَعَةَ آلَافِ دِينَارٍ.

امام صادق (علیه السلام) به فرزندش محمد فرمود: ای پسر! از این خرجی چه مقدار در نزد تو اضافه آمده است؟ گفت: چهل دینار. امام فرمود: بیرون برو و به وسیله آن صدقه بده. محمد گفت: همانا در نزد من غیر از این چهل درهم چیزی باقی نمانده است. حضرت فرمود: با آن صدقه بده! چرا که خداوند عز و جل آن را جایگزین خواهد کرد؛ مگر نمی دانی که برای هر چیزی کلیدی است و کلید رزق صدقه است؟! پس با آن صدقه بده. پس محمد این کار را انجام داد. پس بیش از ده روز نگذشت که محمد با چهارهزار دینار نزد امام آمد! پس حضرت فرمود: ای پسر! ما برای خدا چهل دینار بخشیدیم، پس خداوند چهار هزار دینار بخشید.

الکافی، ج ۴، ص ۹

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعًا عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْبُرِّ وَ الصَّدَقَةُ يُنْفِيَانِ الْفَقْرَ - وَ يَزِيدَانِ فِي الْعُمْرِ وَ يَدْفَعَانِ تِسْعِينَ مِائَةَ السَّوْءِ .

امام باقر (علیه السلام): کار نیک و صدقه فقر را از بین می برند و عمر را زیاد می کنند و نود مرگ بد را دفع می کنند.

الکافی، ج ۴، ص ۲ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۶ / الخصال، ج ۱، ص ۴۸ / ثواب الأعمال، ص ۱۴۱

سند خصال و ثواب الأعمال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

(الآنَ فِيهِمَا بَدَلُ تِسْعِينَ سَبْعِينَ)

عن اميرالمومنين عليه السلام: إِذَا أَمَلْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ.

امام علی علیه السلام: هرگاه نادر شدید، با صدقه با خدا سودا کنید.

نهج البلاغة (للصبي صالح)، ص ۵۱۳ - حکمت ۲۵۸

قَالَ الصَّادِقُ ع: إِنِّي لَأُمْلِي أَحْيَانًا فَأُتَاجِرُ اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ.

امام صادق علیه السلام: گاهی اوقات من تنگدست می شوم و به وسیله صدقه، با خدا سودا می کنم.

مصدر اصلی: كشف الغمة (اربلی)، ج ۲، ص ۲۰۵

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۰۶

رسول الله صلی الله علیه و آله: أَكْثَرُوا مِنَ الصَّدَقَةِ تُرْزَقُوا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیاد صدقه بدهید تا روزی داده شوید.

مصادر اصلی: إرشاد القلوب (لدیلمی)، ج ۱، ص ۴۵ / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۳۳۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۶

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَخْلِفُ بِالْبَرَكَةِ.

امام صادق علیه السلام: صدقه دادن قرض را ادا می‌کند و برکت بر جای می‌گذارد.

الکافی، ج ۴، ص ۹

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ اذْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالْذُّعَاءِ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ فَإِنَّهَا تُفَكُّ مِنْ بَيْنِ لُحْيٍ سَبْعِمِائَةَ شَيْطَانٍ وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ هِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ الْعَبْدِ.

امام صادق (علیه السلام): بیماریاتان را با صدقه مداوا کنید، و بلا را با دعا دفع نمایید، و نزول رزق را بوسیله صدقه بطلید، زیرا که صدقه رزق را از میان دو فک هفتصد شیطان که همگی مانع وصول آند رها میسازد، و هیچ چیز بر شیطان سنگین‌تر از صدقه بر مؤمن نیست. و صدقه پیش از آنکه در دست بنده واقع شود، در دست خدای تبارک و تعالی قرار میگیرد.

الکافی، ج ۴، ص ۳ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۶ / تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۱۲

سند تهذيب: عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْثَانِيُّ الرَّازِيُّ الْعَدْلُ بَلَّخَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَهْرَوَيْهِ الْقُرَوِينِيُّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: التَّوْحِيدُ نِصْفُ الدِّينِ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): توحید نصف دین است و رزق و روزی خود را با صدقه دادن فرو فرستید.

التوحيد (للسدوق)، ص ۶۸ / عيون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۵

قَالَ احمد بن محمد بن خالد: وَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ. پیامبر (صلی الله علیه و آله): روزی را، با صدقه فرود آورید.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۴، ص ۱۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۱ / قرب الإسناد، ص ۱۱۸

سند قرب الإسناد: عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۵۷

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

منابع دیگر: عدة الداعي، ص ۶۹ / النوادر (للراوندي)، ص ۳ / نهج البلاغة (للصبيحي صالح)، ص ۴۹۴ / تحف العقول، ص ۶۰

رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع قَالَ: ... اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ ...

امام صادق (علیه السلام): روزی را با صدقه فرود آورید؛ هر کس به جایگزین شدن مال انفاق شده در راه خدا یقین داشته باشد، به بخشش در راه خدا جود و سخاوت پیدا خواهد کرد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۶

عن اميرالمومنين (ع): مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ جَادَ بِالْعَطِيَّةِ؛ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هر کس به جایگزین شدن مال انفاق شده در راه خدا یقین داشته باشد، به بخشش در راه خدا جود و سخاوت پیدا خواهد کرد؛ روزی را، با صدقه فرود آورید.

تحف العقول، ص ۲۲۱

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ التُّوفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ صَدَّقَ بِالْخَلْفِ جَادًا بِالْعَطِيَّةِ.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله): هر کس جایگزین شدن مال انفاق شده در راه خدا را تصدیق کند به بخشش در راه خدا جود و سخاوت پیدا خواهد کرد.

الکافی، ج ۴، ص ۲

پیوست شماره ۷: گستره عظیم "انفال" در آیات و روایات

آیات قرآن:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (سوره مبارکه انفال، آیه ۱)

از تو درباره انفال [یعنی غنایم جنگی و هر گونه مالی که مالک معینی ندارد] می پرسند، [که مالک آنها کیست و چگونه باید تقسیم شود؟] بگو: [مالکیت حقیقی] انفال ویژه خدا و پیامبر است، پس اگر مؤمن هستید [نسبت به انفال] از خدا پروا کنید و [اختلاف و نزاع] بین خود را [درباره آن] اصلاح نمایید، و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. (ترجمه انصاریان)

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كِنِّ اللَّهُ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (سوره مبارکه حشر، آیه ۶)

اموال و زمین هایی را که خدا به عنوان غنیمت به پیامبرش بازگرداند، شما برای به دست آوردنش اسب و شتری نتازانید [و در نتیجه به زحمت نیفتادید]، ولی خدا پیامبران را بر هر که بخواهد مسلط و چیره می کند، و خدا بر هر کاری تواناست.

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةَ بَيْنِ الْأُغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا أَتَتْكُمْ الرُّسُلُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (سوره مبارکه حشر، آیه ۷)

آنچه خدا از [اموال و زمین های] اهل آن آبادی ها به پیامبران بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگرند. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید زیرا خدا سخت کیفر است.

روایات:

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْأَنْفَالُ مَا لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ أَوْ قَوْمٍ صَالِحُوا أَوْ قَوْمٍ أَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَكُلُّ أَرْضٍ حَرَبِيَّةٍ وَبُطُونُ الْأَوْدِيَةِ فَهِيَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص وَهُوَ لِلْإِمَامِ مِنْ بَعْدِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ.

امام صادق (علیه السلام): انفال سرزمینی است که با تاختن اسب فتح نشده است، یا زمینی است که قومی آن را مصالحه کرده و بخشیده، و هر زمین خراب، و عرصه وادی ها؛ همه برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و بعد از رسول برای امام است که در هر موضعی که بخواهد قرار می دهد.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

مصدر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۵۳۹

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۳

وَ عَنْهُ (عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَصَّالٍ) عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ إِنَّ الْأَنْفَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةٌ دَمٌ أَوْ قَوْمٌ صَوْلِحُوا وَ أُعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ فَمَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بُطُونٍ أَوْ دِيَّةٍ فَهَذَا كُلُّهُ مِنَ الْفِيءِ وَ الْأَنْفَالَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ ص فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلرَّسُولِ ص وَ يَضَعُهُ حَيْثُ يَحِبُّ.

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم امام صادق (علیه السلام) فرمود: انفال سرزمینی است که بدون خونریزی فتح شده است، یا زمینی است که قومی آن را مصالحه کرده و بخشیده، و هر زمین خراب، و عرصه وادی‌ها؛ همه برای خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است. پس هر آنچه برای خداست برای رسول است که در هر موضعی که دوست داشته باشد قرار می دهد.

مصدر اصلی: تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۴۹

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۷

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي بَانٍ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ هِيَ الْفَرَى الَّتِي قَدْ خَرِبَتْ وَ انجَلَى أَهْلُهَا فَهِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ مَا كَانَ لِلْمَلُوكِ فَهُوَ لِلْإِمَامِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْأَرْضِ الْخَرِبَةِ لَمْ يُوجِفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ الْمَعَادِنُ مِنْهَا وَ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلَى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ.

اسحاق بن عمار می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد "انفال" سوال کردم. حضرت فرمود: انفال روستاهایی که خراب شده اند و اهل آن آن را رها کرده اند؛ همه برای خدا و رسول است. و همچنین اموال پادشاهان است، برای امام است. و زمین ویرانی که با اسب دواندن و لشگرکشی فتح نشده است، و هر زمینی که صاحب ندارد، و معادن زمین، و هر کسی که مرده باشد و سرپرستی نداشته باشد مالش جزو انفال است.

مصدر اصلی: تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۵۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳۲ / بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۱۳

عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ» قَالَ مِنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ مَوْلَى فَمَالُهُ مِنَ الْأَنْفَالِ.

امام صادق (علیه السلام) در مورد "انفال" فرمودند: هر کس بمیرد و سرپرستی نداشته باشد، اموالش جزوه انفال است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۷، ص ۱۶۹

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۲۴۷

وَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سِنْدِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَاءٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «الْفِيءُ وَ الْأَنْفَالُ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةُ الدَّمَاءِ وَ قَوْمٌ صَوْلِحُوا وَ أُعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَةٍ أَوْ بُطُونٍ أَوْ دِيَّةٍ فَهُوَ كُلُّهُ مِنَ الْفِيءِ فَهَذَا لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ - فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِرَسُولِهِ يَضَعُهُ حَيْثُ شَاءَ وَ هُوَ لِلْإِمَامِ بَعْدَ الرَّسُولِ...»

امام باقر (علیه السلام): «فیء و انفال آن زمین‌هایی هستند که بدون خونریزی فتح شده است، یا خودشان مصالحه کرده‌اند و با دستان خودشان آن را بخشیده‌اند و همچنین زمین خراب یا عرصه وادی‌ها همه اینها جزو فیء هستند و برای خدا و رسولش است، و هر چه برای خداوند باشد برای رسولش است هر طور بخواهد قرارش می دهد و بعد از رسول برای امام است...»

مصادر اصلی: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۴ / تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۷

بول اعتباری و طرح جایگزین

إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ: «إِنَّ الْأَنْفَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ لَمْ يَكُنْ فِيهَا هِرَاقَةٌ دَمٌ أَوْ قَوْمٌ صَوْلِحُوا وَأَعْطُوا بِأَيْدِيهِمْ وَمَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ خَرِبَتْ أَوْ بُطُونٌ أَوْ دِيَّةٌ فَهَذَا كُلُّهُ مِنَ الْفِيءِ وَالْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ فَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ لِلرَّسُولِ يَضَعُهُ حَيْثُ يُحِبُّ.»

امام صادق (علیه السلام): «انفال آن زمینی است که بدون خونریزی فتح شده است، یا خودشان مصالحه کرده اند و با دستن خودشان آن را بخشیده اند، و همچنین زمینی خراب، یا عرصه وادی ها همه اینها جزو فیء و انفال هستند. و انفال برای خدا و رسول است، و هر چه برای خدا باشد، برای رسول است و هر جا دوست داشته باشد قرارش می دهد.»

مصادر اصلی: تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۳۳ / تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۷

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَهْلِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ: كُلُّ فَرِيَّةٍ يَهْلِكُ أَهْلُهَا أَوْ يَجْلُونَ عَنْهَا فَهِيَ نَقْلٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَصْفُهَا يُثَسِّمُ بَيْنَ النَّاسِ وَ نِصْفُهَا لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَمَا كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ص فَهُوَ لِلْإِمَامِ.

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم از امام صادق (علیه السلام) در مورد "انفال" سوال شد و حضرت فرمود: هر روستایی که اهلش از بین رفته اند، یا از آن رفته اند (و دیگر بر نمی گردند)؛ اینها جزو انفال هستند که نیمی از آن برای خداست که بین مردم تقسیم می شود، و نیمی دیگر برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، و هر آنچه برای رسول خداست پس برای امام است.

مصدر اصلی: تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۱۳۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۶

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ فِي الْمُقْنَعَةِ: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ: الْأَنْفَالُ هُوَ النَّفْلُ وَ فِي سُورَةِ الْأَنْفَالِ جَدْعُ الْأَنْفِ. قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَنْفَالِ. فَقَالَ: كُلُّ أَرْضٍ خَرِبَتْ أَوْ شَيْءٌ كَانَ يَكُونُ لِلْمُلُوكِ وَ بُطُونٌ أَوْ دِيَّةٌ وَ رُؤُوسُ الْجِبَالِ وَ مَا لَمْ يُوجَفْ عَلَيْهِ بِخَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ؛ فَكُلُّ ذَلِكَ لِلْإِمَامِ خَالِصًا.

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: انفال به معنای زیادی است و در سوره انفال قطع کردن بینی (جدع الانف) است! و از انفال از حضرت سوال کرد. فرمود: هر زمین خراب، یا هر چیزی که برای پادشاهان بوده است، و عرصه وادی ها، و قله کوه ها، و سرزمینی که بدون اس دوانی و لشکرکشی فتح شده باشد؛ تمام اینها فقط برای امام است.

مصدر اصلی: المقنعة، ص ۲۹۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳

* در معنای "جدع الأنف":

"جدع الأنف" بالمهمله قطعه یعنی في هذه السورة قطع أنف الجاحدين لحقوقنا و إرغامهم.

جدع الانف یعنی قطع کردن بینی. و منظور از آن در این سوره و روایت آن است که: (با نازل شدن این آیه؛ بینی منکرین حقوق ما قطع گردید و به خاک مالیده شد!

الوافي (فیض کاشانی)، ج ۱۰، ص ۳۰۲

عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ لَنَا: الْأَنْفَالُ. قُلْتُ: وَ مَا الْأَنْفَالُ؟ قَالَ: مِنْهَا الْمَعَادِنُ وَ الْأَجَامُ وَ كُلُّ أَرْضٍ لَا رَبَّ لَهَا وَ كُلُّ أَرْضٍ بَادَ أَهْلُهَا؛ فَهُوَ لَنَا.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ٢٥ خرداد ١٤٠٠ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

ابوبصیر می گوید: از انفال برای ما صحبت کردند. گفتم: انفال چیست؟ حضرت فرمود: بخشی از آن: معادن، آجام (زمینهایی که با نی و درختان پوشانده شده است)، و هر زمینی که صاحب ندارد، و هر زمینی که اهلس آن را رها کرده اند؛ همه برای ماست.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ٢، ص ٤٨

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٩، ص ٥٣٣

عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ طَاعَتَنَا فِي كِتَابِهِ فَلَا يَسْعَ النَّاسُ حَمَلَنَا [جَهْلُنَا] لَنَا صَفْوُ الْمَالِ وَ لَنَا الْأَنْفَالُ وَ لَنَا قَرَائِنُ الْقُرْآنِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند اطاعت از ما را در کتابش واجب و فرض کرد؛ پس مردم توان حمل آن را ندارند! برگزیده اموال برای ماست! انفال برای ماست! قرینه های (فهم) قرآن برای ماست.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ٢، ص ٤٧

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٢١٠

عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْأَنْفَالِ فَقَالَ مَا كَانَ مِنْ أَرْضٍ بَادَ أَهْلُهَا فَذَلِكَ الْأَنْفَالُ فَهُوَ لَنَا.

امام کاظم (علیه السلام): زمینی که اهلس آن را رها کرده اند؛ جزو انفال است و برای ماست!

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ٢، ص ٤٧

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٢١٠

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ مَاتَ لَا مَوْلَى لَهُ وَ لَا وَرَثَةَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْأَيَّةِ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس بمیرد در حالی که سرپرست و ورثه ای ندارد؛ پس او از اهل این آیه است: یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ.

مصادر اصلی: تهذیب الأحکام، ج ٩، ص ٣٨٧ / الإستبصار، ج ٤، ص ١٩٥ / تفسیر العیاشی، ج ٢، ص ٤٨

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٢٦، ص ٢٤٩ / بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٢١٠

فِي رِوَايَةِ ابْنِ سِنَانٍ قَالَ: هِيَ الْقَرْيَةُ الَّتِي قَدْ جَلَا أَهْلُهَا وَ هَلَكُوا فَخَرِبَتْ فَقَالَ هِيَ لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ.

در روایت ابن سنان آمده است: انفال، آن روستایی است که اهلس آن را رها کرده اند و از بین رفته اند، در نتیجه خراب شده است. پس حضرت فرمود: آن برای خدا و رسول است.

مصدر اصلی: تفسیر العیاشی، ج ٢، ص ٤٨

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٩، ص ٥٣٣

کلام امام خمینی (ره) در مورد گستره بسیار عظیم انفال:

« القول في الأنفال: و هي ما يستحقه الامام عليه السلام على جهة الخصوص لمنصب إمامته كما كان النبي صلى الله عليه وآله لرئاسته الإلهية، و هي أمور: منها- كل ما لم يوجف عليها بخيل و ركاب أرضا كانت أو غيرها انجلى عنها أهلها أو سلموها للمسلمين طوعا. و منها- الأرض الموات التي لا ينتفع بها إلا بتعميرها و إصلاحها لاستيجامها أو لا تقطع الماء عنها أو لاستيلائه عليها أو لغير ذلك، سواء لم يجر عليها ملك لأحد كالمفاوز أو جرى و لكن قد باد و لم يعرف الآن. و يلحق بها القرى التي قد جلا أهلها فخربت كبابل و الكوفة و نحوهما، فهي من الأنفال بأرضها و آثارها كالأحجار و نحوها، و الموات الواقعة في الأرض المفتوحة عنوة غيرها على الأقوى، نعم ما علم أنها كانت معمورة حال الفتح فعرض لها الموتان بعد ذلك ففي كونها من الأنفال أو باقية على ملك المسلمين كالمعمورة فعلا تردد و إشكال لا يخلو ثانيهما من رجحان. و منها- أسياف البحار و شطوط الأنهار، بل

کل أرض لا رب لها علی إشکال فی إطلاقه و إن لا یخلو من قرب و إن لم تكن مواتا بل كانت قابلة للانتفاع بها من غیر كلفة كالجزائر التي تخرج فی دجلة و الفرات و نحوهما. و منها- رءوس الجبال و ما یكون بها من النبات و الأشجار و الأحجار و نحوها، و بطون الأودية، و الآجام، و هي الأراضي الملتفة بالقصب و الأشجار من غیر فرق فی هذه الثلاثة بین ما كان فی أرض الإمام علیه السلام أو المفتوحة عنوة أو غیرهما، نعم ما كان ملكا لشخص ثم صار أجمة مثلا فهو باق علی ما كان. و منها- ما كان للملوك من قطائع و صفايا. و منها- صفو الغنیمة كفرس جواد، و ثوب مرتفع، و سیف قاطع و درع فاخر، و نحو ذلك. و منها- الغنائم التي لیست یأذن الإمام علیه السلام. و منها- إرث من لا وارث له. و منها- المعادن التي لم تكن لملك خاص تبعا للأرض أو بالإحیاء. مسألة: الظاهر إباحة جمیع الأنفال للشیعة فی زمن الغیبة علی وجه یجری علیها حکم الملك من غیر فرق بین الغنی منهم و الفقیر إلا فی إرث من لا وارث له، فإن الأحوط لو لم یكن الأقوی اعتبار الفقر فیہ، بل الأحوط تقسیمه علی فقراء بلده، و الأقوی إیصاله إلی الحاكم الشرعی. كما أن الأقوی حصول الملك لغير الشیعی أيضا بحیازة ما فی الأنفال من العشب و الحشیش و الحطب و غیرها، بل و حصول الملك لهم أيضا للموات بسبب الاحیاء كالشیعی.»

تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۳۶۸

ترجمه: «گفتاری در مورد انفال: انفال چیزهایی است که امام (علیهم السلام) به خصوص به خاطر منصب امامت، مستحق آن می باشد همانطور که بدلیل ریاست الهی (و امامتی) که پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) داشت، انفال متعلق به او بود. و انفال چند چیز است: از آن جمله است - هر چیزی که با اسبان و سواران بر آن تاخته نشده است (و از طریق جنگ با کفار بدست مسلمانان نیفتاده است) زمین باشد یا غیر زمین، اهالی آن از آن کوچ کرده باشند و یا آن را با میل و رغبت به مسلمانان تسلیم نموده باشند. و از آن جمله است: «زمین مواتی» که مورد استفاده نیست مگر این که آباد و اصلاح شود یا برای آن که نیزار است یا برای اینکه آب از آن قطع شده است یا برای اینکه آب آن را فرا گرفته و یا برای غیر اینها، چه ملک دیگری واقع نشده باشد مانند صحراهای بی آب و علف سوزان، یا ملک کسی بوده و لیکن مالک آن از بین رفته و الآن شناخته نشود. و قریه ها و شهرهایی که اهل آنها کوچ کرده خراب شده است مانند بابل و کوفه و مانند اینها به زمین موات ملحق می شود، پس این شهرها زمین و آثار آن مانند سنگها و مثل آنها از انفال می باشد، و زمین مواتی که در زمین مفتوح عنوة (با جنگ و غلبه فتح شده) واقع شده بنا بر اقوی مانند غیر آن (جزء انفال) است. ولی اگر معلوم باشد که در حال فتح مسلمین، آباد بوده و بعد از آن حالت موات بر آن عارض شده است پس در این که از انفال است یا بر ملک مسلمین باقی می باشد مانند زمینی که فعلا آباد است تردید و اشکال است که دومی آنها خالی از رجحان نیست. و از آن جمله است - کناره های دریاها و نهرها، بلکه هر زمینی که صاحب نداشته باشد - البته اطلاق آن اشکال دارد - اگر چه خالی از قرب نمی باشد، و اگر چه موات نباشد بلکه بدون زحمت و تکلف قابل استفاده باشد، مانند جزایری که در دجله و فرات و مانند آنها بیرون می آید. و از آن جمله است: سر کوهها و آنچه که از گیاه و درختها و سنگها و مانند آنها در آنها می باشد، و عرصه وادیها و «آجام» و آن زمینهایی است که به نی و درختان پوشانده شده است. و در این سه، بین آن که در زمین امام (علیهم السلام) باشد یا در مفتوح عنوة یا در غیر اینها باشد فرقی نمی کند؛ البته آنچه که ملک شخصی باشد سپس مثلا نیزار شود بر آنچه که بوده است باقی می ماند (و ملک صاحبش می باشد). و از آن جمله است: آنچه از مختصات شاهان بوده است از اموال غیر منقول و منقول. و از آن جمله است: غنیمت ممتاز، مانند اسب سواری نجیب و لباس گران قیمت و شمشیر برنده، و زره فاخر، و مانند اینها. و از آن جمله است: غنیمت هایی که (جنگ در آن) با اذن امام (علیهم السلام) نباشد. و از آن جمله است: ارث کسی که وارثی نداشته باشد. و از آن جمله است - معدن هایی که به تبع زمین یا بواسطه احیای آن، ملک مالک خاصی نباشد.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

مسأله: ظاهر آن است که همه انفال در زمان غیبت (حضرت مهدی سلام الله علیه) برای عموم شیعه مباح می باشد، بصورتی که حکم ملک بر آن جریان دارد بدون آن که بین غنی و فقیر شیعه فرقی باشد، مگر در مورد ارث کسی که وارثی ندارد. زیرا احتیاط - اگر اقوی نباشد - آن است که فقیر بودن در آن معتبر است، بلکه احتیاط آن است که بین فقرا شهر میّت تقسیم شود، و اقوی آن است که باید به حاکم شرع رسانده شود، کما این که اقوی آن است که اگر غیر شیعه آنچه را که در انفال است از گیاه و علف و هیزم و غیر اینها حیازت کند، مالک آن می شود، بلکه اگر زمین موات را هم احیاء کنند مانند شیعه ملکیت برایشان حاصل می شود.»

ترجمه تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۱۰۹

مرحوم شیخ حرّ عاملی (ره):

أَنَّ الْأَنْفَالَ كُلَّ مَا يَصْطَفِيهِ مِنَ الْغَنِيمَةِ وَ كُلُّ أَرْضٍ مُلْكَتْ بِغَيْرِ قِتَالٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ مَوَاتٍ وَ رُءُوسِ الْجِبَالِ وَ بُطُونِ الْأَوْدِيَةِ وَ الْأَجَامِ وَ صَفَايَا الْمُلُوكِ وَ قَطَائِعُهُمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبَةِ وَ مِيرَاثٍ مَنْ لَا وَارِثَ لَهُ وَ مَا غَنِمَهُ الْمُقَاتِلُونَ بِغَيْرِ إِذْنِهِ.

در عنوان باب اول از ابواب انفال: انفال هر آن چیزی است که از غنیمت به دست می آید، و هر زمینی که بدون جنگ فتح شده است، و هر زمین موات، و قله کوهها، و عرصه وادیها، و آجام (زمینهایی که با نی و درختان پوشیده شده است)، و اموال منقول و غیر منقول پادشاهان به شرط عدم غصبی بودن، میراث کسی که وارث ندارد، آنچه جنگجویان مسلمین بدون اذن امام به غنیمت برده اند.

وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۲۳

پیوست شماره ۸: آیات و روایات عدم جواز سلطه بر مال دیگران

آیات قرآن:

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَ تَدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۸۸)

و اموالتان را در میان خود به باطل و ناحق نخورید. و آن را به عنوان رشوه به سوی حاکمان و قاضیان سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را [با تکیه بر حکم ظالمانه آنان] به گناه و معصیت بخورید، در حالی که [زشتی کارت را] می دانید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَ لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (سوره مبارکه نساء، آیه ۲۹)

ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] نخورید، مگر آنکه تجارتي از روی خشنودی و رضایت میان خودتان انجام گرفته باشد. و خودکشی نکنید زیرا خدا همواره به شما مهربان است.

روایات:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بصير قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ عَنْ مَالِهِ. فَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: مَنْ قَتَلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ شَهِيدٍ. فَقُلْنَا لَهُ: أَفَيُقَاتِلُ أَفْضَلُ؟ فَقَالَ: إِنْ لَمْ تُقَاتِلْ فَلَا بَأْسَ أَمَّا أَنَا فَلَوْ كُنْتُ لَتَرَكْتُهُ وَ لَمْ أُقَاتِلْ.

بول اعتباری و طرح جایگزین

از امام باقر (علیه السلام) در مورد مردی که بخاطر مالش جنگ می کند. حضرت فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: هر کس بخاطر مالش کشته شود به منزله شهید است. پس به حضرت گفتیم: آیا جنگ کند بهتر است؟ فرمود: اگر جنگ نکند اشکالی ندارد و اگر من جای او بودم مال خود را رها می کردم و (بخاطر مال) نمی جنگیدم.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۷، ص ۲۹۶ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۶۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۳۸۳

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس بخاطر مالش کشته شود شهید است.

مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۰ / الخصال، ج ۲، ص ۶۰۷ / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۱۲۴ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص

۴۷۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۰۷

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَ قَالَ لَوْ كُنْتُ أَنَا لَتَرَكْتُ الْمَالَ وَ لَمْ أُقَاتِلْ.

امام باقر و صادق (علیهما السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس بخاطر مالش کشته شود شهید است. و فرمودند: اگر من جای او می بودم قطعاً مال را رها می کردم و با کسی (بخاطر مال) جنگ نمی کردم.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۹۵

وَ رَوَى أَنَسُ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): (تصرف) در مال مسلمان حلال نیست مگر از طیب خاطر از او.

مصادر اصلی: عوالي اللئالی، ج ۳، ص ۴۷۳ / فقه القرآن (قطب راوندی)، ج ۲، ص ۷۴

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَحِلُّ مَالُهُ إِلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسلمان برادر مسلمان است، (تصرف در) مال مسلمان حلال نیست مگر با طیب خاطر او.

عوالي اللئالی، ج ۳، ص ۴۷۳

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ شُعْبَةَ فِي تَحْفِ الْعُقُولِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله قَالَ فِي خُطْبَةِ الْوَدَاعِ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَ لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالُ أَخِيهِ إِلَّا عَنْ طَيْبِ نَفْسٍ مِنْهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آخرین خطبه شان فرمودند: ای مردم! همانا مومنین برادر یکدیگرند و مال مومنی برای مومن دیگر حلال نیست مگر از طیب خاطر او.

مصدر اصلی: تحف العقول، ص ۳۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۰ / بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۸۳

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: حُرْمَةُ مَالِ الْمُسْلِمِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست.

مصادر اصلی: تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۱ / عوالي اللئالی، ج ۳، ص ۴۷۳ / فقه القرآن (قطب راوندی)، ج ۲، ص ۷۴ / شهاب الأخبار (قضاعی)، ص ۶۴

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۴۰۷ / نهج الفصاحة، ص ۴۴۰

وَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: مَالُ الْمُسْلِمِ وَ دَمُهُ حَرَامٌ.

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مال و خون مسلمان حرام است.

عوالي اللئالی، ج ۳، ص ۴۷۳

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: مَنْ أَكَلَ مَالَ أَخِيهِ ظُلْمًا وَ لَمْ يَرِدْهُ إِلَيْهِ أَكَلَ جَذْوَةً مِنَ النَّارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

امام صادق (علیه السلام): هر که بخشی از دارایی برادر ایمانی اش را ستمکارانه بخورد و آن را به او باز نگرداند در روز رستاخیز پاره‌ای از آتش را خواهد خورد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۳۳۳ / ثواب الأعمال، ص ۲۷۳

سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّقَّازُ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَرِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۵۳ / بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۱۳

پیوست شماره ۹: روایات و فتوای فقهاء در مورد لزوم عدم تقویت کفر در تجارت بین الملل

روایاتی که در باب مذمت و نهی از معامله با کفار و هر کاری که باعث تقویت کفر شود در منابع روایی ما بسیار زیاد است.

که ما به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم:

روایت تحف العقول: عن الصادق (علیه السلام): «... وَ كَذَلِكَ كُلُّ بَيْعٍ مَلْهُوٌّ بِهِ وَ كُلُّ مَنْهِيٍّ عَنْهُ مِمَّا يَنْتَقِرُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرُ وَ الشُّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْمَعَاصِي أَوْ بَابٌ مِنَ الْأَبْوَابِ يَقْوَى بِهِ بَابٌ مِنَ أَبْوَابِ الضَّلَالَةِ أَوْ بَابٌ مِنَ أَبْوَابِ الْبَاطِلِ أَوْ بَابٌ يُوَهِّنُ بِهِ الْحَقَّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ حَرَامٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ إِمْسَاكُهُ وَ مِلْكُهُ وَ هَبْتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ جَمِيعِ التَّقْلِبِ فِيهِ إِلَّا فِي حَالٍ تَدْعُو الضَّرُورَةَ فِيهِ إِلَى ذَلِكَ.»

«... و [از جمله معاملات حرام: همچنين معامله هر چیزی که مایه سرگرمی باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا (از دستگاه‌های طاغوت) یا باعث تقویت کفر و شرک گردد (مانند فروش سلاح و غیره به دشمنان اسلام) یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم یا ترویج بی‌عفتی و غیره) یا حقی را تضعیف نماید (و باعث سستی عقاید مردم شود، از قبیل نشر کتب و نوشته‌های ضد دین) که اینها همه فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است جز اینکه ضرورتی پیش آید.» (ترجمه جنتی، ص ۵۳۵)

مصدر اصلی: تحف العقول، ص ۳۳۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۸۴ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۴۶

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ أَعْمَالِهِمْ - فَقَالَ لِي: « يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَا وَ لَا مَدَّةَ قَلَمٍ؛ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَا يُصِيبُ مِنْ دُنْيَاهُمْ شَيْئًا إِلَّا أَصَابُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ أَوْ حَتَّى يُصِيبُوا مِنْ دِينِهِ مِثْلَهُ.» أَلَوْهُمْ مِنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ.»

ابوبصیر می‌گوید: «از امام باقر علیه السلام درباره کارهای آنان [همکاری با کفار و ظالمین] سؤال کردم. امام علیه السلام به من فرمود: ای ابومحمد! نه و حتی به اندازه آغشته کردن قلمی به مرکب [با آنان همکاری نکن] هیچ‌کس به چیزی از دنیای آنان نمی‌رسد مگر آن‌که (یا تا آن‌که) آنان به همان اندازه از دینش را برابیند.»

تردید در حدیث از جانب ابن عمیر، یکی از راویان آن است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۱۰۷ / تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۳۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷۹ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۵۴۶

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «لَا تُعْنَهُمْ عَلَى بِنَاءِ مَسْجِدٍ.»

امام صادق (علیه السلام) به یونس بن یعقوب فرمود: «کفار (و ظالمین) را بر ساخت مسجد هم یاری مکن!»

مصدر اصلی: تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۳۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۸۰

حدیثی مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ أَعْوَانِ الظَّالِمَةِ وَمَنْ لاقَ لَهُمْ دَوَاةً أَوْ رَبَطَ كَيْسًا أَوْ مَدَّ لَهُمْ مَدَّةَ قَلَمٍ فَاحْشُرُوهُمْ مَعَهُمْ.»

«امام صادق (علیه السلام) از پدرش نقل کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: چون روز قیامت شود منادی ندا کند: کجایند یاری دهندگان به ستمکاران؟! و کسانی که برای آنان دواتی لایقه کردند، یا در کیسه‌ای برایشان بستند، یا قلمی برای آنان اصلاح نمودند؟! [آن‌گاه خطاب می‌رسد: آنان را نیز با ستمکاران محشور کنید.]»

مصادر اصلی: ثواب الأعمال، ص ۲۶۰ / جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۵۵ / أعلام الدین (دیلمی)، ص ۴۰۸

منابع دیگر: وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، ص ۱۸۰ / بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۷۲

مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ (الکشي) فِي كِتَابِ الرَّجَالِ: عَنْ حَمْدَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ حَسَنٌ جَمِيلٌ مَا خَلَا شَيْئًا وَاحِدًا. قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيُّ شَيْءٍ؟ قَالَ: إِكْرَاؤُكَ جَمَالَكَ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ يَعْنِي هَارُونَ. قُلْتُ: وَ اللَّهُ مَا أَكْرَيْتُهُ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا لِلصَّيْدِ وَلَا لِلْهَوَىٰ وَلَا لِكَيْتِي لِهَذَا الطَّرِيقِ يَعْنِي طَرِيقَ مَكَّةَ وَلَا أَتَوَلَّاهُ بِنَفْسِي وَلَا كَيْتِي أَبَعْتُ مَعَهُ غُلْمَانِي. فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ أَ يَبْعُ كِرَاؤُكَ عَلَيْهِمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: فَقَالَ لِي: أَ تُحِبُّ بَقَاءَهُمْ حَتَّى يَخْرُجَ كِرَاؤُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَهُمْ فَهَوَىٰ مِنْهُمْ وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ كَانَ وَرَدَ النَّارَ! قَالَ صَفْوَانُ: فَذَهَبْتُ فَبِعْتُ جَمَالِي عَنْ آخِرِهَا فَبَلَغَ ذَلِكَ إِلَى هَارُونَ فَدَعَانِي. فَقَالَ لِي: يَا صَفْوَانُ بَلَعْنِي أَنْكَ بَعْتَ جَمَالَكَ. قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: وَ لِمَ؟ قُلْتُ: أَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ وَإِنَّ الْغُلْمَانَ لَا يُفُونَ بِالْأَعْمَالِ. فَقَالَ: هَبْهَاتِ هَبْهَاتِ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَنْ أَشَارَ عَلَيْكَ بِهَذَا، أَشَارَ عَلَيْكَ بِهَذَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ. قُلْتُ: مَا لِي وَ لِمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ دَعَا هَذَا عَنكَ فَوَ اللَّهُ لَوْ لَا حُسْنُ صُحْبَتِكَ لَقَتَلْتَنِيكَ.

امام کاظم (ع) - صفوان جمال می‌گوید: بر ابو الحسن اول (ع) (حضرت امام موسی بن جعفر (ع)) داخل شدم، به من فرمود: «ای صفوان! همه چیز تو نیکو و زیننده است مگر یک چیز». گفتم: فدایت شوم، آن کدام چیز است؟ فرمود: «کرایه دادن شترانت به این مرد» - یعنی هارون - گفتم: از روی سرخوشی و نعمت‌زدگی، یا برای شکار و کار لهو به او کرایه ندادم، بلکه برای این راه، یعنی راه مکه، چنین کردم، نیز خود شخصا این کار را انجام نمی‌دهم بلکه کارکنانم را با او می‌فرستم. پس فرمود: «ای صفوان! آیا کرایه آنها به عهده آنان نیست؟» گفتم: چرا، فدایت شوم! فرمود: «آیا باقی ماندن ایشان را تا زمان گرفتن کرایه‌ات دوست می‌داری؟»، گفتم: آری. فرمود: «هر کس بقای ایشان (ظالمان) را دوست داشته باشد، از ایشان است، و هر کس از ایشان باشد، اهل دوزخ است...».

رجال الکشي، ص ۴۴۱

مباحث مرحله پردازش / در جمع برخی از پژوهشگران حوزه اقتصاد و مکاسب / ۲۵ خرداد ۱۴۰۰ / خبرگزاری رسا، شهر مبارک قم

برای مطالعه بیشتر روایات در این زمینه می‌توانید: به باب ۱ و باب ۲، ۳، ۴، ۴۴، ۴۵ از ابواب ما یکتسب به از کتاب التجارة کتاب وسایل الشیعه نیز مراجعه فرمایید.

کلام فقهاء در این باره:

و آنچه فقهاء بزرگوار در مورد معامله با کفار می‌فرمایند آن است که: هر معامله و یا هر کار دیگری (غیر از معامله) که باعث تقویت کفر یا کفار و باطل شود حرام است؛ و این یکی از قواعد قطعی استنباط فقهی در نزد شیعه می‌باشد که در جای جای فروعات فقهی مختلف به کار رفته است:

از باب نمونه:

مرحوم علامه حلی (ره) در منتهی چنین می‌فرماید:

« یحرم حفظ كتب الضلال، و نسخها لغير النقض أو الحجّة عليهم بلا خلاف. و کذا یحرم نسخ التوراة و الإنجیل و تعلیمهما، و أخذ الأجرة علی ذلك کله؛ لأنّ في ذلك مساعدة علی الحقّ و تقوية للباطل، و لا خلاف فيه. »
 « حفظ و نسخه برداری از کتب ضاله حرام است؛ بدون خلاف. و همینطور نسخه برداری از تورات و انجیل و تعلیم و آموزش دادن آنها حرام است. و گرفتن اجرت بر همه اینها حرام است؛ چون که در تمام اینها کمک کردن بر علیه حق و تقویت باطل است. و هیچ خلافتی در این نیست. »

منتهی المطلب (علامه حلی)، ج ۱۵، ص ۳۸۳

عالم بزرگ شیعه مرحوم سید محمد کاظم طباطبایی یزدی (صاحب عروه) در این باره می‌فرماید:

« أنّ من القواعد حرمة تقوية الكفر يدلّ عليها العقل و النقل فإنّ المستفاد من خبر تحف العقول حرمة ذلك [حرمة بیع السلاح من اعداء الدین] مطلقا لقوله ع أو يقوی به الكفر و الشّرك. »
 « یکی از قواعد [که در استنباط به کار برده می‌شود] حرام بودن تقویت کفر است که هم عقل و هم نقل بر آن دلالت می‌کند. آن چه از خبر تحف العقول [که در متن فوق ذکر شد] استفاده می‌شود آن است که فروش سلاح به دشمنان دین مطلقا حرام است؛ بخاطر قول امام (علیه السلام) [در روایت تحف العقول که فرمود: از معاملات حرام آن معاملاتی است که به وسیله آن کفر و شرک تقویت شود. »

حاشیة المكاسب (للبيدي)، ج ۱، ص ۱۲

مرحوم عبدالاعلی سبزواری (ره) نیز در این باره:

« یحرم کل ما یوجب تقوية الباطل علی الحقّ بأيّ نحو کان، و لو بیع معدات الحرب منهم؛ للأدلة الأربعة: فمن الكتاب: ما دل علی حرمة الإعانة علی الإثم کقوله تعالی وَ تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَی الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ أی إثم أشد من هذا؟! و من الإجماع: إجماع المسلمین بل العقلاء علی أصل الكبرى إلا أن مصداق الحق و الباطل یختلف لديهم، لأن کلا یری مذهبه حقا و ما یخالفه باطلا. و من السنة القولية: أخبار لا تحصى فی موارد شتی: منها: ما تقدم. و منها: قول أبي عبد الله علیه السلام فی رواية أبي حمزة: « لو لا أن بني أمية وجدوا لهم من یکتب و یجیب لهم الفیء و یقاتل عنهم و یشهد جماعتهم لما سلبونا حقا » [۱]. و منها: قول أبي عبد الله علیه السلام: « و کل منهي عنه مما یتقرب به لغير الله تعالی أو يقوی به الكفر و الشّرك من جمیع وجوه المعاصي، أو باب یوهن به الحق فهو حرام محرم بیعه و شراؤه و إمساكه و ملكه و هبته و عاریته و جمیع التقلب فيه » [۲]. و من السنة العملية: بناء جمیع الشرائع الإلهية خصوصا الشریعة الختمية المقدسة علی المدافعة مع الباطل بأيّ وجه أمکن. و هی [ای: تقویه الباطل] تختلف باختلاف الاعصار و الأمصار، بلا فرق فی بین حال قیام الحرب و الهدنة إذا کان الاثراء و الجمع للتهيئة و العدة. و لا یعتبر فی حرمة البیع القصد إلى الإعانة و التقوية، بل المناط الصدق العرفی. »

پول اعتباری و طرح جایگزین

«هر چیزی که موجب تقویت باطل بر حق شود حرام است؛ به هر صورتی که باشد، ولو با فروش معدّات جنگ به آنها باشد. دلیل این مطلب ادله اربعه است: اما دلیل از کتاب (قرآن): آنچه که دلالت بر حرام بودن کمک کردن بر گناه می‌کند: مثل قول خداوند متعال: **وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ** (سوره مبارکه مایده، آیه ۳) و چه گناهی بزرگتر از تقویت باطل؟! . اما دلیل از اجماع: اجماع تمام مسلمین بلکه تمام عقلاء بر اصل کبری (حرام بودن تقویت باطل) است. الا اینکه در مصداق حق و باطل بین عقلاء و مسلمین اختلاف است، چون تمام آنها مذهب خود را حق و مخالف خود را باطل می‌دانند! و دلیل از سنت قولی (روایات): اخبار و روایاتی است که قابل احصاء نیست در موارد مختلف: یکی از آنها: کلام امام صادق (علیه السلام) در روایت ابی حمزه: «اگر بنی امیه کسانی را نمایانند که برای آنها کتابت کند و فیء را برای آنها جمع آوری کند و برای آنها جنگ کند و در جمات آنها حضور داشته باشد؛ همانا حق ما اهل بیت (ع) گرفته نمی‌شد!» و روایتی دیگر: کلام امام صادق (ع): «... و [از جمله معاملات حرام]: همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا (از دستگاه‌های طاغوت) یا باعث تقویت کفر و شرک گردد (مانند فروش سلاح و غیره به دشمنان اسلام) یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم یا ترویج بی‌عفتی و غیره) یا حقی را تضعیف نماید (و باعث سستی عقاید مردم شود، از قبیل نشر کتب و نوشته‌های ضد دین) که اینها همه فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است.» و اما سنت عملی: بناء تمام شرایع الهی خصوصاً شریعت حضرت ختمی مرتبت بر دفاع کردن در مقابل باطل به هر نحوی که امکان دارد.

و تقویت باطل با اختلاف اعصار و شهرها مختلف می‌شود، بدون فرق بین حال جنگ یا صلح. و در حرام بودن خرید و فروش [ی که باعث تقویت باطل می‌شود] قصد کمک و تقویت باطل شرط نیست؛ بلکه صدق عرفی شرط است [یعنی: چه بسا قصد تقویت نداشته باشد ولی -بخاطر اینکه عرفاً تقویت باطل محسوب می‌شود- حرام باشد].»

مهدب الأحكام (عبدالاعلی سبزواری)، ج ۱۶، ص ۷۱

مرحوم آیت الله شیخ محمد جواد تبریزی (ره) نیز می‌فرماید:

« إذا انطبق عنوان تقوية الكفر و تضعيف الحق و أهل الايمان أو ثبوت السبيل للكافر على المسلم على بيع العبد المسلم منه و الوفاء بها فالظاهر عدم صحة تلك المعاملة. »

هر گاه عنوان تقویت کفر و تضعیف حق و اهل ایمان یا ثابت شدن راه کفار بر مسلمان، بر خرید بنده مسلمان از کافر و وفاء به آن صدق کند؛ ظاهر آن است که این معامله صحیح نیست.

إرشاد الطالب إلى التعليق على المكاسب، ج ۳، ص ۱۶۸

و همچنین در شرح کتاب شرح لمعه می‌خوانیم:

« و في خير تحف العقول جعل مناط الحكم تقوية الكفر أو الشرك أو توهين الحق حيث قال: (أو يقوى به الكفر و الشرك من جميع وجوه المعاصي، أو باب يوهن به الحق فهو حرام) إلى آخره، و هي ظاهرة في حرمة بيع كل ما يوجب غلبتهم علينا و تقويتهم و توهين الحق. »

« در خبر تحف العقول تقویت کفر یا شرک یا وهن و سستی حق را مناط [و قاعده] حکم [حرمت] قرار داده است؛ آنجا که فرموده: [از معاملات حرام هر معامله ای است که به وسیله آن] کفر و شرک تقویت شود، یا حق به وسیله آن سست شود ... تا آخر روایت). و این روایت ظاهر در حرام بودن خرید و فروش هر چیزی است که باعث غلبه کفار بر ما و تقویت آنها و باعث وهن و سستی حق گردد. »

الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية، ج ۴، ص ۲۸۹

در قسمت اصلی گزارش این نشست می‌خواهم چهار محور را بحث کنم. فهم بنده این است که اگر کسی به این چهار محور توجه کند، مساله "پول در اسلام" برای او حل می‌شود. یعنی جایگاه مساله پول و تاثیر آن بر مساله تنظیم روابط انسانی جا خواهد افتاد. بله؛ یک وقتی شما به دنبال این هستید که اثر پول را بر ایجاد "ارزش افزوده" بحث کنید، یا مثالی گوید که من مساله پول و سیاست‌های پولی و مالی را طوری تنظیم می‌کنم که هدایت "نقدینگی" به بخش تولید اتفاق بیفتد، یا تامین پروژه‌های مهم اتفاق بیفتد. خب؛ این یک بحث دیگری است و شما مساله پول را محدود کرده‌اید به بخش اقتصاد. ما اگر بخواهیم تاثیر مساله پول را در تنظیم روابط انسانی ببینیم باید یک مقدمات و گفتگوهای دیگری را بحث کنیم.



* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا @olgou4